



# روش علمی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش  
شماره پانزدهم، شماره ۴ • تابستان ۱۳۹۱  
شماره پستی ۵۵

بسم الله الرحمن الرحيم

- پژوهش و تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی | ۲
- فعال‌سازی دانش‌آموزان در مطالعات اجتماعی  
صدیقه جلالی | ۴
- دانش‌آموز، سرمایه اصلی معلمان | محمود همدانی | ۱۲
- معرفی کتاب | ۱۵
- حق جهش علمی و دانش‌آموز ایلامی  
محمود اردوخانی | ۲۲
- خلاقیت در مدیریت | فاطمه شهرزاد بخشایش | ۲۴
- والدین سنگ‌صبور بچه‌ها نیستند | ۳۰
- پژوهش در عمل | بهروز انصاری | ۳۴
- معلم کلاس محوری و آینده | ۴۰
- معلم و فرهنگ اسلامی مدارس | حامد سبزی‌پور | ۴۳
- ایمان روحی دهکردی | ۵۰
- امنیت معلم در مراکز آموزشی | رضوان رضوی | ۵۶
- آشنایی با روزهای ملی | زهرا صادقی | ۶۲

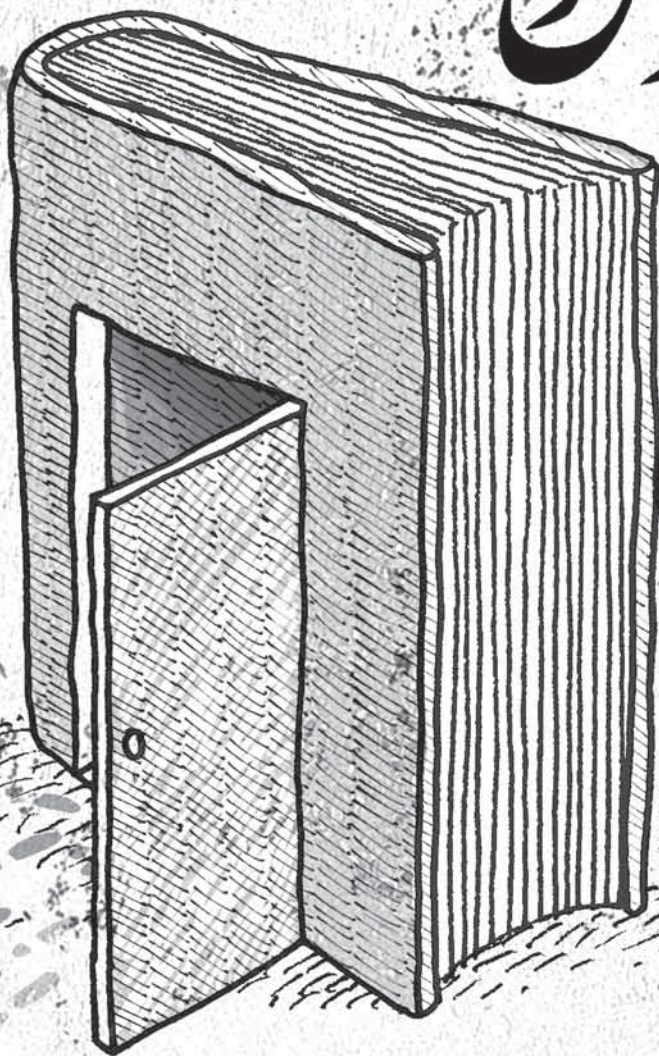
قابل توجه صاحبان مقالات ارسالی:

۱. سعی شود مطالب ارسالی بیش‌تر جنبه کاربردی داشته باشد و از پرداختن طولانی به مبانی نظری پرهیز شود.
۲. مطالبی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با اهداف و سرفصل‌های برنامه درسی و کتب درسی علوم اجتماعی مدرسه‌ای مجله رشد آموزش علوم اجتماعی مرتبط باشد و در جای دیگری هم چاپ نشده باشد.
۳. مطالب ترجمه شده با متن اصلی ارسال شود.
۴. بهتر است متن را از طریق پست الکترونیکی (E-mail) برای ما بفرستید.
۵. نثر مطالب روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
۶. مجله در رد، قبول، اصلاح و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.
۷. در ابتدای مطالب ارسالی، واژه‌های کلیدی نوشته شود.
۸. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتما نوشته شود.

- مدیرمسئول: محمد ناصری
- سردبیر: دکتر مسعود فرحان‌یان مقدم
- مدیر داخلی: دکتر احمد کلاه‌مال همدانی
- هیئت تحریریه: دکتر فضیله خانی، دکتر حبیب‌الله فصیحی، دکتر شهلا باقری، دکتر ناهید فلاحیان، ابوالفضل نفرو، فریبرز بیات
- ویراستار: بهروز راستانی
- طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندوسی
- نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
- صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
- تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷
- نماینده: ۸۸۳۰۱۴۸۷
- وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- پیام‌نگار: [ejtemaie@roshdmag.ir](mailto:ejtemaie@roshdmag.ir)
- تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
- کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴
- نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵
- شمارگان: ۱۰۲۰۰ نسخه
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



# ع اجتماعی سرمقاله پژوهش و تفاوت‌ها فرمی



© الفخرا



درک تفاوت‌های فرهنگی در میان جوامع گوناگون ما را به این واقعیت هدایت می‌کند که جوامع اگر چه دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها، و رفتارهای مختلفی هستند اما دارای نقاط مشترک و در عین حال استواری‌اند که یکپارچگی فرهنگی - اجتماعی را نتیجه می‌دهد. این دیدگاه ضمن قبول این تفاوت‌ها و احترام به آن‌ها بر این باور است که هویت یکپارچه انسان‌ها از گذشته‌های دور تا به آینده‌های انسانی تداوم خواهد داشت و بدانجا هدایت می‌شود که علیرغم اختلافات به وحدت در اندیشه و عمل ختم خواهد شد. وحدت اندیشه و عمل هرگز با تفاوت‌های فرهنگی در تقابل و تضاد نیست چرا که عوامل محیطی همچون مرفولوژی بستر زندگی یعنی زمین بر او تأثیر می‌گذارد عوامل اجتماعی و تعاملات و ارتباطات سازمانی بر انسان و هویت او تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. عوامل فرهنگی و آموزش‌های زیستی و مهارت‌ها بر او تأثیر می‌گذارد و تغییراتی را در آن ایجاد می‌کند و... اما هرگز بدان معنی نیست که ماهیت و هویت انسانی اجتماع را دستخوش بیگانگی و از هم گسیختگی سازد، بلکه نقاط ضعف اجتماعی را، با تبادلات و ارتباطات گسترده، آشکار و کم‌کم آن را کمرنگ و یا محو خواهد کرد این امر باعث استواری روابط اجتماعی خواهد شد به عبارت دیگر تفاوت‌های فرهنگی در درون خود، منادی هویت یکپارچه انسانی - اجتماعی هستند. به گمان ما این هویت یکپارچه روزی خواهد رسید که هویتی جهانی را برای جوامع بشری فراهم خواهد کرد و آنگاه خواهد توانست ضمن قبول تفاوت‌ها، اجتماعی آباد، دوست‌داشتنی، مهربان، یکدل، یکسو، و بدون ظلم و ستیز را فراهم آورد. شاید بتوان این‌گونه گفت که تفاوت‌های فرهنگی انسان را در کوره تجربه پخته می‌سازد و در بستر جهانی، انسان و اجتماعی خردورز، دین‌باور و مهدی‌گرا به وجود می‌آورد و این همان چیزی است که ما از آن به عنوان زمینه‌های ظهور از آن یاد می‌کنیم.

تفاوت‌های فرهنگی اگر به صورت طبیعی ظهور و بروز یابد ما به پیشرفت و آبادانی است و در نهایت دنیایی زیبا می‌آفریند و بستری فراهم می‌کند که در آن عقل و خدامحوری و دلگراپی، به یکپارچگی می‌رسند و همان هویت جهانی مهدوی را به بار خواهد آورد. اما اگر این تفاوت‌ها مصنوعی، تحمیلی و غیرمنطبق با روحیه اصیل مدنیت انسانی به وجود آید نه تنها نمی‌تواند به سعادت و رفاه و پیشرفت ختم شود بلکه خود آسیبی جهانی خواهد شد که نتیجه آن همین بیداد جهانی است که اکنون بر انسان‌ها و اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی از سوی حاکمان ظالم جهان و مستکبران و جهان‌خواران تحمیل شده است. دنیایی خواهد بود که تفاوت‌ها مایه فخر فروشی و غرور و کبر انسانی می‌شود و خودی در مقابل خدا علم می‌کند. لذا می‌توان چنین پنداشت که تفاوت‌های فرهنگی اگر به سمت و سوی یکپارچگی اجتماعی گرایش و تمایل پیدا کند به پیشرفت و توسعه ختم می‌شود و اگر به تضاد و تقابل کشیده شود به نابودی جهان و اجتماعات انسانی ختم خواهد شد اما به یاد داشته باشیم که جهان با محوریت روح الهی حاکم بر آن همواره رو به پیش خواهد رفت و سقوط و شکست در نظام جهانی فطری وجود نخواهد داشت. اما بدیهی است که در این سیر و سلوک خرابایی در مسیر هستند که اگر به هشجاری

و بیداری و بصیرت کشف نشوند جامعه را با تأخیر فرهنگی - اجتماعی روبه‌رو ساخته و دست یافتن به مطلوب را دشوار می‌سازند. از این‌رو باید اندیشه کرد تا خار مغیلان از بستر آزادی و آزادگان برچیده شود. در حوزه آموزش و پرورش نیز چنین است اما باید به یکپارچگی آموزش و فرهنگ و تربیت انسانی - اجتماعی بیندیشیم. تفاوت‌های موجود را بپذیریم و ضمن پذیرش واقعی آن‌ها، «عالی اجتماعی» جهانی را با آموزش و فرهنگ جهانی فراهم آوریم. پس تفاوت‌های اجتماعی استان‌ها و تفاوت‌های فرهنگی جوامع می‌بایست با اندیشه، دین‌باوری و خدامحوری به آموزش و پرورش جهانی و در مسیر تعالی انسان خداجو تبدیل شود. آنگاه است که دانستن، حق واقعی همه انسان‌ها و جوامع انسانی است. برای رسیدن به این مقوله ما دو پیشنهاد مشخص داریم نخست آنکه آموزش و پرورش ما باید با الگوهای پیشرفت فطرت محور، به پیش‌روی نظر داشته باشد و پژوهش را در آموزش و پرورش جدی بیانگارد. پژوهش علیرغم تلاش‌هایی که در آموزش و پرورش صورت گرفته، هنوز تبدیل به یک دغدغه مهم و اثرگذار در میان مجموعه دست‌اندرکاران و مسئولان این نهاد حساس و گسترده و انسان‌پرور نشده است. بسیاری از معلمان عزیز هنوز نمی‌دانند پژوهش چیست و چه کاربردی در مسیر و پیشرفت اجتماعی دارد. آن‌ها سال‌ها دچار تکرار می‌شوند و همانی هستند که قبلاً بوده‌اند. تجربیاتشان چون پشتوانه علمی و پژوهشی ندارد فقط در یک مقطع جاری و ساری می‌شود اما کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود و تبدیل به یک کالای تزئینی در کمدهای مدیران می‌گردد. لذا باید پژوهش را جدی‌تر تلقی کرد و بدانیم پژوهش منشاء هر گونه پیشرفت صحیح و منطقی است. اگر می‌خواهیم معلم پژوهش‌محور داشته باشیم پژوهش را باید به درستی بیاموزانیم و بیاموزیم. اکنون تصور برخی از مبتدیان از پژوهش صرفاً کپی‌برداری از نوشته‌های دیگران و به‌ویژه دنیای غرب است. غربی که اطلاعات سوخته خود را در اینترنت جاسازی می‌کند تا پژوهشگران به سرچشمه دست نیابند. پس ما خود باید کوشش کنیم و با ابزار پژوهش معما علمی کنیم و آنچه را که در آموزه‌های دینی خود به عنوان «علم نافع» می‌شناسیم، بازیابی و باز تولید کنیم و پژوهش صحیح و واقعی رمز این رمزگشایی است.

پیشنهاد دوم آن است که به فلسفه فن‌آوری‌های نوین به‌ویژه تکنولوژی‌های آموزشی دقت بیشتری کنیم و آن را در مسیر باورهای خود قرار دهیم یعنی زیرساخت‌های اندیشه‌ای و فکری تکنولوژی‌های آموزشی که خاستگاه‌های غربی دارد، پالایش شود و اندیشه‌های علم‌پرور و پژوهش‌محور جامعه اسلامی - ایرانی در آن متبلور شود. در اینجا است که تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی را باید پذیرفت اما رویکرد یکپارچه‌سازی فرهنگی - اجتماعی را نیز در این فضای جدید برای پیشرفت و توسعه واقعی آموزش و پرورش مدنظر قرار داد. ما به همین روی در نظر داریم که در سال آتی تحصیلی بیشتر به استان‌ها برویم تفاوت‌ها را درک کنیم و آن را در فضاهای اجتماعی و فضای مجازی با نگاهی پژوهش‌محور ترویج نماییم در این مسیر دعای خیر شما موجبات خدمتگزاری بیشتر ما را فراهم می‌کند.



پژوهش

## در مطالعات اجتماعی

# فعال سازدانش آموزان

### مقدمه

فعال سازی دانش آموزان اول متوسطه در درس «مطالعات اجتماعی» به عنوان یک وظیفه و نقش شغلی، در آغاز برایم به عنوان یک تصمیم مطرح شد؛ تصمیمی که عملی ساختن آن دشوار می نمود. در واقع این تصمیم برای مقابله با مسائل آموزشی علوم اجتماعی در ذهنم نقش بسته بود. ساده پنداشتن و دست کم گرفتن این درس در دوره متوسطه، یکی از مشکلات دبیران علوم اجتماعی است. هر چند بسیاری از مفاهیم و موضوعات درس مطالعات اجتماعی را نگارنده هم اکنون با استفاده از روش های فعال آموزش تدریس می کند، اما کار را با آموزش «هنجار اجتماعی» آغاز کردم و این گزارش نیز به آغاز کار و چگونگی آموزش مفهوم هنجار اجتماعی محدود است. چگونگی اجرای روش تدریس «ایفای نقش» در آموزش هنجار اجتماعی، چارچوب اصلی گزارش تحقیق را تشکیل می دهد. در واقع این گزارش، هم گزارش فعالیت آموزشی نگارنده است و هم شرح تدوین، تنظیم، ارزیابی و اعتباربخشی برای ارائه آن.

**کلیدواژه ها:** فعال سازی، ایفای نقش،

یادگیری فعال، هنجار اجتماعی

پژوهشگر: صدیقه جلالی

۴

رشد آموزش  
دوره ۱۵  
شماره ۴  
تابستان ۱۳۹۱

## مسئله پژوهش

چگونه دانش‌آموزان را در فرایند یاددهی-یادگیری درس مطالعات اجتماعی فعال سازم؟

## تعریف مسئله

جلب توجه دانش‌آموزان به درس، واداشتن آن‌ها به شناخت محیط اجتماعی خود و تفاوت‌گذاری بین شناخت علمی مفاهیمی مانند گروه، هنجار، ارزش، نقش و نظام اقتصادی و شناخت عامیانه این مفاهیم، و در نهایت، قبولاندن این امر به دانش‌آموزان که بین محتوای درس، و زندگی و تجربیات روزمره آنان ارتباط وجود دارد. کاری دشوار و در عین حال، راه‌حلی برای مسئله بود. در اجرای نقش آموزشی، معلم تا حدودی در انتخاب روش تدریس آزادی عمل دارد. برای حل مسئله پیش رو و نیل به هدف، «روش تدریس ایفای نقش» را برگزیدم و این فرضیه را در نظر گرفتم که: «با اجرای روش تدریس ایفای نقش در فرایند یاددهی-یادگیری می‌توان دانش‌آموزان را در درس مطالعات اجتماعی از سطح موجود به سطح یادگیری فعال ارتقا داد.»

## تعریف چند اصطلاح

**نقش:** طرح شکل یافته‌ای از تداوم رفتارها، کلمات و احساسات در ارتباط با دیگران است [جوینس، ۲۰۰۴: ۳۰۸].  
**ایفای نقش:** ایفای نقش به عنوان یک الگوی تدریس، نمونه‌ای زنده از رفتار معلمی است که می‌کوشد به شاگردان کمک کند احساسات خود را دریابند، بینشی نسبت به نگرش‌ها و ارزش‌های خود به دست آورند و موضوع‌های درسی را به طرق گوناگون کاوش کنند [همان، ص ۳۰۶].  
**یادگیری:** بروز تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار فرد است که در اثر تغییرات شناختی و تجربه به وجود می‌آید [حسینی، ۱۳۷۵].  
**یادگیری فعال:** فعالیت یادگیرنده و مشارکت او در یافتن راه‌حل مسائل، برقراری ارتباط ساختاری بین عوامل گوناگون، و سازمان دادن به اطلاعات به نحو معنی‌داری است [پیشین].

## پرسش‌های پژوهش

۱. چرا دانش‌آموزان در یادگیری درس مطالعات اجتماعی فعالیت لازم را ندارند؟
۲. چه روش‌ها و راهبردهایی برای فعال ساختن دانش‌آموزان کارآمد هستند؟
۳. چگونه می‌توان علاقه و انگیزه دانش‌آموزان را برای یادگیری درس مطالعات اجتماعی تحریک کرد؟
۴. چه شرایط و امکاناتی را می‌توان فراهم آورد تا دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی فعال شوند؟

## اهداف پژوهش

۱. شناسایی علل عدم فعالیت دانش‌آموزان در کلاس درس مطالعات اجتماعی؛

۲. شناسایی و مطالعه راهبردهای فعال‌سازی دانش‌آموزان در کلاس درس؛
۳. تقویت و پرورش انگیزه یادگیری درس مطالعات اجتماعی در دانش‌آموزان؛
۴. فراهم آوردن زمینه، شرایط و امکانات لازم برای فعال‌سازی دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی.

## وضع موجود

من دبیر علوم اجتماعی و دارای مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی هستم و ۲۰ سال سابقه خدمت دارم. شش سال سرگروه علوم اجتماعی منطقه ۱۹ بوده‌ام و ۱۷ سال در «دبیرستان فاطمه زهرا(س)» درس داده‌ام. از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی، دانش‌آموزان این مدرسه جزو طبقه متوسط هستند. این دبیرستان یک نوبتی است و شش کلاس اول متوسطه آن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ که تعداد دانش‌آموزان آن‌ها ۱۵۷ نفر بود، جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. وظیفه تدریس مطالعات اجتماعی به آن‌ها برعهده من بود. به روش نمونه‌گیری قضاوتی ۵۲ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند و روش جدید با این تعداد تجربه شد.

به عنوان نخستین گام برای شناسایی علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس مطالعات اجتماعی این سؤال را از دانش‌آموزان پرسیدم که علت عدم فعالیت شما در زنگ مطالعات اجتماعی چیست؟ چرا هیچ‌گونه تلاش و جدیتی در این زمینه از خود نشان نمی‌دهید؟ سپس به آنان فرصت دادم که نقطه نظرات خود را بدون ذکر نام روی برگه‌ای بنویسند و تحویل دهند. بعد از مطالعه برگه‌ها متوجه شدم که به عقیده آن‌ها این درس:

۱. کسل‌کننده است.

۲. فایده ندارد.

آن‌گاه به سراغ بعضی از همکاران هم‌رشته‌ام رفتم و از آن‌ها پرسیدم که چرا دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی این‌گونه رفتار می‌کنند. برخی دلایل آن‌ها چنین بود:

۱. چون والدین دانش‌آموزان به علوم اجتماعی اهمیت نمی‌دهند.
۲. مطالب کتاب جذابیت ندارد.
۳. روش آموزش معلمان علوم اجتماعی مطلوب نیست.

خودم نیز با توجه به تجربه کاری و مطالعاتی که داشتم، علل مشکلات را در عوامل زیر یافتم:

۱. روش‌های تدریس علوم اجتماعی کارایی ندارد.
۲. رشته تحصیلی بعضی از معلمان این درس نامرتب است و این درس را به عنوان تکمیل کسری ساعات تدریس پذیرفته‌اند.
۳. کادر اداری اهمیت لازم را برای این درس قائل نیست.

بنویسند. در پایان تصحیح برگه‌های آزمون، معلوم شد فراوانی نسبی پاسخ‌های درست ۳۰ درصد است و ۷۰ درصد دانش‌آموزان توانایی یافتن مصداق هنجارها را نداشتند. این مشاهدات کفایت می‌کرد که از نتیجه فعالیت آموزشی خود ناراضی باشم.

### پیشینه مطالعات

حاصل مطالعاتم در مورد «روش ایفای نقش» (بازی نقش) چنین بود:

نقش الگویی است متشکل از رفتارها و مربوط به موقعیت فرد در مجموعه‌ای تعاملی. نقش اجتماعی الگوی رفتاری است که اعضای گروه در مورد آن توافق کرده‌اند و برای گروه ارزشی عملکردی دارد. [سرو مقدم، ۱۳۷۲: ۱۱۴۱].

بازی نقش روشی است برای یادگیری که دست‌یابی به نقش را به کمک تمرین قبلی امکان‌پذیر می‌کند. فرد به کمک «بازی نقش» می‌تواند کنش‌ها و نگرش‌های ضروری و تجویز شده از سوی خود نقش را یاد بگیرد. به‌علاوه، اگر این نقش باید در زمینه‌ای تعاملی ایفا شود، فرد خواهد توانست در جریان این صحنه بازی، عواملی را احتمالاً مزاحم مسئله برقراری ارتباط خواهند شد و به این ترتیب از کارایی آن خواهند کاست، حذف کند [پیشین].

تکنیک «بازی نقش»<sup>۲</sup> افزایش کارایی فرد را چه در زمینه عملی و شغلی و چه در قلمرو روابط اجتماعی و زندگی خانوادگی ممکن می‌سازد. این تکنیک به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا نقش شغلی خود را یاد بگیرند و روابط بین اشخاص را که به دنبال می‌آورد، جذب کنند. بازی نقش می‌تواند به انطباق متقابل اعضای گروه یاری رساند و با پذیرش تجدیدنظر در رفتارها یا احساسات زبان‌بار- نظیر خصومت- به بهبود جو اجتماعی گروه کمک کند.

«پایگاه» به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر، احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند. نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معین را احراز کرده است، انتظار دارند، نقش‌های مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته شدند و سپس او آن‌ها را می‌پذیرد [کوئن، ۱۳۶۷: ۸۳].

«نقش اجتماعی»<sup>۲</sup> اجتماعی در حقیقت مجموعه انتظاراتی است که به یک پایگاه خاص ضمیمه است. وقتی ما صاحب پایگاهی هستیم، نقشی را هم که با آن پایگاه مرتبط است، ایفا می‌کنیم. «نقش» رفتاری است که دیگران از ما انتظار دارند، چراکه ما ایفای وظیفه خاصی را برعهده داریم و یا آن که پایگاه مشخصی را اشغال کرده‌ایم. برخی از «هنجارها»<sup>۴</sup> نیز با پایگاه‌ها مرتبط یا همراه با آن هستند. در نقش برادر یا خواهر، از ما انتظار می‌رود که حالتی مهربان، حامی، صدیق و وفادار داشته باشیم. ایفای نقش‌های

البته ضعف روش‌های تدریس تنها عاملی بود که به خودم مربوط می‌شد و می‌توانستم در تغییر، اصلاح و ارزیابی آن اقدام کنم. برای اجرای روش جدید در آغاز کار می‌باید یک مفهوم مشخص انتخاب و میزان یادگیری دانش‌آموزان در روش معمول با روش جدید مقایسه می‌شد. به این منظور، مفهوم «هنجار اجتماعی»<sup>۱</sup> را که یکی از مفاهیم کلیدی درس است، برگزیدم. دانش‌آموزان نخست در پایه سوم راهنمایی با این مفهوم آشنا می‌شوند و پس از آن نیز به عنوان یک درس عمومی همه دانش‌آموزان سال اول متوسطه در درس مطالعات اجتماعی به عنوان سه واحد درس عمومی، در بعد وسیع‌تری مفهوم هنجار اجتماعی را فرا می‌گیرند.

با هدف بررسی وضع موجود، از دانش‌آموزان خواستم اطلاعات خود را در مورد هنجار اجتماعی روی یک برگ بنویسند و در ضمن گفتم که می‌توانند از کتاب استفاده کنند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها مشاهده کردم گروهی از دانش‌آموزان تعریف سال گذشته (سوم راهنمایی) را دقیقاً نوشته‌اند: «بایدها و نبایدهای روزمره را که به رفتار ما جهت می‌دهند، هنجار می‌گویند» [تعلیمات اجتماعی، سال سوم راهنمایی، ص ۱۷].

گروهی دیگر از دانش‌آموزان با استفاده از کتاب سال اول متوسطه (مطالعات اجتماعی) هنجار اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده بودند: «به رفتارهایی که فرد با عضویت در گروه باید آن‌ها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن، با مجازات گروه روبه‌رو می‌شود، الگوی عمل یا هنجار می‌گویند» [مطالعات اجتماعی، سال اول متوسطه].

تعریف هر دو گروه از هنجار اجتماعی، درست بود و در کتاب‌های درسی نیز همین تعاریف آمده بود. دانش‌آموزان در ظاهر موفق به نظر می‌رسیدند. برگه‌ها را دوباره به آن‌ها دادم تا پشت آن‌ها چهار هنجار محیط آموزشی و چهار هنجار محیط خانواده را بنویسند. اما این بار فقط در یک کلاس پنج نفر و در کلاس دیگر هفت نفر پاسخ درست دادند. بنابراین فهمیدم دانش‌آموزان مصداق هنجار را نمی‌شناسند و در ارائه مثال و نمونه ضعیف هستند. و بیشتر آن‌ها تعریف هنجار را به سختی و با زحمت به حافظه می‌سپارند و در برابر پرسش و آزمون همان را تکرار می‌کنند.

در کتاب مطالعات اجتماعی موضوع درس سوم ارزش و هنجارهای اجتماعی است. از دانش‌آموزان خواسته شد که پاسخ فعالیت شماره ۴ درس مذکور را بنویسند. این فعالیت از دانش‌آموزان می‌خواهد برای مهمانی رفتن و عبور و مرور در خیابان هنجارهایی بیابند و در دفتر مطالعات اجتماعی یادداشت کنند. در جلسات بعدی که تکلیف‌ها را بررسی می‌کردم، مشاهده کردم که تنها چند نفر توانایی انجام تکلیف را داشته‌اند. سایر دانش‌آموزان با اظهار عجز می‌خواستند که پاسخ فعالیت‌ها را یک به یک به آن‌ها بگویم.

در آزمون پایان نیم‌سال، مفهوم هنجار را به صورت یک پرسش در سطح کاربرد مطرح کردم. بدین صورت که از دانش‌آموزان خواستم «چهار هنجار محیط آموزشی و چهار هنجار محیط بازر» را

اجتماعی حالتی شبیه ایفای نقش در یک صحنه نمایش (مانند تئاتر) است.

بازی یکی از مطلوب‌ترین وسایل تعلیم و تربیت است. حتی برخی از مربیان استفاده از وسایل بازی را به عنوان عمده‌ترین وسیله آموزش کودک برای یادگیری موضوعات مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند. تقویت حواس کودک باعث می‌شود او بتواند در جهت رشد قوای ذهنی خود آن‌ها را به کار گیرد. رشد قوای حسی و ذهنی کودک خود نیز به افزایش رشد اجتماعی کودک در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های گروهی می‌انجامد.

پیشرفت روش‌های آموزشی و طراحی سیستم‌های مطلوب و مناسب یادگیری و آموزش باعث شده است تغییرات چندی در چگونگی استفاده از وسایل بازی پدید آید. اساس استفاده از این‌گونه وسایل بازی (رایانه، تلویزیون و...) برای آموزش حول محور نظریه بازخورد، و تقویت یادگیرنده، متمرکز شده است. به این صورت که یادگیرنده در مقابل اجرای عمل در هر مرحله از آموزش، با دریافت «بازخورد»، در مورد چگونگی اجرای عمل خود شخصاً قضاوت می‌کند و با تصحیح اشتباهات خود به سمت یادگیری مرحله بعدی پیش می‌رود. برای یاد دادن از طریق بازخورد، هر یک از این سیستم‌ها از روش خاصی استفاده می‌کنند. برخی بر تقویت بیرونی و برخی دیگر بر تقویت درونی یادگیرنده تأکید می‌ورزند، اما در هر دوی این موارد بر ارائه بازخورد و تقویت یادگیرنده توافقی مشترک وجود دارد. وجه مشترک دیگر تمامی این سیستم‌ها استفاده از امکانات بالقوه بازی و توجه به جنبه سرگرم‌کننده و تفریحی بودن بازی است [مهبجور، ۱۳۷۲: ۴-۲۶۳].

کودک‌انی که زندگی خود را با بازی آغاز می‌کنند، شروع خوبی دارند. این امر در سطوح بسیار به یادگیری و انگیزش آن‌ها کمک می‌کند. کودکان در همه سنین، از جمله در دوران نوجوانی، به بازی نیاز دارند. بازی، موجب تقویت نگرش‌های «می‌توانم انجام دهم» و «می‌خواهم انجام می‌دهم» به زندگی می‌شود، زیرا به حمایت، پرورش و بهبود خصوصیات زیر منجر می‌شود:

- کنجکاوی، و برانگیختگی و شگفتی ناشی از اکتشافات مختلف؛
- خلاقیت و انعطاف‌پذیری، از طریق کندوکاو در خیالات و حل مشکلات؛
- اعتماد به نفس؛
- تمرکز از راه اشتیاق حل شدن در بازی؛
- همکاری در بازی با دیگران، یادگیری انجام کارها به نوبت، و سازش با دیگران؛
- اجتماعی بودن و درک نیازها و احساس‌های دیگران؛
- حل مشکل و رسیدن به توافق با دیگران [هارتلی بروئر، ۱۳۸۶: ۱۹۱].

یادگیری فرایندی است که به وسیله آن، تغییرات نسبتاً پایداری در توان رفتاری و در نتیجه تجربه رخ می‌دهد. اصطلاحات کلیدی

در این تعریف، فرایند، نسبتاً پایدار، توان (پتانسیل) و تجربه هستند. ما وقوع یادگیری را نمی‌بینیم، بلکه آن را از عملکرد استنباط می‌کنیم. تغییرات در عملکرد، تغییر در یادگیری را نشان می‌دهد [اسیدمحمدی، ۱۳۷۷].

گانه نیز در نظریه «سلسله مراتب یادگیری» خود بر این عقیده است که یادگیری انسان در رابطه با موضوع مورد آموزش به صورت سلسله مراتبی است که در ابتدا باید مفاهیم ساده به آموزش درآیند و سپس به سمت یادگیری‌های پیچیده‌تر به پیش رفت [همان، ص ۲۸۱].

پایه بر این عقیده است که تشابه زیادی میان رشد جسمانی و رشد ذهنی فرد وجود دارد، زیرا همان‌گونه که رشد جسمانی به تدریج به‌وقوع می‌پیوندد، رشد ذهنی نیز باید مراحل متفاوتی را پشت‌سر بگذارد تا کامل شود. اما رشد جسمانی محدوده‌ای خاص دارد، یعنی تا زمانی مراحل صعودی خود را می‌گذراند و سپس از نقطه اوج خود سیری نزولی را طی می‌کند. در حالی که رشد ذهنی تقریباً نامحدود و فاقد سیر نزولی است. تازه اگر این موضوع هم پیش آید زمان آن بیشتر، کندتر و دیرتر از سیر نزولی رشد جسمی است. ارتباط میان یادگیری‌ها و آموزش‌های اولیه و اثر آن بر زندگی آینده فرد، در دیدگاه‌ها و نظریات سایر روان‌شناسان آموزشی نیز به چشم می‌خورد. مثلاً آرزویل با نظریه پیش‌سازمان‌دهنده خود این موضوع را مطرح می‌سازد که یادگیری انسان هم‌چون درختی است که ریشه در گذشته دارد. لذا هرچه میان آموخته‌های جدید با دانسته‌های قبلی ارتباط زیادتری باشد، یادگیری جدید بهتر و سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد.

مطالعه انگیزش برای مربیان مطمئناً با مطالعه یادگیری آمیخته است. به‌طوری که وانیر (۱۹۹۰) می‌گوید: «انگیزش غالباً از یادگیری استنباط می‌شود و معمولاً برای روان‌شناسی پرورشی، یادگیری نشانه انگیزش است» (ص ۶۱۸).

موضوع اصلی این است که چگونه افراد را برای پرداختن به یادگیری جدید آماده کنیم؟ معلمان، مربیان، یا طراحان آموزشی چگونه می‌توانند شرایط لازم را برای انگیزش به‌وجود آورند؟

کلر توصیه کرد معلمان برای نگه‌داشتن توجه یادگیرندگان، نحوه ارائه بحث‌های آموزشی خود را تغییر دهند. علی‌رغم علاقه یادگیرندگان به موضوع بحث، اگر حالت یکنواختی بحث تغییر نکند، آن‌ها علاقه خود را از دست می‌دهند. بحث‌های یکنواخت به خاطر قابل پیش‌بینی بودن مطالب آن‌ها، علاقه و توجه یادگیرندگان را از بین می‌برد. سخن‌رانان برای تغییر دادن این حالت یکنواختی می‌توانند از فیلم استفاده کنند، وسایل کمک‌آموزشی را به کار گیرند، یا بحث‌های گروهی کوچک را که کل کلاس را درگیر کند، ترتیب دهند.

یکی از منابع انگیزش برای یادگیری، کنجکاوی است که در کودکان و بزرگسالان برانگیزنده قدرتمندی است. منبع



## فعالیت‌های روزمره

انسان‌ها در جامعه مبتنی

بر «نظم اجتماعی»<sup>۵</sup>

است و این نظم از

طریق افراد و رفتار

گروه‌های اجتماعی

تداوم پیدا می‌کند.

در حقیقت هر رفتار

اجتماعی از طریق

هنجارها و قوانین

خاصی اداره می‌شود

دیگر، مربوط بودن تکلیف است. یادگیرندگان برای آموختن چیزهایی که آن‌ها را مربوط می‌دانند و به آن‌ها علاقه دارند، بیشتر برانگیخته می‌شوند. هم‌چنین، تعیین هدف از منابع مهم انگیزش است.

منبع قدرتمند دیگر انگیزش، کارایی شخصی است که منظور از آن، اعتقاد یادگیرندگان به خودشان در رابطه با دشواری و پیامد تکلیف است [پیشین].

فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در جامعه مبتنی بر «نظم اجتماعی»<sup>۵</sup> است و این نظم از طریق افراد و رفتار گروه‌های اجتماعی تداوم پیدا می‌کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می‌شود، و در این‌جا منظور از هنجارها، استانداردهای رفتاری است که از طریق افراد و گروه‌های اجتماعی از همگان انتظار می‌رود [محسنی، ۱۳۷۹: ۲۸۹].

در آموزش درس مطالعات اجتماعی به شیوه اجرای نقش به هیچ سابقه‌ای دست نیافتیم. می‌توانم بگویم که این شیوه آموزش نخستین بار توسط من در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ اجرا شده است. با وجود این در بررسی منابع و پژوهش‌های عملی (اقدام پژوهی) انجام گرفته در زمینه ایفای نقش در داخل کشور، موارد زیر را یافتیم:

۱. خانم فاطمه مینا از استان فارس، در گزارش اقدام پژوهی خود در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ می‌نویسد: قصد داشتم یادگیری و یادسپاری گروه‌های اسمی و فعلی را در درس زبان فارسی برای دانش‌آموزانم آسان و ماندگار سازم. به این منظور از روش تدریس بازی و نمایش استفاده کردم، زیرا به کمک این روش مربی می‌تواند هم مسئله را برای دانش‌آموزان بشکافد و هم خلاقیت ذهن آنان را افزایش دهد. به عبارت دیگر:

- تدریس بر مبنای بازی هم شخصیت یادگیرندگان را شکل می‌دهد و هم یادگیری را آسان می‌کند.
- تشریح مساعی دانش‌آموزان در یادگیری مطلوب‌ترین نتیجه را عاید معلم می‌کند.

۲. خانم ژاله حسینی داور، دبیر «دبیرستان شهید مطهری تهران» می‌نویسد: یکی از الگوهای نوین تدریس که دانش‌آموزان در آن مشارکت فعال دارند «الگوی (دریافت مفهوم)» است. مشارکت، همکاری، کاوشگری، رشد تفکر خلاق، پرورش استدلال و ایجاد فرصت تفکر به دانش‌آموزان برای حل مسئله، از مهم‌ترین مسائلی است که در این الگو مورد نظر است. من این الگو را در مورد یکی از مباحث و مفاهیم کتاب مطالعات اجتماعی (مفهوم الگوی عمل یا هنجار، صفحه ۲۲) طی ۱۲ مرحله با مشارکت جدی فراگیرندگان به اجرا درآوردم.

به عنوان نمونه، سلام کردن به یکدیگر (مثبت) و سلام نکردن به یکدیگر (منفی)، یا محبت کردن به دیگر اعضا (مثبت) و بی‌محبت بودن نسبت به اعضا را در نظر گرفتیم و در پایان با مشارکت همه دانش‌آموزان به تعریف مفهوم هنجار رسیدیم.





در این شیوه چون از ابتدای اجرای الگو تا انتها یعنی درک مفهوم مورد نظر، خود دانش‌آموزان فعالانه شرکت دارند و همکاری و مشارکت شرطی ضروری و مهم است، لذا اضطراب و نگرانی دانش‌آموزان که خود (سدی در راه یادگیری است) کاهش می‌یابد و نیز موجب علاقه‌مندی آن‌ها نسبت به این درس می‌شود. هم‌چنین، از آن‌جا که نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد اجرای این روش در کلاس به موفقیت و پیشرفت یادگیری در دانش‌آموزان می‌انجامد و نیز باعث می‌شود که بیشتر مطالب و مفاهیم در کلاس درس آموخته شوند و آن‌ها کمتر مطالب را فراموش کنند، پس می‌توان از این شیوه در تدریس بقیه مطالب و محتوای کتاب مطالعات اجتماعی استفاده کرد.

۳. پیشینه دیگر آموزش هنجار متعلق به آقای ایار از استان گیلان بود. وی می‌کوشید مفهوم هنجار را در درس مطالعات اجتماعی به روش هم‌یاری و بحث گروهی آموزش دهد و به نتایج مثبتی رسید.

با توجه به تحقیقات انجام شده به نکات زیر می‌توان پی برد:

۱. روش یادگیری از طریق هم‌یاری و بحث گروهی، روش کارآمدی در فرایند یاددهی - یادگیری است و سبب صمیمیت افراد با یکدیگر می‌شود.

۲. یادگیری از طریق مشارکتی یا آموزش از طریق هم‌یاری، رویکردی جدید در آموزش است که هدف‌های عمده آن عبارت‌اند از: درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری؛ از بین بردن حالت تک‌بعدی و معلم‌محور در کلاس؛ ایجاد علاقه و انگیزه برای یادگیری فعال در دانش‌آموزان.

### تجزیه و تحلیل شواهد

بررسی پیشینه موضوع و کتاب‌های موجود در این زمینه در نهایت به نتایج زیر منجر می‌شود:

- در یادگیری، استفاده از بازی نقش، مشارکت و هم‌یاری تأثیر بسزایی دارد.

- از دیدگاه پیاژه، رشد جسمانی پس از مدتی متوقف می‌شود و سپس سیر نزولی می‌پیماید، در حالی که در رشد ذهنی، سیر رشد و پیشرفت نامحدود یا بسیار کندتر است. لذا می‌توان با تقویت رشد ذهنی دانش‌آموزان، یادگیری و سرعت این سیر را بیشتر کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های تحقق این هدف می‌توان بازی نقش باشد.

- اگر کنجکاوی را به‌عنوان یکی از منابع انگیزش بپذیریم، لذا می‌توان با اجرای بازی نقش حس کنجکاوی را در یادگیرنده تقویت کرد و به این ترتیب به عمق و عمر یادگیری افزود.

- از آن‌جا که پذیرش نقش یعنی الگوهای عملی که فرد پذیرنده نقش ملزم به انجام آن است، در یادگیری و عمق بخشیدن به آن می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد، لذا می‌توان با اجرای این امر در بازی نقش، یادگیرنده را به تعهد و تکلیف بیشتری وادار کرد.

- در بازی نقش، فرد از حالت تماشاچی صرف خارج می‌شود و خود به فعالیت دست می‌زند لذا می‌توان این پدیده را یکی از عوامل مؤثر در بهبود فرایند یادگیری به حساب آورد.

- در پدیده بازی نقش، چون لازمه ایفای نقش درک مفهوم و دریافت کامل آن است، لذا می‌توان با واگذاری مسئولیت در بازی نقش، یادگیرنده را به این سمت هدایت کرد.

### راه‌حل‌های حل مشکل

- تغییر در نحوه تدریس و انتخاب شیوه ایفای نقش و سایر شیوه‌های آموزشی فعال؛

- ارتباط دادن محتوای درس به واقعیات زندگی روزمره؛

- تقویت انگیزه دانش‌آموزان؛

- به‌کارگیری ابزار و وسایل متنوع به هنگام تدریس؛

- به‌کارگیری اصل تشویق و تنبیه در جریان تدریس.

راهکارهای فوق ارزیابی و در نهایت راهبردهای زیر برای حل مشکل انتخاب شدند:

### راه‌حل‌های نهایی

- استفاده از رویکرد تدریس ایفای نقش؛

- ارتباط دادن محتوای درس با واقعیات زندگی؛

- تقویت انگیزه دانش‌آموزان.

### اجرای روش تدریس جدید

با امید و هیجان روش تدریس ایفای نقش را به مرحله اجرا درآوردیم و برای نخستین‌بار، موضوع آموزش هنجار را در نظر گرفتیم. و نمایش‌نامه‌ای مقدماتی برای آن تهیه کردیم و سپس ایفاگران نقش را که هفت دانش‌آموز علاقه‌مند و مستعد بودند، انتخاب کردیم تا در قالب یک خانواده سه نفری با نقش‌های پدر، مادر و دختر به عنوان مهمان و یک خانواده چهار نفری (شامل نقش‌های پدر، مادر، دختر و پسر به عنوان میزبان، به ایفای نقش بپردازند.

به سایر دانش‌آموزان که نقش تماشاگر را داشتند، برگه سفیدی داده شد تا تعامل دو خانواده اعم از گفت‌وگو و رفتارها را ثبت کنند و در پایان مراسم میهمانی (نمایش) به معلم تحویل دهند. هم‌چنین:

- به دو خانواده توصیه شد حرکات آرام و جدی داشته باشند و با صدای رسا تعارف و گفت‌وگو کنند.

- به خانواده چهار نفری ۲۰ دقیقه فرصت داده شد تا برای نقش میزبانی خود رفتار و گفتار مناسب را تمرین کنند.

- به خانواده سه نفری ۲۰ دقیقه فرصت داده شد تا برای نقش مهمانی خود رفتار و گفتار مناسب را تمرین کنند.

سپس چهار میز به صورت مستطیل در جلو کلاس ردیف شد تا مهمانان و میزبانان رودرروی هم قرار گیرند و گفت‌وگو کنند. از گروه

## نظارت بر اجرای روش تدریس ایفای نقش

پس از اجرای نمایش، برگه‌هایی که برای ثبت رفتار مهمانان و میزبانان به دانش‌آموزان (تماشاگران) داده شده بود، جمع‌آوری شد. در این برگه‌ها، محاوره‌ها، رفتارها و ژست‌های گروه‌های میزبان و مهمان منعکس شده بود.

در حالی که کلاس شکل عادی به خود گرفته بود، به دانش‌آموزان گفتم که به تعریف هنجار که روی تخته کلاس نوشته شده بود دقت کنند. شرح دادم که همه گفته‌ها، حالت‌ها و ژست‌های گروه میزبان و گروه مهمان که در تعامل با یکدیگر انجام داده بودند، مطابق هنجار بود و فردی مجازات و سرزنش نشد. اما فرض کنید رفتارها و گفت‌وگوها غیر از این بود. مثلاً مهمان بدون این که در بزند یا خبر کند به خانه میزبان می‌آمد. بی‌شک با تعجب و سکوت سرزنش‌آمیز میزبان روبه‌رو می‌شد. یا پس از ورود مهمانان، گروه میزبان از جا بلند نمی‌شدند و استقبال نمی‌کردند. اضافه کردم آن چه شما دانش‌آموزان با مشاهده رفتار مهمانان ثبت کردید، رفتارهای مطابق هنجار و الگوی عمل اجتماعی بود. هنجار قاعده رفتار است؛ چه رفتار دوستانه و غیررسمی و چه رفتار شغلی و سیاسی که حالت رسمی دارد.

اظهارات برخی دانش‌آموزان در مورد این روش به شرح زیر بود:  
**محیا عبادی:** نمایش خوبی بود و مفهوم هنجار را متوجه شدم.  
**لیلا یوسفی:** مفهوم هنجار کاملاً برایم جا افتاد و دیگر آن را با ارزش اشتباه نمی‌کنم.

**مونا قهرمانی:** نمایش خیلی خوبی بود و در آن تعامل اجتماعی و ارزش و هنجار رعایت شده بود. من این تعاریف را به خوبی یاد گرفتم.  
**آرزو اسد بیگی:** هدف از اجرای نمایش، نشان دادن مفهوم هنجار، نقش و تعامل اجتماعی بود. نمایش به خوبی توانست این مفاهیم را به نمایش درآورد.

مهمان خواستم از کلاس خارج شوند و پس از یک لحظه با ادا و اطوار مهمان وارد کلاس شوند. مهمانان و میزبانان یکدیگر را با نام‌هایی که توافق کرده بودند، خطاب می‌کردند.

در کتاب مطالعات اجتماعی در فصل اول گفته شد که دوران نوجوانی و جوانی دوران انتخاب‌های دوره‌ای است که فرد از حال جدا و به آینده معطوف می‌شود. لذا توجه به آینده برای او امری مهم، سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است؛ انتخاب مواردی چون رشته تحصیلی و جهت‌گیری گروهی. همچنین، تأثیر گروه بر خود آگاهی (هر کس خود را در آینده دیگران می‌بیند و می‌شناسد) مطرح شده و تأثیر گروه در کسب استقلال و بلوغ اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است.

هم‌چنین، در فصل آخر همین کتاب، نظام سیاسی معرفی شده و پس از طرح نظام خود کامه و نظام قانونی، ساختار نظام قانونی تشریح شده است. در واقع در این درس الفبای چگونگی رفتار سیاسی فرد به عنوان شهروند ارائه شده و پس از طرح ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری، پایه‌های این نظام که در نمایندگی و انتخاب نماینده استوار است، توضیح داده شده است.

معلم می‌تواند با در نظر گرفتن انتخاب‌های سیاسی، مانند انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخاب رئیس‌جمهوری، که با حساسیت و سر و صدا و جلب توجه زیاد برگزار می‌شود، بیش از پیش توجه دانش‌آموزان را به این انتخاب‌ها و آنچه در سطح رسانه‌ها و جامعه جریان می‌یابد، جلب کند و به مطالب کتاب درسی پیوند دهد. او می‌تواند به پرسش‌های دانش‌آموزان که در چنین موقعیت‌هایی برانگیخته می‌شود، پاسخ علمی بدهد و چند نظام سیاسی را که در سطح جهان شناخته شده‌اند، با نظام سیاسی کشور خود مقایسه کند. بی‌تردید این شیوه آموزش بسیار کارآمد باعث علاقه‌مندی دانش‌آموزان می‌شود.

## هنجارهای استقبال و پذیرایی

میزبانان	مهمان‌ها
۲. به استقبال رفتند.	۱. در زدند.
۴. سلام علیک!	۳. سلام!
۶. آری خدا را شکر، به خوشی شما.	۵. حالتان خوب است؟ خوش هستید؟
۸. خوش آمدید خیلی خوش حال شدیم.	۷. خیلی وقت بود می‌خواستیم بباییم، دلمان تنگ شده بود.
۱۰. جای بردارید، آب هم می‌آورم.	۹. هوا خیلی گرم است، اگر ممکن است به من آب بدهید.
۱۲. تلاش می‌کنیم یک لقمه نان حلال تهیه کنیم.	۱۱. از کار و کاسبی در بازار چه خبر؟
۱۴. شیرینی و میوه بفرمایید.	۱۳. چشم، خیلی ممنون.
۱۴. از اسباب‌کشی بگوئید، خانه‌تان را عوض کردید؟	۱۵. بله خیلی سخت بود حمل کردن وسایل، خودت که می‌دانی.
۱۶. منزلتان را چند خریدید و چند خوابه است؟	۱۷. ۱۲۰ میلیون. دو خوابه است. در خانی آباد خریدیم.
۱۹. بفرمایید شام در خدمتان باشیم.	۱۸. مهمانان بلند می‌شوند تا خداحافظی کنند.
۲۱. بفرمایید غذا سرد نشود.	۲۰. حالا که اصرار می‌کنید، در خدمت هستیم.
۲۳. خواهش می‌کنم، کاری نکردیم.	۲۲. دستتان درد نکند از این که شام درست کردید.
۲۵. خوش آمدید.	۲۴. ان‌شاءالله شما هم تشریف می‌آورید. منتظر هستیم. زحمت کشیدید.



**شیرین مددی:** هدف نمایش این بود که ما با مفهوم هنجار و نقش بهتر آشنا شویم و آن‌ها را بهتر انجام دهیم. فهمیدم که هر فرد در زندگی خود الگوی عمل خاصی را مطابق نقش خود انجام می‌دهد.

هنگام اجرای طرح جدید، از مدیر مدرسه و یکی از معاونان و مشاور دبیرستان تقاضا کردم تا در کلاس درس حضور یابند و بر چگونگی اجرای طرح نظارت کامل داشته باشند. آن‌ها با حضور خود در کلاس و مشاهده عینی مراحل کار، استفاده از این شیوه را بسیار مفید دانستند.

## نتایج

۱. آموزش به روش «ایفای نقش» و در عین حال پژوهش در کارآمدی و ناکارآمدی این روش، تا حدی نشان داد که عدم فعالیت دانش‌آموزان در دروس علوم اجتماعی وابسته به شیوه تدریس است. اگر شیوه تدریس مناسب انتخاب و اجرا شود، دانش‌آموزان نیز فعالیت و کنجکاوی نشان می‌دهند. همان‌طور که در حین اجرای این روش تعداد بیشتری از دانش‌آموزان سؤال طرح می‌کردند و درخواست توضیح بیشتری درباره موضوعات درسی داشتند.

۲. برای فعال ساختن دانش‌آموزان و راه بردن آنان در یاد گرفتن مفاهیم، تفکر و تأمل در مفاهیم علمی کتاب، و ارتباط دادن آن‌ها با مسائل اجتماعی محیط زندگی، گام نخست ارائه آموزش درست و جذاب از سوی معلم است. این که چه روشی باید انتخاب و چگونه اجرا شود همواره باید دغدغه معلم باشد. علاوه بر این، معلم باید مبنای بحث‌های کلاس را موضوعات با اهمیت قرار دهد؛ مثلاً ادامه تحصیلات و اشتغال و یا موضوع‌هایی که علاقه دانش‌آموزان را برای بحث و پژوهش جلب می‌کنند.

۳. یادگیری برای اخذ نمره و دریافت مدارج تحصیلی، شاید هدف بسیاری از دانش‌آموزان باشد، تعداد کمی از دانش‌آموزان یادگیری را به خودی خود دنبال می‌کنند و آن را برای بهتر زیستن و بهتر فهمیدن پی می‌گیرند. از آن‌جا که درس مطالعات اجتماعی به عنوان درسی عمومی در سال اول متوسطه ارائه می‌شود و برای رشته‌های ریاضی و علوم تجربی تکرار نمی‌شود، این درس از نظر این که پیش‌نیاز و پایه یک درس در آینده باشد، اهمیت ندارد. بلکه توجه به این درس باید با تأکید و توجه دادن به اهمیت علوم اجتماعی در زندگی مورد نظر قرار گیرد. بنابراین، دانش‌آموز را فقط با اهمیت دادن به این درس آن هم در همین پایه باید به مباحث درس و مسائل اجتماعی علاقه‌مند کرد.

## پیشنهادات

۱. دبیر علوم اجتماعی پیش از هر اقدام، مفید بودن این درس را در زندگی روزمره به باور دانش‌آموزان تبدیل کند.

۲. دبیر علوم اجتماعی پشتوانه علمی و نظری و تاریخ تحول و پیشرفت این علوم را حداقل در سه قرن اخیر بیان کند.

۳. دبیر علوم اجتماعی تلاش طاقت‌فرسای صاحب‌نظران و بزرگان این علوم را به تناسب و در حاشیه درس و بحث بازگو کند.

۴. دبیر علوم اجتماعی در هر سال تحصیلی یک پژوهش به عنوان پژوهش در عمل انجام دهد.

۵. تا حد امکان از طیف آموزش‌های فعال استفاده شود؛ از روش‌هایی مثل ایفای نقش و الگوی تدریس مشارکتی.

۶. اصل تشویق و پاداش همواره مورد نظر قرار گیرد.

۷. دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی، از افراد متخصص این رشته علمی برای تألیف کتاب و برنامه‌ریزی درس استفاده کنند و همواره در نظر داشته باشند که تألیف کتاب‌های علوم انسانی به‌طور کلی و علوم اجتماعی به‌طور اخص، بسیار ظریف‌تر و دشوارتر از تألیف سایر کتاب‌های درسی است.

## پی‌نوشت

1. Social Norm
2. Playing Role
3. Social Role
4. Norm
5. social order

## منابع

۱. هارتل، برنر، الیزابت. ایجاد انگیزه در کودکان. ترجمه احمد ناهیدی. انتشارات رشد. چاپ دوم. ۱۳۸۶.
۲. ایار. استان گیلان. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. ۱۳۸۵.
۳. بروس، جویس. الگوهای تدریس ۲۰۰۴. ترجمه محمدرضا بهرنگی. کمال تربیت. ۱۳۸۴.
۴. کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. انتشارات سمت. ۱۳۶۷.
۵. تعلیمات اجتماعی، سال سوم راهنمایی.
۶. حسینی، داود. فرهنگ تعاریف تعلیم و تربیت. احرار. تبریز. ۱۳۷۵.
۷. حسینی، داور، زاله. دبیرستان شهید مطهری همدان.
۸. تاپزسن، ساندر. چگونه با کودک خود بازی کنیم. ترجمه سیامک رضا مهجور. انتشارات اسوه. ۱۳۷۳.
۹. سیدمحمدی، یحیی. روان‌شناسی یادگیری. نشر روان. ۱۳۷۷.
۱۰. سرو مقدم، ابوالحسن. مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات معاونت فرهنگی، آستان قدس رضوی. چاپ اول. ۱۳۷۲.
۱۱. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. شرکت چاپ و نشر ایران. ۱۳۶۹.
۱۲. قاسمی، پویا. راهنمای پژوهنده. نشر اشاره. تهران. ۱۳۸۲.
۱۳. رضا مهجور، سیامک. روان‌شناسی بازی. انتشارات راهگشا. چاپ سوم. ۱۳۷۲.
۱۴. محسنی، منوچهر. مقدمات جامعه‌شناسی. انتشارات آگاه. ۱۳۷۹.
۱۵. مینا، فاطمه. اقدام پژوهی. استان فارس. سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳.

■ گفت‌وگو

# دانش آموزان صلح‌مندان در پایه‌های علمی معلمان

گفت‌وگو با امین هاشمیان،  
معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام

گفت‌وگو: محمود همدانی



## ■ اشاره

بیش از ۱۷ سال تدریس و مدیریت در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از امین هاشمیان، معاونی ساخته است که پس از تجربه‌اندوزی از حضور در دفاع مقدس، با یادآوری دوران دفاع مقدس و تلاش‌های مخلصانه ملت به پیشرفت و توسعه علمی دانش‌آموزان می‌اندیشد. او طرح‌های بسیاری دارد که در گفت‌وگوی ما با وی تا حدودی با آن‌ها آشنا می‌شوید.



## ○ از منظر شما نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان چیست؟

● خانواده نقش بی‌بدیلی در واقعیت امر دارد. در جامعه امروزی، با توجه به ساختار فرهنگی استان، بسیاری از افراد، سنتی فکر می‌کنند و خیلی‌ها هم از لحاظ فرهنگی متفاوت‌اند. البته این تفاوت با توجه به مناطق است. بسته به نوع تربیت، منطقه‌ها و آموزش‌های متفاوتی را می‌گذرانند و اثرات متفاوتی می‌گیرند. نقش خانواده با توجه به فضایی که وجود دارد، مهم است. خیلی از مسائل موجود در جامعه را خانواده‌ها خوب رهبری می‌کنند و خیلی راحت تحت تأثیر مسائل قرار می‌گیرند.

### ○ نقش آموزش و پرورش در این مورد چیست؟

● آموزش و پرورش نقش بسیار مؤثری می‌تواند داشته باشد که باید با برنامه‌هایی مدون و مستمر، نه مقطعی به این موارد بپردازد؛ به ویژه امور پرورشی و تربیت‌بدنی که خیلی از این امور را رصد می‌کنند. این‌ها مکمل هم هستند. ما الان برنامه‌هایی داریم مانند کلاس هم‌گام با قرآن که در مسیر آموزش متوسطه روی آن کار می‌شود. ممکن است احساس شود که جزو برنامه‌های معاونت پرورشی است، در صورتی که این‌گونه نیست. معلم ریاضی هم می‌تواند نقش تربیتی و تأثیرگذار داشته باشد.

برای این که دانش‌آموز نگاه خاصی به معلم ریاضی و فیزیک دارد و چنانچه این معلمان نقش پرورشی و تربیتی داشته باشند، خیلی اثرگذارترند. برای مثال، معلم پرورشی که با دانش‌آموز نماز می‌خواند، اگر دانش‌آموز احساس کند همیشگی است، تأثیر کمتری خواهد داشت. اما اگر معلم ریاضی بیاورد آن‌جا و نماز بخواند، تأثیر بیشتری دارد. الان بچه‌های ما به نوع لباس معلم‌ها هم نگاه می‌کنند. ژولیدگی معلم روی دانش‌آموز اثر منفی دارد.

### ○ در استان ایلام با توجه به حوزه مسئولیتی شما، وضعیت در مورد مسائل مطرح‌شده چگونه است؟

● تعامل خوبی بین بخش پرورشی و آموزشی وجود دارد. بنده به شخصه خود را از معاونت پرورشی جدا نمی‌بینم. یکی از مواردی که جا افتاده این است که معلم‌های پرورشی باید با معلم‌های آموزشی ارتباط داشته باشند. این‌ها نباید از هم فاصله بگیرند و احساس جدایی کنند.

### ○ برای عملی کردن این نگرش چه کار مؤثری انجام داده‌اید؟

● بحث عملی، یعنی فرهنگ‌سازی، در حال انجام است. اما باید پررنگ‌تر از وضعیت کنونی باشد. نقش مدیران در این زمینه خیلی

تأثیرگذار است. ما در انتخاب مدیران خود باید دقت کنیم، چون مدیر مدرسه، رئیس یک آموزش و پرورش کوچک است. او هم دانش‌آموزان را در اختیار دارد هم معلمان را. چنانچه مدیر فردی توانمند و آگاه در مدیریت باشد، مطمئن باشید که این فضا به‌وجود می‌آید. ممکن است در مقطعی کم‌رنگ باشد، اما کم‌کم به حد‌اعالی خود می‌رسد.

### ○ رابطه آقای امین هاشمیان، معاونت آموزشی متوسطه اداره کل استان ایلام، با پژوهش و تحقیق چگونه است؟

● خوش‌بختانه چون خودم عضو شورای تحقیقات استان هستم، ارتباط بسیار خوبی برقرار است و باید همین‌طور هم باشد. ما پژوهش را در سطح مدارس گسترش می‌دهیم. توسط بخش‌نامه از مدیران می‌خواهیم که این فضا را بین دانش‌آموزان به‌وجود آورند و از کلاس‌های درس این موضوع را آغاز کنند. اگر این فضا برای دانش‌آموز ایجاد شد، زمانی که به دانشگاه برسد، آمادگی و زمینه پژوهش را خواهد داشت؛ در غیر این صورت با مشکل مواجه خواهیم شد.

### ○ شما به عنوان مدیر ارشد با چه موضوعات پژوهشی سروکار دارید؟

● ما موضوع‌هایی را که به درد آموزش و پرورش می‌خورند، انتخاب می‌کنیم و برای پژوهش در مورد آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم. از جمله، استفاده از روش‌های فعال و نوین در تدریس را بررسی کردیم تا ببینیم مبانی و پیش‌نیاز آن‌ها کدام‌اند. ما متوجه شدیم که بیشتر معلمان با «IT» آشنایی ندارند. از آن‌ها دعوت کردیم تا در جشنواره شرکت کنند، اما استقبال نکردند. در حال حاضر این موضوع را در آموزش ضمن خدمت پوشش می‌دهیم. حتی اعلام کردیم اگر در مدرسه معلمانی باشند که از عهده آزمون IT برآیند، همان‌جا برایشان گواهی‌نامه صادر می‌کنیم.

### ○ چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی، خانواده و آموزش و پرورش وجود دارد؟

● این‌ها می‌توانند مکمل هم باشند. اما سرمایه اصلی معلم همین دانش‌آموزان هستند. معلم از لحاظ مادی حقوق متوسطی دریافت می‌کند، اما در زندگی دانش‌آموزان نقش آفرین است. خانواده‌ها هم همین‌طور. اگر فرهنگ‌سازی شود و نگاه خانواده‌ها به جامعه مثبت شود، و اگر والدین تحصیلات داشته باشند، از لحاظ روانی بسیار تأثیرگذار است.

## ○ نقش خانواده را در دست‌یابی دانش‌آموزان به اهداف متعالی چگونه می‌بینید؟

● این فاصله زمانی که بین نسل‌ها وجود دارد، ما را در شرایط بسیار حساسی قرار داده است. از ابتدای انقلاب تا الان که بچه‌ها آن زمان را ندیده‌اند و حس نکرده‌اند مدت زیادی می‌گذرد، اما بار معنوی آن تاکنون کمک حال ما بوده است. استعمارگر غربی با سرمایه‌گذاری‌هایی که از راه دور می‌کند، می‌خواهد جوانان ما را به سویی دیگر بکشاند و وارد مسائل حاشیه‌ای کند. نقش خانواده برای جلوگیری از رسیدن غربی‌ها به هدفشان خیلی تأثیرگذار است.

## ○ خانواده از دانش‌آموز دوره متوسطه چه انتظاراتی دارد و دانش‌آموز این دوره نیز چه انتظاری از خانواده خود دارد؟

● دانش‌آموزان دوره متوسطه در سن حساسی هستند. ما باید بتوانیم با تدبیر و برنامه‌ریزی بار روحی و روانی را از دوش دانش‌آموزان برداریم و فضای جامعه را طوری بسازیم که آن‌ها با دید باز با مسائل روبه‌رو شوند. باید آن‌ها را با خود همراه کنیم و به نقطه‌نظرشان گوش دهیم. تشویقشان کنیم و کاری نکنیم که سرخورده شوند. بی‌توجهی به آن‌ها در این سن و سال خیلی تأثیرگذار است و می‌تواند مسائل را به جایی که دوست نداریم بکشاند.

## ○ نقش خانواده را در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چه قدر می‌دانید؟

● خانواده‌ها در تمامی مسائل نقش اصلی را بازی می‌کنند. در فضایی که انقلاب برای ما به ارمغان آورد و مسائل استان ما که از فضای جنگ متأثر بود، و مردم سختی کشیدند، تجربه کسب کردند و پخته شدند، نقش خانواده می‌تواند خیلی مؤثر باشد. اما مسائل حاشیه‌ای و ضعف فرهنگی هم وجود دارد. ممکن است بچه‌هایی باشند که به سرعت تحت تأثیر جو منفی محیط قرار گیرند. این‌جا نقش خانواده تأثیرگذار است و باید فضا سازی کند.

## ○ شما کتاب‌های علوم انسانی دوره متوسطه را تاکنون رصد کرده‌اید؟

● ما الان گروه داریم. تحلیل محتوای آموزشی انجام می‌دهیم و نتیجه را به شورای عالی انقلاب فرهنگی انتقال می‌دهیم. به این ترتیب مسائل و مشکلات شناسایی و بررسی می‌شوند.

## ○ تاکنون چه مشکلاتی در این حوزه به شما انتقال داده شده است؟

● در حوزه علوم اجتماعی مشکلات بیشتر از طرف دبیران مطرح می‌شوند و بیشتر بحث محتوای آموزشی هستند؛ از اشتباه چاپی

گرفته تا تحلیل‌هایی که خود دبیران به آن‌ها رسیده‌اند و ما آن‌ها را به بالا انتقال می‌دهیم. دیدگاه‌ها متفاوت‌اند و این‌ها در حد تشخیص هستند و ممکن است تحلیل مؤلفان ما درست‌تر و بهتر باشد.

## ○ نگرش دانش‌آموزان دوره متوسطه و خانواده‌ها به دفاع مقدس چیست؟

● برمی‌گردد به فضایی که آن زمان داشتیم. من خودم دانش‌آموز دوم دبیرستان بودم و در ۱۶ سالگی وارد جنگ شدم. ما آن زمان به‌صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کردیم. من سه ماه آموزش دیدم و با آن سن و سال کم، کارکنان مناطق آموزش و پرورش را آموزش می‌دادم و در جبهه همراهی می‌کردم. این فضا برای دانش‌آموزان ما الان وجود ندارد.

با توجه به خوراکی‌هایی که الان وجود دارد و دشمنان هم به دنبال آن هستند که بچه‌ها را به مسیر مورد نظر خودشان ببرند، ما باید خیلی هوشیار باشیم در فضای الان و عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، مسائلی مانند ماهواره و اینترنت وجود دارند. چه کاری باید انجام دهیم که این‌ها تأثیر منفی نداشته باشند؟ خانواده‌ها باید در نقش تربیتی خود مثبت عمل کنند و بکوشند با دانش‌آموزان ارتباط داشته باشند. نقش آموزش و پرورش هم تحقیقات و کارهای پژوهشی بیشتر است و باید نتایج آن‌ها را دنبال و کاربردی کنیم.

## ○ در استان شما عدالت آموزشی در سطح دوره متوسطه چه قدر رعایت شده است؟

● ما برای دوره متوسطه برنامه‌های خوبی داشته‌ایم؛ از بحث نخبگان گرفته تا بحث کیفیت‌بخشی. ما مناطق را از محروم‌ترین تا برخوردارترین تقسیم‌بندی کرده‌ایم و برنامه‌های خاصی برای هر منطقه تدارک دیده‌ایم. ما باید به سمت و سویی برویم که در مناطق گوناگون آموزشی تعادل وجود داشته باشد. در پایه اول متوسطه برنامه‌ریزی خوبی داشته‌ایم، چون آن را پایه حساسی تشخیص داده‌ایم. چند استان از ما استعلام کردند که چه کرده‌ایم که پایه اول متوسطه ما رشد داشته است. ما به کار تحقیقاتی دست زده‌ایم و به دانش‌آموزان این پایه توجه خاص داشته‌ایم.

## ○ مهم‌ترین مسئله تربیتی دانش‌آموزان در خانواده چیست؟

● در محیط خانواده، مسائل تربیتی دانش‌آموزان، تا حدودی با نقش رسانه‌ها و تحصیلات پدر و مادر و اعضای خانواده ارتباط مستقیم دارد. دانش‌آموزان تحت تأثیر این موضوعات قرار می‌گیرند. اگر خانواده از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح بالا باشد، در تحلیل مسائل و حل مشکلات تواناتر است.



## نظام ارتباطی آموزش در ایران: آموزش متوسطه و آموزش عالی با تأملی بر علوم انسانی

پدید آورندگان فریده مشایخ، محمود مهرمحمدی، زهرا گویا، علیمحمد کاردان، حسین مدرس‌سی، محمدجعفر جوادی، خسرو باقری، علیرضا مهاجری، علی خورسندی طاسکوه، فوزیه فکری، مصطفی عطاران، حبیب الله حبیبی فهیم (ویراستار)



پژوهشگر: علی خورسندی

تعداد صفحه: ۱۶۸

ناشر: پژوهشکده مطالعات

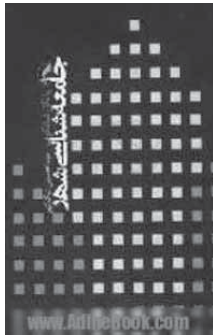
فرهنگی و اجتماعی (۲۹)

زمان انتشار: مرداد، ۱۳۸۵

قطع کتاب: رقعی

زمینه‌ها و رهیافت‌های اصلی برقراری ارتباط پویا و بالنده و همگرایی میان این دو بخش اصلی نظام آموزش کشور میپردازد.

جامعه آماری این پژوهش مدرسین، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت، و روش نمونه‌گیری آن، «نمونه‌گیری تعمدی» (purposive sampling) میباشد. نمونه «تعمدی»، به لحاظ روشی، یک نوع نمونه غیراحتمالی است که پژوهشگر با توجه به شناخت، تجربه و حوزه تخصص خود، افرادی را که به لحاظ ویژگی و ماهیت موضوع پژوهش، بالاترین شرایط و تناسب را داشته باشند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب میکند. این پژوهش به منظور دستیابی به داده و اطلاعات خاص، کلیدی و عمیق، و برای فرایندهایی نظیر سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، و برنامه‌ریزی و در شرایط «نمونه در دسترس» اجرا شده است.



جامعه شناسی شهر

نویسنده یانکل فیالکوف،

مترجم: عبدالحسین نیک گهر

تعداد صفحه: ۱۶۸

انتشارات: آگه

زمان انتشار: اردیبهشت، ۱۳۸۹

قطع کتاب: رقعی

کتاب «جامعه شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب‌هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش‌هایی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می‌شود. اهل حرفه، جامعه‌شناسان، جغرافی دانان، انسان‌شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش‌هایشان به مرور زمان به عمق اندیشه‌ی ما درباره شهر افزوده اند. این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی. عبدالحسین نیک گهر با روحیه‌ی بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می‌کند.

دانشگاه، به مثابه یک نهاد فرهنگی و اجتماعی، به موازات تغییرات اجتماعی و محیطی، علاوه بر مسأله‌یابی و پاسخگویی به مسائل و چالش‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی جامعه که از آن انتظار می‌رود، خود، با مسائل و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی روبرو است. اعتبار دانشگاه و حفظ شأن و جایگاه دیرین این نهاد ملی، در انجام درست کارکردهایش و در نتیجه، پاسخگویی علمی به مسائل و انتظارات مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی نهفته است. از این رو، با توجه به مأموریت و کارکردهای متنوع و پیچیده دانشگاه، پاسخگویی علمی به انتظارات فزاینده فرهنگی و اجتماعی، نیازمند وجود کانونهای تفکر و ساختارهای نظام یافته پژوهشی است.

اثر حاضر با عنوان «نظام ارتباطی آموزش در ایران؛ آموزش متوسطه و آموزش عالی با تأملی بر علوم انسانی»، حاصل پژوهشی است که توسط آقای علی خورسندی طاسکوه و با حمایت و مشارکت پاره‌ای از استادان و پژوهشگران برجسته دانشگاهی و تعلیم و تربیت کشور شکل گرفته است. دغدغه اصلی این اثر پژوهشی، بررسی و توصیف وضعیت ارتباطی موجود میان آموزش متوسطه و آموزش عالی، به مثابه دو بخش اصلی نظام آموزش کشور، و توصیف عوامل و موانع اصلی برقراری ارتباط ساختاری و فرایندی مطلوب و معنادار میان آموزش متوسطه و آموزش عالی است. این اثر، با توصیف عمده‌ترین انتقاداتی که در دو دهه اخیر، به لحاظ آسیب‌شناسی بر عملکرد نظام آموزش کشور وارد شده است، در نهایت به تشریح

مقاله

# شهر فارابی

## آرمان

جامعه مطلوب از دیدگاه فارابی و جایگاه تعلیم و تربیت در آن

نورالدین محمودی  
دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

### چکیده

پرداختن به فلسفه سیاست، آیین شهریار و جست‌وجوی جامعه مطلوب، همواره یکی از دغدغه‌های فکری حکیمان مسلمان بوده و بخش مهمی از آثار فلسفی که توسط مسلمانان تولید شده، به بازتاب اندیشه فلسفی آنان در باب جامعه اختصاص یافته است. نخستین فیلسوفی که در دنیای اسلام مباحث مستقل و منظمی در خصوص جامعه مطلوب و ارکان مؤلفه‌های آن مطرح و آثار متعددی در باب آن تألیف کرد، فارابی است. به همین دلیل هم او را بنیان‌گذار فلسفه سیاسی در دنیای اسلام نامیده‌اند. آرمان شهر فارابی سرشار از سخنان تربیتی است. تعلیم و تربیت در نظر فارابی در بخش حکمت عملی و زیرمجموعه سیاست مدینه مطرح می‌شود.

هدف از این تحقیق بررسی مبانی آرمان شهر فارابی در مقایسه با آرمان شهر افلاطون و فیلسوفان اسلامی است و در نهایت دستاوردهای آرمان شهر فارابی برای تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: فارابی، علم مدنی، تعلیم و تربیت، جامعه مطلوب

۱۶

رشد آموزش عالی  
دوره ۱۵  
شماره ۴  
تابستان ۱۳۹۱



**ابونصر محمد فارابی** از جمله فیلسوفان بزرگ ایرانی است. وی بیشتر آثار **ارسطو** را مطالعه و شرح کرده و بر مشکلات و نکات غامض آن‌ها فائق آمده است. لیکن اهمیت او در کوششی است که برای آشتی دادن دو روش مشائی و اشراقی در حکمت و با دین اسلام، به‌ویژه اصول مذهب شیعه، به خرج داده است. فارابی مانند دیگر قدمای خود، فلسفه را شامل تمام دانش‌های بشر دانسته است. وی نخستین اندیشمند مسلمانی است که بر پایه مبادی و اصول نظری، فلسفه مدنی خود را با اجزای سازگار و مرتبط، به جهان حکمت و نظر تقدیم داشت. فارابی به اعتقاد اکثر اندیشمندان مسلمان، مبدع فلسفه اسلامی است [داوری، ۱۳۷۷: ۱۰].

فارابی اگرچه شاگرد با واسطه و فاصله طولانی افلاطون و ارسطو است و به‌خوبی آراء و اندیشه‌های آن‌ها را شناخته، شرح نموده و حتی به هم نزدیک کرده است، لیکن به هیچ روی مقلد صرف فلسفه یونان نیست، بلکه با دید نظام‌ساز خود، به ابداع و تدوین نظام فلسفه اسلامی دست زده است. اندیشه بلند او در «احصاء العلوم»، تدوین نظریه مدینه فاضله، ارائه «نظریه فیض» در فلسفه و مهارت در تمام علوم نظری و عملی عصر خویش، از وی فیلسوف و اندیشمندی تمام عیار می‌سازد، به‌گونه‌ای که لقب «معلم ثانی» بعد از ارسطو به حق شایسته اوست.

فارابی در باب اندیشه‌های سیاسی و ویژگی خاصی دارد. وی نخستین حکیم سیاسی اسلام است که به برخی تعارض‌های میان فلسفه یونانی و وحی پی برده و راه‌حلی برای آن پیشنهاد کرده است. او مهم‌ترین مسائل مربوط به ارتباط میان فلسفه و قوانین بشری، یا بین پیشروان حکمت و وحی، نبوت، شریعت و امام را به تفصیل مورد کند و کاو قرار می‌دهد. این مسائل اساساً در آثار سیاسی فارابی قابل ملاحظه‌اند، آثاری مانند: احصاء العلوم، تحصیل السعادة، المدینه الفاضله، السیاسة المدنیة، فضول المدنی و کتاب المله. [جو، ۱۳۷۵: ۸۴-۷۴].

فارابی به‌ویژه در احصاء العلوم، مفهوم علم مدنی را کاملاً توضیح می‌دهد. این توضیحات در کتاب «المله و تحصیل السعادة» او نیز دیده می‌شود. هم‌چنین فارابی با توجه به تلاش برای نزدیک کردن افکار افلاطون و ارسطو (و بنابراین اشتراک فکری قابل توجه با افلاطون) و نیز نزدیک کردن مبانی دین مبین اسلام و فلسفه یونان، یکی از معروف‌ترین فلاسفه و مربیان مسلمان است که آرای تربیتی وی به‌ویژه در کتاب‌های معروفش اندیشه‌های اهل مدینه فاضله و سیاست مدنیه بیان شده‌اند.

به‌طور کلی، موضوع و مسئله محوری در خصوص فلسفه تعلیم و تربیت آن است که: غایت و آرمان تعلیم و تربیت چیست و انسان مطلوب که حاصل نظام تعلیم و تربیت است، چگونه انسانی

است؟ این موضوع مهم به عنوان یک زمینه چالش برانگیز مطرح شده و در صدر مسائل مورد نظر اندیشمندان و فلاسفه تعلیم و تربیت قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که در هر یک از مکاتب فلسفه تعلیم و تربیت و شاید حتی نزد هر یک از اندیشمندان تعلیم و تربیت، هدف تربیت به‌گونه‌ای متفاوت مورد نظر قرار گرفته است. به‌منظور رسیدن به دیدگاهی مشترک درباره اهداف تعلیم و تربیت لازم است به آرای مربیان بزرگ این حوزه که به صورت جامع به اهداف تربیتی نگاه کرده‌اند، مراجعه شود. فارابی از جمله فیلسوفان اسلامی است که در تعلیم و تربیت نیز به ارائه نظریه پرداخته است. به‌رغم آوازه بلند فارابی و به‌خصوص شهرت مدینه فاضله او نزد عام و خاص، هنوز کار جامعی که به تفصیل و دقت و موشکافی و با دید تحلیلی و تربیتی به آرای فارابی بپردازد، به زبان فارسی انجام نشده است. از فیلسوفان معاصر که نسبت به روشن کردن فلسفه فارابی اهتمام داشته، **رضا داوری اردکانی** است که چندین اثر ارزشمند را در این مورد (فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، اصول فلسفه سیاسی و غیره) خلق کرده است.

### جامعه مطلوب از منظر فارابی

اگر افلاطون بنیان‌گذار فلسفه سیاسی در جهان است، فارابی نیز بنیان‌گذار آن در جهان اسلام و نخستین کسی است که در باب ماهیت سیاست و مدنیت، انسان مدنی و ماهیت مدینه، فیلسوفانه اندیشیده و سخن گفته است. از همین روست که فلسفه سیاسی او را که در کتاب‌هایی هم‌چون «آرای اهل المدینه الفاضله» و کتاب «تحصیل السعادة» و کتاب «السیاسة المدنیة» آمده است، مهم‌ترین نظریات از نوع خود در جهان اسلام دانسته‌اند [انصر، ۱۳۷۱: ۱۷].

فارابی، در برخی از آثار خود، نظامات مدینه را به بدن انسان تشبیه کرده و گفته است: همان‌طور که بدن را اجزای اصلی و غیراصلی است که هر عضوی وظیفه‌ای دارد تا کالبد انسان بتواند کاملاً وظایف حیاتی خود را انجام دهد، منزل و مدینه و کشور هم بدین سان است. همان‌طور که هرگاه عنصری از اعضای اصلی یا فرعی بدن کار خود را انجام ندهد، اختلال کلی در حیات و زندگی بدن حاصل می‌شود، کوتاهی اعضا و افراد منزل، اعم از ریسه یا غیرریسه در انجام وظیفه خود، نظام منزل و کشور را برهم می‌زند. بنابراین باید همه اعضا و افراد خانواده و کشور، با یکدیگر تعاون کنند تا نظام منزل و مدینه کار خود را به نحو احسن انجام دهد و پابرجا بماند و ساکنان به سعادت مورد نظر برسند و به هدف و غایت خود که کمال است، نایل شوند. همان‌طور که هرگاه عضوی از اعضای بدن انسان مریض شود و نتواند کار خود



را انجام دهد، باید آن را معالجه کرد و معالجه آن باید به وسیله پزشک مخصوص انجام گیرد، و چه بسا باید آن عضو قطع شود تا بقیه اعضا به حیات و بقای خود ادامه دهند، وضع منزل و مدینه و طبقات و افراد آن هم بدین سان است که افراد منحرف و مریض در آن باید معالجه شوند و معالجه آن‌ها به وسیله طبیب معالج است که همان مدبر و ملک مدینه باشد. چه بسا اگر افراد منحرف و ناباب، به مرتبه‌ای از مرض رسیده باشند که قابل علاج نباشند، باید معدومشان کرد تا جامعه سالم شود و مرض آن‌ها به دیگران سرایت نکند و افراد دیگر را فساد و انحراف نگیرد. این امر وظیفه رؤسا و رییس اول و مدبر مدینه است [علیزاده، ۱۳۸۴: ۷۰-۲۹].

### مبانی جامعه مطلوب

با عنایت به منابع فکری فارابی، یعنی آموزه‌های دینی و مذهبی و میراث فلسفی یونان باستان، به‌ویژه آموزه‌های فلسفی ارسطو، افلاطون و اندیشه‌های نوافلاطونی، اصول و مبانی جامعه مورد نظر فارابی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

● جهان‌شناسی فارابی بیشتر از فلسفه نوافلاطونی متأثر است. بخش تأثیرگذار در طراحی مدینه فاضله، «نظریه فیض» است که اصل آن از افلوطین است [پورجوادی، ۱۳۵۸: ۲۷]. فارابی در ترسیم جامعه مطلوب عمدتاً از نظریه امامت و مفاهیم خیر و کمال، سعادت و فضیلت تألیف بهره گرفته است. او در توصیف رهبر مدینه فاضله و رییس اول جامعه مطلوب و احصای خصوصیات و ویژگی‌های او، متأثر از آموزه امامت است.

● انسان‌شناسی فارابی آمیزه‌ای است از آموزه‌های یونان باستان و تعالیم اسلامی که در آن، هم بر دو بعدی بودن کیان آدمی و تشکل او از جسم و نفس یا روح و بدن، تأکید شده است و هم بر قوای نفسانی او مثل قوه ناطقه، قوه نزوعیه، قوه متخیله و قوه حساسه.

● در مبانی معرفت‌شناسی، فارابی بر مبنای فلسفه «دانش‌محور» خود، نظام سیاسی مدینه را براساس تفاضل علم و جهل انسان‌ها استوار کرده است و با اعطای سیاست به عالمان، اطاعت دیگران از آنان را امری ناگزیر تلقی می‌کند [فیرحی، ۱۳۸۸: ۸۹]. زیرا فارابی در «رساله فی العقل» انواع عقل را براساس مردم تقسیم‌بندی می‌کند و از عوام تا حکما را دارای انواع و مراتب عقل از «بالفعل» تا عقل «بالمستفاد» برمی‌شمارد.

● فارابی در احصاء العلوم، علوم را به علم زبان، منطق، ریاضیات، علوم طبیعی و الهی (فیزیک و متافیزیک-طبیعت و مابعدالطبیعه) و علم مدنی تقسیم کرده است و مباحث سیاست را جزو علم مدنی می‌داند. او علم مدنی را از انواع افعال و رفتار ارادی و آن ملکات، اخلاق، سجایا و عاداتی که افعال و رفتار ارادی از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند، تعریف می‌کند [قادری، ۱۳۷۹: ص ۱۴۰].

فارابی علم مدنی را به دو قسمت نظری و عملی تقسیم می‌کند و سیاست را در قسمت عملی علم مدنی قرار می‌دهد. او غایت سیاسی را سعادت می‌داند و بنابراین سیاست نزد او فنی (عملی) غایتمند است و به خودی خود هدف نیست. در آرای فارابی، جهت و صحت اخلاق را سیاست تعیین می‌کند [داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۵۰]. اخلاق و سیاست در نظر فارابی دارای غایت واحدی هستند و هدف هر دوی آن‌ها سعادت است. مدینه فارابی محلی است برای تشریح این که انسان چگونه براساس طبع خود و به کمک علم مدنی می‌تواند به سعادت که در نظر فارابی غایت محض است و خیر مطلق، برسد.

فارابی در تبیین غایت و هویت مدینه فاضله، از مفاهیم خیر، کمال، فضیلت، سعادت، و خصوصیتی که در آموزه‌های اسلامی به هر یک از اصطلاحات نسبت داده شده، بهره جسته است [علیزاده، ۱۳۸۴: ۷۰-۲۹]. به این ترتیب، جامعه مطلوب از نظر فارابی، جامعه‌ای است که اولاً مقصود غایی آن سعادت حقیقی باشد، ثانیاً همه افرادش یکدیگر را برای وصول به این غایت یاری دهند، ثالثاً همه این افراد مطابق مقصود و خواست رییس، یعنی رهبر جامعه، رفتار کنند.

به‌طور کلی، فارابی مدینه فاضله مورد نظر خود را بر چند اصل استوار کرده است:

● اصل اول «توحید و یکتاپرستی» است. این اصل بزرگ‌ترین اصل مدینه فاضله اسلامی است.

● اصل دوم «مکافات» است، بدین معنی که در پس این جهان مادی فانی، جهانی دیگر است که گناهکاران را کیفر و نیکوکاران را پاداش می‌دهند.

● اصل سوم «رعایت طبیعت خلقت و آفرینش جهان» است بر نظام افضل، بر مراتب و طبقات مختلف.

● اصل چهارم رعایت این معنی است که بین موجودات مادی و موجودات روحانی «اتصال و پیوستگی» وجود دارد و حد فاصل بین این دو، عقل فعال است. آدمی هنگامی به نهایت کمالات و فضایل نظری و عملی می‌رسد که به عقل فعال اتصال یابد.

● اصل پنجم این که نظام اختیاری اجتماع بشری باید با نظامات خلقت جهان و انسان منطبق باشد.

● اصل ششم، توجه به زعامت و ریاست در نظام جامعه است که اساس آن باید بر خلافت الهی باشد؛ هم‌چنان که باری تعالی فرمودند: «انی جاعل فی الارض خلیفه» [بقره/ ۳۰]. وی بین فیلسوف، رییس اول، ملک، واضع شریعت و امام تفاوتی قائل نیست و همه را یکی می‌داند. به‌علاوه، فلسفه و وحی را از یک معدن می‌شمارد.

● اصل هفتم اصل «عدالت» است؛ عدالت در نظام طبیعت و عدالت در نظام جامعه [سجادی، ۱۳۵۴: ۵۵-۳۵].

## ماهیت و غایت سیاست

به عقیده فارابی، غایت فلسفه شناخت آفریدگار است و فیلسوف باید بکوشد تا به قدر طاقت بشری، در رفتار و کردار خود همانند خدا بشود. آدمی، برای نیل به این مقصود، باید ابتدا خویشتن و سپس هموعانش را در خانه یا کشور خود اصلاح کند. تشبیه به خدا و خداگونه شدن، کمال اعلا و سعادت غایی است.

نظام سیاسی مورد نظر فارابی، مشتمل بر سه مؤلفه است: مدینه فاضله، امت فاضله و معموره فاضله. به اعتقاد وی هر سه مؤلفه، نقش بسیاری در نیل به سعادت دارند. آن مدینه‌ای که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول سعادت آدمی است، مدینه فاضله است، و امتی که همه مدینه‌های آن برای رسیدن به سعادت تعاون کنند، امت فاضله است. معموره فاضله آن هنگام تحقق می‌پذیرد که همه امت‌ها، که در آن زندگی می‌کنند، برای رسیدن به سعادت تعاون و همکاری کنند [همان، ص ۲۵۵].

هم‌چنین فارابی اهمیت زیادی برای حاکم مدینه فاضله قائل است. اوصاف حاکم و رییس مدینه فاضله، با الهام از ویژگی‌های «امام» در اندیشه شیعی و عنایت به جمهوری افلاطون و نیم‌نگاهی به فضایل اخلاقی مورد نظر ارسطو، به دست آمده است. اطلاق عناوینی نظیر «رییس»، «امام»، «ملک»، «فیلسوف» و «حکیم» به زمامدار مدینه، با اقتباس از منابع یاد شده صورت پذیرفته که ردای امامت و نبوت به تن کرده است. براساس دیدگاه فارابی، رییس مدینه فاضله باید حائز ۱۲ شرط باشد عبارت‌اند از:

۱. تندرستی و تام‌الاعضا بودن.
  ۲. داشتن قوه فهم قوی = جید الفهم، سریع‌الانتقال.
  ۳. خوش حافظه = جیدالحفظ.
  ۴. زیرکی، جیدالفطنه، ذکی، قادر به ربط مطالب و درک روابط علمی.
  ۵. خوش گفتار، حسن العبارة، فصاحت در بیان.
  ۶. دانش دوستی، محبا للتعلیم و الاستعاره.
  ۷. اندازه‌نگهداری در خور و نوش و کامرانی، خویشتن‌دار در هر مأکول و منکوح.
  ۸. راست‌گویی، محب صدق و میغض کذب.
  ۹. بلندمنش، کبیرالنفس، محب کرامت.
  ۱۰. بیزار از پول، بی‌اعتنا به درهم و دینار.
  ۱۱. دادگری، محب عدل.
  ۱۲. دلیری و همت استوار، شجاع و قوی‌الاراده [همان، ص ۲۷۲].
- در نظر فارابی، اوصاف یاد شده برای رهبر، کمال مطلوب جامعه سیاسی است [فارابی، ۱۳۷۹: ۱۰۵].

## مقایسه آرمان‌شهر فارابی با افلاطون و فیلسوفان اسلامی

افلاطون در کتاب دوم از کتب ده‌گانه «جمهوری»<sup>۱</sup> خود، البته از قول سقراط، به طراحی شهری پرداخته که از آن به «مدینه فاضله»<sup>۲</sup> تعبیر می‌شود. افلاطون نیاز به خوراک، مسکن و پوشاک را به عنوان نیازهای اساسی انسان در تشکیل زندگی اجتماعی‌اش مطرح می‌کند و به تشریح آن‌ها می‌پردازد [افلاطون،

۱۳۸۰: ۸۶۸]. شبیه این تحلیل البته با افزودن یک عامل تعیین‌کننده دیگر که ماهیت تحلیل فلسفی فارابی در این زمینه را کاملاً از نوع افلاطونی آن متمایز می‌سازد، در عبارات فارابی یافت می‌شود. وی در تعلیل شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان،

علاوه بر نیاز طبیعی بشر که از آن به مایحتاج تعبیر کرده است، به نیاز فطری و انسانی انسان‌ها به هم‌نوع خود که از آن به کمال خواهی و کمال‌جویی نام برده است نیز تصریح دارد. مدینه آرمانی افلاطون، نه در عالم مسکون و کره خاکی، بلکه در عالم مثال و معقول جای دارد و طبعاً از عوارض عالم طبیعی که عالم تغییر، تحوّل، تکامل و انقلاب است نیز به دور خواهد بود. فیلسوفان حاکم بر مدینه فاضله، هنگام بازنشستگی و کهولت خود، در جزایر سعادت و یا «جزایر خالدهات»<sup>۳</sup> از دست‌رسی و تماس اهالی سایر سرزمین‌ها کاملاً به‌دور است، اقامت خواهند گزید [اکاپلستون، ۱۳۶۲: ۳۱۷]. این امر البته تفاوت قابل توجهی در فلسفه‌های مدنی این دو فیلسوف پدید می‌آورد. یکی را تخیلی و ناکجاآبادی می‌گرداند و دیگری را واقع‌گرا و عینیت‌گرا [تقی‌زاده، ۱۳۸۵]. نتیجه می‌گیریم که فارابی در طراحی مدینه فاضله، نه تنها در محتوا و مضمون، بلکه در ساختار و چارچوب آن نیز از افلاطون فاصله گرفته است. در عرصه ساختار کلی، فارابی قالب مدینه فاضله را از حدّ محدود یک دولت‌شهر بیرون آورد و آن را تا سطح یک جامعه جهانی فاضله توسعه بخشید.

اگر بخواهیم بحث مدینه فاضله را در فلسفه اسلامی پی بگیریم، درمی‌یابیم که بخش مهمی از آثار فلسفی که توسط فیلسوفان اسلامی تولید شده‌اند، به بازتاب اندیشه فلسفی آنان در باب جامعه اختصاص دارند. شیخ اشراق در آثار خود مانند «الواح عمادی» و «پرتونامه» به مدینه فاضله توجه داشته

**نظام سیاسی مورد نظر فارابی، مشتمل بر سه مؤلفه است: مدینه فاضله، امت فاضله و معموره فاضله. به اعتقاد وی هر سه مؤلفه، نقش بسیاری در نیل به سعادت دارند. آن مدینه‌ای که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول سعادت آدمی است، مدینه فاضله است، و امتی که همه مدینه‌های آن برای رسیدن به سعادت تعاون کنند، امت فاضله است**

است و خصایصی را برای رییس مدینه ذکر می‌کند. در ضمن، ویژگی‌هایی که حکمای اسلامی از فارابی به این سو، برای حاکم و رییس اول مدینه فاضله ذکر می‌کنند، با الهام از ویژگی‌های امامان از در «نظریه امامت» است. به اعتقاد **سهروردی**، برخلاف فارابی، رییس مدینه، نه به خاطر طبیعت و فطرت، بلکه از راه درک حکمت اشراق به کمال انسانیت رسیده و نفسش به عقل فعال پیوسته است [سهروردی، ۱۳۷۲: ۸۱].

افعال، رفتار و صفات رییس اول مدینه فاضله فارابی یکسره دنیوی هستند، اما «حکیم متأله» جامعه مطلوب سهروردی، شخصی است که می‌تواند «مشی علی الماء و الهواء» کند، طی الارض نماید و سرانجام «الواصل بالسماء» شود. رد پای مدینه فاضله را در آثار **ابن سینا** نیز می‌توان دید. هر چند وی عملاً سیاست‌ورزی کرده و در مشاغل وزارت و صدرا ت به پادشاهان ایران خدمت کرده، اما در باب فلسفه سیاست کتاب مستقلی ننوشته است. با وجود این، در مقاله دهم الهیات «شفا» و در آثاری که به تقسیم حکمت می‌پردازد و توضیحات مختصری در باب حکمت عملی و انواع آن ارائه می‌دهد و همین‌طور در رساله‌های تحت عنوان «کتاب المجموع» یا «الحکمه العروضية»، مباحثی را در زمینه سیاست مطرح کرده است [ابن سینا، ۱۳۶۳: ۴۳۵]. در الهیات شفا، ابن سینا سیاست را به بحث اساسی نبوت پیوند می‌زند. سیاست در نظر ابن سینا، جز از مجرای قانون‌گذاری برای تأسیس مدینه فاضله، امکان‌پذیر نیست و بارزترین و عالی‌ترین نمونه این قوانین، قانون شریعت و واضع آن، پیامبر است که در این اصل با فارابی مشترک است [علیزاده، ۱۳۸۴: ۷۰-۲۹].

از میان اندیشمندان مسلمان، **محمد بن عبدالرحمن بن خلدون**، فیلسوف و جامعه‌شناس اسلامی و بنیان‌گذار فلسفه تاریخ، با بهره‌گیری از دانش وسیع خود، ضمن توجه به ابعاد وجودی انسان، تیپولوژی روانی آدمیان، و تأثیر محیط و اقلیم‌های جغرافیایی بر انسان، راه واقع‌نگری در پیش گرفت. او ضمن توصیف همه‌جانبه اوضاع و احوال اقلیم، نظام‌های اجتماعی مختلف کشورها و طرز اندیشه و سنت‌های آن‌ها، به صورت پسینی ملت‌ها را از نظر نظامات و استعداد قبول نظامات مختلف، مورد بررسی قرار می‌دهد و نظام لایق برای هر یک را نشان می‌دهد و فیلسوفانه علل انقراض و انحطاط هر ملتی را برمی‌شمارد.

ابن خلدون، برخلاف فارابی به طراحی یک نظام فرضی و مدینه فاضله‌ای که جنبه آرمانی دارد نمی‌پردازد، بلکه با توجه به نظام فکری خود، واقعیات عصر و زمان خود را بررسی می‌کند و همه انواع حکومت‌ها را، آن‌طور که هستند بررسی می‌کند. هم‌چنین محاسن و معایب هر یک را برمی‌شمارد و هیچ نوع نظامی را به‌طور مطلق مردود نمی‌داند.

در میان حکیمان مسلمان، **خواجه نصیرالدین طوسی** از حیث حجم آثاری که در حکمت عملی به رشته تحریر درآورده است، بعد از فارابی قرار دارد و جایگاه دوم را احراز کرده است. او در هر سه بخش حکمت عملی، یعنی اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن، کتاب نوشته است. نوشته‌های خواجه نصیر در اخلاق پر بارتر از بخش‌های دیگر است. آثار اخلاقی خواجه نصیر، افزون بر علم اخلاق، که در آن گزاره‌های اخلاقی احصا می‌شود، مشتمل بر نکته‌های روان‌شناختی و فلسفی معتنا بهی است. البته در باب سیاست مدن افزون بر آن چه که فارابی گفته، مطلبی نیاورده است. خواجه نصیر خود معترف است که سیاست مدنی را از فارابی آموخته است [پیشین].

«اخوان الصفا» نیز با این‌که علی‌الظاهر مدعی مذهبی خاص نیستند، لیکن پایه‌ریزی نظامی نوین براساس نظام اصیل اسلامی که به قول آن‌ها به دست فراموشی سپرده شده است، طرح‌هایی پیشنهاد کردند. آن‌ها به‌طور قطع از افکار و آرای فارابی متأثر شده‌اند. هدف اصلی اخوان الصفا طرح‌ریزی بنای مدینه فاضله‌ای است که مدنظر شارع اسلام است؛ جامعه‌ای مبتنی بر صداقت، اتحاد و اخوت. اینان معتقدند اسلام درگیر و دار روزگار به رنگی دیگر درآمده است. از ویژگی‌های این جمع بیان امور اجتماعی و سیاسی به صورت داستان و افسانه، به زبان طیور و حیوانات است [سجادی، ۱۳۵۴: ۵۵-۳۵]. تفاوت این گروه با فارابی در این است که فارابی نخواستند است طرح‌هایی عملی، قوانین و ضوابطی خاصی به‌جز آن چه اسلام آورده است، پیشنهاد کند، ولی اخوان عملاً به صحنه آمده‌اند و در جمیع شئون اظهار نظر کرده‌اند.

### دستاورد مدینه فاضله فارابی برای تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت در نظر فارابی در بخش حکمت عملی و زیرمجموعه سیاست مدینه مطرح می‌شود. فارابی معتقد است، انسان بالطبع موجودی اجتماعی است و به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند، بلکه باید در «مدینه» زندگی کند.

مدینه فاضله، نظامی هماهنگ و عادلانه دارد. مراتب افراد و وظایف هر یک مشخص است و رییس مدینه فاضله می‌کوشد هر عضو جامعه در جایگاه خویش وظایفی را که مجموع افراد جامعه را به سوی سعادت هدایت می‌کند، انجام دهد. تعلیم و تربیت از چنین منظری در خدمت برقراری مدینه فاضله است و تعیین‌کننده‌ترین امر در سرنوشت تعلیم و تربیت، اهداف این مدینه است. ضمن آن‌که برقراری نظم مورد نظر رهبر مدینه فاضله و تقسیم کار و وظیفه نیز در تعلیم و تربیت اثری شگرف می‌نهد [دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷: ۱۳۱]. انسان در مدینه به کمال و سعادت می‌رسد، اما نه هر مدینه‌ای [سجادی، ۱۳۶۱: ۲۵۵]. مدینه فاضله‌ای که مردمان آن تحت هدایت



رییس تربیت یافته و کامل شده قرار گیرند و به‌طور صحیح تربیت شوند. در غیر این صورت، مردمان مدینه‌هایی که تربیت درست نیافته‌اند، به نظر فارابی «غیرفاضله‌اند» و در زندگی هدف درست و واقعی را گم کرده‌اند (امیرزا محمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

در مدینه فاضله، سعادت فرد و اجتماع از هم جدا نیست. اجتماع ایده‌آل، اجتماعی است که سعادت فرد را ممکن می‌سازد و فرد سعادت‌مند، عضو اجتماع ایده‌آل است، عضوی که آرا و اعمال خویش را با آرا و اعمال مورد نظر در مدینه فاضله، یکی کرده است. نظام تعلیم و تربیت می‌کوشد تحت هدایت رییس نخست، افراد را برای عضویت در مدینه فاضله و ایفای نقشی در این مدینه آماده سازد و آرا و افعالی را به اعضای خویش تعلیم و تلقین کند که آنان را به سعادت رهنمون می‌کند. فارابی تربیت را تعلیم و ایجاد فضایل فطری در امت‌ها و مدینه‌ها از طریق اقوال تلقی می‌کند. وی دو نوع تربیت را مورد توجه قرار می‌دهد: یکی مربوط به تعلیم عوام است از طریق «اقتنا» و دیگری تعلیم خواص است که از طریق برهان انجام می‌شود (پیشین).

برای فارابی، مدینه فاضله در حکم یک محیط تربیتی است و قوانین حاکم بر آن، عملکرد و نقش تربیتی دارند. تربیت برای تمام اقشار جامعه باید صورت گیرد تا از طریق آن هر یک از شهروندان بتوانند در مدینه نقشی را برعهده گیرند و به نحو احسن از عهده انجام آن برآیند. زیربنای فلسفی این ایده نیز در نظر فارابی آن است که شهر مانند بدن انسان است. همان‌گونه که هر یک از اعضای بدن کارکرد ویژه‌ای دارند، هر فرد نیز در شهر کارکرد ویژه‌ای خواهد داشت. هرگاه یکی از اعضای بدن خوب کار نکند، نیاز به پزشک دارد، بنابراین در شهر نیز برای معالجه افراد به رییس نیاز است. این جاست که عمده‌ترین هدف تعلیم و تربیت اجتماعی فارابی تربیت زمام‌دار است. وی در راستای رسیدن به جامعه مطلوب برای تعلیم و تربیت، این اهداف را مدنظر قرار می‌دهد: ۱. سعادت، ۲. تربیت روح و جسم، ۳. تهذیب اخلاق، ۴. اعتدال، ۵. کسب بالاترین کمالات. بنابراین فارابی هدف اجتماعی تعلیم و تربیت را تشکیل مدینه فاضله می‌داند که در آن، شهروندان برای رسیدن به برترین کمالات انسانی به یکدیگر کمک می‌کنند. این کمال نهایی نیز عرفان و وصال حق است.

در هستی‌شناسی فارابی، جهان دارای مراتبی است که در مرتبه نخست آن «حد» یا موجود اول قرار می‌گیرد. بنابراین، رییس اصلی جهان خداوند است و ریاست مدینه مفیض فیض اوست (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷: ۹۰). جوهر الهی مقتضای تألیف و ارتباط موجودات است، بنابراین وظیفه رییس مدینه نیز باید ایجاد نظم در مدینه باشد. مردم مدینه با عشق به رییس (که همانا پیامبر و امام است)، با «تعاون» کارها را انجام می‌دهند. رییس

مدینه فاضله، به عنوان رابط میان مردم و خداوند و در نقش معلم و هدایتگر امت اسلامی است (امیرزا محمدی، ۱۳۸۲: ۵۶).

فارابی در کتاب اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ویژگی‌های رییس مدینه فاضله را شرح می‌دهد که یکی از بارزترین آن‌ها، «دوست‌دار تعلیم و تربیت» است. رییس مدینه با اتصاف به این صفت، نسبت به آموزش و پرورش امت اسلام اهتمام جدی می‌ورزد و مسئولیت کامل تربیت مردم را به عهده می‌گیرد. بنابراین فارابی نتیجه می‌گیرد که آموزش و پرورش امری دولتی است و از وظایف اصلی حاکمان حکومت اسلامی گسترش آن است.

#### پی‌نوشت

1. Republic
2. The Virtuous City
3. Island of Blest

#### منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). الشفاء الالهیات، تصحیح ابراهیم مدکور. انتشارات ناصر خسرو. تهران.
۲. افلاطون (۱۳۸۰)، قوانین (ج ۴)، ترجمه محمدحسن لطفی. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. تهران.
۳. پورجوادی، نصرالله (۱۳۵۸). درآمدی بر فلسفه افلوپین. انجمن فلسفه ایران. تهران.
۴. جو، هابینونگ (۱۳۷۵). «مفهوم علم سیاسی در احصاء العلوم فارابی». مترجم جواد قاسمی. فصل‌نامه مشکوه. زمستان. شماره ۵۳.
۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴). فلسفه مدنی فارابی. شورای عالی فرهنگ و هنر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی. تهران.
۶. — (۱۳۷۷). فارابی مؤسس فلسفه اسلامی. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. انتشارات سمت. تهران.
۸. سجادی، جعفر (۱۳۵۴). «سخنی چند پیرامون مدینه فاضله فارابی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. بهار. شماره ۱۱۳.
۹. سه‌روردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۲). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. به تصحیح و مقدمه هنری کرین. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران.
۱۰. علیزاده، بیوک (۱۳۸۴). «جامعه مطلوب از دیدگاه حکیمان مسلمان». فصل‌نامه اندیشه حوزه. مهر و آبان. شماره ۵۴.
۱۱. فارابی، ابونصر (۱۳۷۱). تعلیقات. تحقیق جعفر آل یاسین. انتشارات حکمت. تهران.
۱۲. — (۱۳۷۹). اندیشه‌های اهل المدینه الفاضله. ترجمه دکتر سیدجعفر سجادی. سازمان چاپ و انتشارات. تهران.
۱۳. — (۱۴۰۵ هـ). فصول منتزعه. به کوشش فوزی متری نجاز. المکتبه الزهراء. تهران.
۱۴. فیراحی، داوود (۱۳۸۸). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. نشر نی. تهران.
۱۵. قادری، حاتم (۱۳۷۹). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. انتشارات سمت. تهران.
۱۶. کاپلستون، فردریک (۱۳۶۲). تاریخ فلسفه (ج ۱). ترجمه سید جلال‌الدین مجتوی. مرکز انتشارات علمی-فرهنگی. تهران.
۱۷. میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۸۴). فارابی و تعلیم و تربیت. سیطرون. تهران.
۱۸. نصر، سیدحسین (۱۳۷۱). سه حکیم مسلمان. ترجمه احمد آرام. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی. تهران.

# جهش علمی و دانش‌آموزان ایلامی

گفت‌وگو با جبار قبادبیگی،  
رئیس روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام

گفت‌وگو: محمود اردوخانی

## اشاره

روابط عمومی معمولاً عامل اصلی پیوند مسئولان با جامعه است. مطالبات مخاطبان را دریافت و سپس پردازش و تجزیه و تحلیل می‌کند و حاصل آن را به مسئولان می‌سپارد. مسئولان روابط عمومی اگر متعهد و کار بلد باشند تا تحقق بررسی‌ها و پیشنهادهایشان راه را ادامه می‌دهند و هرگز خسته نمی‌شوند. جبار قبادبیگی، رئیس روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام را ما چنین یافتیم. او بی‌پرده و با درد و دلسوزی سخن می‌گوید. گفت‌وگوی زیر حاصل کنکاشی است که با او داشتیم.

## ○ به‌عنوان مسئول روابط عمومی تاکنون چه اهدافی را در آموزش و پرورش دانش‌آموزان ایلامی دنبال کرده‌اید؟

● در آموزش و پرورش به دنبال یک هدف بزرگ هستیم و آن تعالی اخلاقی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. برای رسیدن به این هدف مدرسه باید ابزار کار مناسب و معلمان مجرب و متعهد داشته باشد. این حق دانش‌آموز ایلامی است که پایه‌های استان‌های برخوردار در امور آموزشی، پرورشی و تربیتی حرکت کند تا از قافله جهش علمی کشور عقب نماند. برای دستیابی به این هدف آموزش و پرورش باید وارد عمل شود. چرا که با توجه به پیشرفت امکانات و گرایش دانش‌آموزان و مدارس به فناوری، آموزش و پرورش باید امکانات و تجهیزات لازم را فراهم کند.

در این استان از نظر فضای آموزشی مشکلی نداریم. بیشتر فقر تجهیزات آموزشی داریم. بچه‌های ما باید آزمایشگاه‌های به‌روز داشته باشند. در علوم پایه آزمایشگاه‌هایی داشته باشیم که جواب‌گوی نیاز علمی دانش‌آموزان باشند. متأسفانه ما نمی‌توانیم به شرایط ایده‌آل برسیم، چون در استان ما امکانات وجود ندارد. بچه‌ها مستعدند و قابلیت‌های علمی خوبی دارند که زمینه‌سازی شکوفایی آن‌ها به دست ما معلم‌هاست. نگاه ما از نظر آموزشی باید تغییر کند. اگر زمانی دانش‌آموز نیازهای علمی و آموزشی خود را از طریق محفوظات

تأمین می‌کرد، امروز نیازمند کار عملی است. لذا باید مدارس ما به وسایل و ابزار آموزشی مجهز شوند.

## ○ آیا برنامه‌ای برای تحقق این اهداف دارید؟

● بله، ما آسیب‌شناسی خاصی را در استان انجام دادیم و نیازها را مشخص کردیم؛ آن هم واقع‌بینانه. در حوزه آموزش و پرورش و برای تصمیم‌گیری در جلسات تصمیم‌گیری، ما متناسب با منابع موجود استان برنامه‌ریزی خاصی انجام دادیم.

## ○ آیا اولویت‌بندی کرده‌اید؟

● بله، در حال حاضر اولویت‌مان در رابطه با کنکور است. می‌خواهیم بچه‌های ایلام در کنکور سراسری حرفی برای گفتن داشته باشند. این موضوع را در جلسات تصمیم‌گیری شورای آموزش و پرورش استان، و شورای شهرستان‌ها که تأثیرگذار هستند، مطرح کردیم و تشخیص این بود که در گام اول دانش‌آموزان مستعد شناسایی شوند. لذا برای آن‌ها برنامه‌ریزی کردیم و نتیجه هم گرفتیم.

## ○ گفتید بچه‌های ایلام حرفی برای گفتن داشته باشند. دقیقاً منظور تان چیست؟

● یعنی از نظر علمی در کنکور کم نیاورند. یعنی ما ریزش نداشته باشیم. ما حتی دانش‌آموزانی داریم که رتبه‌هایشان در کنکور می‌تواند دورقمی شود.

## ○ از منظر شما این برنامه پایداری و قابلیت دوام دارد؟

● از نظر ما این طرح باید پایدار بماند. ما برنامه‌ریزی بلندمدت داریم و آن را مختص یک دوره و یک‌سال نمی‌دانیم. گام اول برداشته شده و خوب هم نتیجه داده است. در استان منابع خاصی را در این راستا به کار گرفته‌ایم.

## ○ نقش خانواده را در اجرای این برنامه‌ها چگونه می‌بینید؟

● خانواده قطعاً تأثیر بسزایی دارد. اگر خانواده‌ها هم گام با آموزش و پرورش نباشند، ما به نتیجه نمی‌رسیم و تمام زحمات آموزش و پرورش هدر می‌رود. البته میزان مشارکت اولیا در سرنوشت آموزشی



میزان مشارکت اولیا در سرنوشت آموزشی بچه‌ها ضعیف است. بچه‌ها را می‌سپارند به آموزش و پرورش و وقتی از اولیای دانش‌آموزان دعوت می‌کنیم در مورد آموزش فرزندشان نظر و راهکار بدهند، همراهی نمی‌کنند. ما برای ایده‌پردازی اولیا در آموزش و پرورش جایی را خالی می‌بینیم

به هر حال، این موضوع، تأثیر خود را گذاشته است. از حضرت‌عالی استعفا دارم آن را منعکس کنید تا مسئولین بدانند. ما که باید با این آلودگی بسازیم، می‌سازیم، اما سلامت بچه‌ها، معلمان، کارمندان و مردم به‌طور کل در خطر است. ما به این آلودگی تن داده‌ایم و در کار آن هم سعی کرده‌ایم از تحصیل بچه‌ها غافل نباشیم.

○ **ما با خیلی از دوستان در استان گفت‌وگو داشتیم. هیچ‌یک از آن‌ها در بخش دغدغه‌هایشان به موضوع آلودگی هوا نپرداختند. این برای ما عجیب بود! چرا اینگونه بوده است**

● شاید بخشی از آن به نوع مأموریت شما در استان برمی‌گردد، اما به‌طور تخصصی این موضوع را گوشزد کرده‌ایم. ستاد بحران استان مرتب تشکیل جلسه می‌دهد و مسائل را به تصمیم‌گیری کلان منعکس می‌کند. ○ **با توجه به این که کشورهای همسایه نیز درگیر این گرد و غبار هستند، فکر می‌کنید این موضوع دغدغه آن‌ها هم هست؟** ● بله، این واقعاً دغدغه آن‌ها هم هست. من در جریان هستم که در دستور کارشان قرار دارد. ایران چند جلسه با کشورهای همسایه داشته است و ان‌شاءالله به حصول نتیجه‌ای مطلوب می‌انجامد.

○ **ما همه امیدوارم کشورهای همسایه همانند مسئولان کشور ما درباره این موضوع دغدغه داشته باشند و برای رفع آن با دولت و حکومت همکاری لازم را داشته باشند. مطالب پایانی حضرت‌عالی را می‌شنویم.**

● تشکر می‌کنم از حضور اثرگذاران در استان. کار شما از نظر اطلاع‌رسانی برای من بسیار اهمیت دارد. تدبیر شما در نشریات رشد راه‌گشای خوب و مناسبی برای همکاران ماست. «اداره کل انتشارات کمک‌آموزشی» این توفیق را داشته است که بخش عمده‌ای از ارتباطات علمی، آموزشی و اطلاع‌رسانی را به انجام می‌رساند. این که نشریه رشد شما در منطقه صفر مرزی به مدرسه ما می‌رسد، یک هنر از نظر ارتباط است. امیدوارم به جایی برسیم که در کنار همه یافته‌های علمی که به دست می‌آوریم، در حوزه انتشارات هم رشد خوبی را شاهد باشیم.

بچه‌ها ضعیف است. بچه‌ها را می‌سپارند به آموزش و پرورش و وقتی از اولیای دانش‌آموزان دعوت می‌کنیم در مورد آموزش فرزندشان نظر و راهکار بدهند، همراهی نمی‌کنند. ما برای ایده‌پردازی اولیا در آموزش و پرورش جایی را خالی می‌بینیم. اگر اولیا بیایند و در مورد تربیت فرزندانشان احساس مسئولیت کنند، آموزش و پرورش راحت‌تر به اهداف خود می‌رسد. متأسفانه، در استان ایلام مشارکت اولیا ضعیف است؛ هم از نظر فکری و هم از نظر مالی.

○ **فکر نمی‌کنید که این موارد از اقتضائات اجتماعی ایلام است؟** ● بله، به نظر من نه فقط استان ما، بلکه بخش عمده‌ای از کشور با این عارضه مواجه است. اگر ما بتوانیم اولیا را هم به میدان بیاوریم و آن‌ها هم‌سو و هماهنگ با آموزش و پرورش عمل کنند، آن‌زمان است که نتیجه خوبی عاید بچه‌هایمان می‌شود و به ایده‌آلی که طراحی کرده‌ایم خواهیم رسید.

○ **گرد و غباری که استان ایلام با آن درگیر است چه تأثیری روی روابط اجتماعی مردم استان دارد؟**

● پدیده گرد و غبار و آلودگی هوا که چند سالی است گریبان‌گیر استان‌های مرزی است و استان ما هم از آن بی‌بهره نیست، متأسفانه روی سلامت بچه آثار منفی دارد و مدارس ما را به تعطیلی می‌کشد. از نظر آموزشی سبب افت می‌شود و اولیا تماس می‌گیرند که باید کلاس‌ها تعطیل شوند. البته ما بیشتر تعطیلی مدارس را در مورد دوره ابتدایی داریم، چون در آن دوره انعطاف آموزشی بیشتر است. در دوره‌های راهنمایی و متوسطه هم لطمه آموزشی می‌بینیم و از نظر منابع متضرر می‌شویم. شما تصور کنید، بیش از ۱۱ هزار معلم داریم و یک روز تعطیلی معلمان، ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان از نظر منابع مالی ضرر می‌زند. باید به همکارانمان در خانه حقوق بدهیم. از طرف دیگر، حدود ۱۲۰ تا ۱۲۵ هزار نفر دانش‌آموز داریم و هر دانش‌آموز روزی شش ساعت از آموزش عقب می‌افتد. اگر محاسبه نفر ساعت شود، از نظر آموزشی نتیجه وحشتناک خواهد بود.





فاطمه شهرزاد بخشایش  
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

## مقدمه

صرفه‌جویی حاصل شد که به‌طور متوسط حدود ۲۵۰۰ دلار به ازای هر ایده است. این ارقام در حالی گزارش شده است که نظام مدیریت ایده و توجه کافی به ایده‌های جدید، به‌طور کامل اجرا نشده است و امکان افزایش این ارقام با راه‌اندازی این نظام بیشتر خواهد شد. در بحث ایده‌های جدید و به‌کارگیری آن‌ها در سازمان‌ها، فرهنگ سازمانی موجود، شاخص بسیار مؤثری است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند، ایده‌های تولید شده در شرکت‌های ژاپنی در مقایسه با هم‌تای آمریکایی‌شان، چیزی حدود ۱۰۰ برابر بیشتر است. در شرکت‌های آمریکایی، کارمندان جوایز چشم‌گیرتری دریافت می‌کنند که دلیل آن، نظام شایسته‌سالاری موجود در آن کشور است. در ژاپن، تعداد ایده‌های خلق شده بسیار زیاد است و هر یک بهبود کوچکی را ایجاد می‌کند و از نظام بهبود مستمر (کایزن) پیروی می‌شود. لذا در شرکت‌های آمریکایی، ایده‌های کمتری جمع‌آوری می‌شوند، اما این ایده‌ها تغییرات اساسی‌تری را در نظام به‌وجود می‌آورند.

**کلیدواژه‌ها:** خلاقیت، مدیریت، نوآوری، سازمان خلاق.

تحولات و دگرگونی‌ها در دنیای کنونی که عصر اطلاعات و ارتباطات محسوب می‌شود، پرشتاب است. در این شرایط، بی‌ثباتی، تغییرپذیری و نیز غیرقابل پیش‌بینی بودن تغییرات، آن‌چه کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را در جهت افزایش بهره‌وری و پیشرفت و ترقی آن‌ها مدد می‌رساند، همانا استفاده از فرصت‌ها در رقابت با سایر کشورهاست. پیشرفت میسر نمی‌شود مگر با درایت و خلاقیت مدیران و نیز کوشش آنان در پرورش خلاقیت کارکنان.

«انجمن مشارکت کارکنان» با انجام مطالعه بر عملکرد ۴۷ سازمان در آمریکا، از شرکت‌های بزرگ نظیر «جنرال موتورز» با بیش از ۱۵۰ هزار کارمند، تا شرکت‌های کوچک‌تر و محلی با حدود ۱۴۰ کارمند، نتایج زیر را به‌دست آورده است:

تعداد کل کارکنان در این مطالعه حدود ۴۵ هزار نفر، تعداد ایده‌های ارائه شده ۲۵۰ هزار و تعداد ایده‌های پذیرفته شده ۹۵ هزار مورد اعلام شده است. به کمک این ایده‌ها حدود ۶۳۰ میلیون دلار



### بررسی نقش ایده‌های جدید در ژاپن و آمریکا

ژاپن	آمریکا	شرح
۱۸/۵ (درصد)	۱۶ (درصد)	تعداد ایده‌ها به ازای تعداد کارکنان
۸۹/۷ (درصد)	۳۸/۷ (درصد)	میزان پذیرش ایده‌ها
۷۴/۳ (درصد)	۱۰/۷ (درصد)	میزان مشارکت کارکنان
۴ (دلار)	۴۵۸ (دلار)	جایزه داده شده (متوسط)
۱۷۶ (دلار)	۵۵۸۶ (دلار)	صرفه‌جویی صورت گرفته به ازای هر ایده
۳۲۵۰ (دلار)	۳۳۵ (دلار)	صرفه‌جویی خالص به ازای هر کارمند

شاید تا این که اصرار ورزید بی حرکت بمانید و به سویی رانده شوید. مدیریت ساکن و بی تحرک، نمی‌تواند مدت زیادی به طول انجامد؛ یا موج آن را غرق می‌کند و یا کشتی این مدیریت در گل فرو می‌رود.»

### تعریف خلاقیت

تاکنون از دیدگاه روان‌شناسی، برای خلاقیت تعریف‌هایی به شرح زیر ارائه شده است:

- فعالیتی ذهنی و عقلانی برای به‌وجود آوردن ایده‌های جدید و بدیع.
- توانایی خلق ایده‌های جدید و مفید.
- با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت جدید و تازه برای حل مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخی صحیح) مترادف است (گیلفورد).
- توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد، یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها.

بنا بر گزارش وزارت بازرگانی آمریکا، در سال ۲۰۰۲، کاهش هزینه‌ها به ازای هر ایده، چیزی حدود ۵۵۸۶ دلار بوده است. این آمار نشان می‌دهد که شرکت‌های آمریکایی ترجیح می‌دهند بر ایده‌های کمتر با اثربخشی بالاتر سرمایه‌گذاری کنند. در جدول (۱)، نتایج ایده‌های کارمندان در شرکت‌های آمریکایی و ژاپنی مقایسه شده است.

به‌طور کلی، سازمان‌های نوآور سازمان‌هایی هستند که نسبت به تغییر نیازهای مشتریان، تغییر مهارت‌های رقبا، تغییر روحیه افراد جامعه، تغییرات شرایط تجارت بین‌الملل و مقررات دولتی، واکنش نشان می‌دهند و در شکل و نحوه تولیدات خود تجدیدنظر و خود را متحول می‌کنند. لاکت درباره ضرورت نوآوری، هم‌گامی و هماهنگی با تحولات جدید می‌گوید: «موج دریا تجربه ترسناکی است. اگر مقابل آن بایستید، شما را به گوشه‌ای پرتاب می‌کند. اگر بر آن سوار شوید، می‌تواند در زمان کوتاهی شما را به جای دوری بربرد. به‌طور قطع، بسیار ساده‌تر است که منتظر امواج تغییر باشید و بر آن سوار

- به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد فکر یا مفهوم جدید.
- مهارت‌های خلاقیت با ارزش‌های فکری زیر همراه هستند:
- شکستن عادت‌ها؛
- به تعویض انداختن قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها؛
- درک پیچیدگی مسائل و درگیر شدن با آن‌ها؛
- متفاوت بودن مسائل و مشاهده امور به شیوه تازه‌ای که قبلاً به آن توجه کافی نشده است؛
- وسعت فکر و برقراری ارتباط میان ایده‌های متفاوت.
- فونونی وجود دارند که این ارزش‌های فکری را تقویت می‌کنند؛ از جمله طوفان فکری، اسکمیر و اسپینکتیکس.

### تعریف خلاقیت از دیدگاه سازمانی

خلاقیت یعنی ارائه فکر و طرحی نوین برای بهبود و ارتقای کمیت یا کیفیت فعالیت‌های سازمان؛ مثل: افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، افزایش تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید و...

**روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا** در بررسی‌های خود شش عامل را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته‌اند:

۱. دانش: داشتن دانش پایه‌ای در زمینه‌ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان متمادی.
۲. توانایی عقلانی: افراد خلاق توانایی ارائه ایده خلاق از طریق تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل را به دست می‌آورند.
۳. سبک فکری: افراد خلاق عموماً در مقابل روش ارائه شده از طرف سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را برمی‌گزینند.
۴. انگیزش: افراد خلاق عموماً برای به فعل درآوردن ایده‌های خود، برانگیخته می‌شوند.
۵. شخصیت: افراد خلاق عموماً ویژگی‌های شخصیتی مانند مصر بودن، مقاوم بودن در مقابل فشارهای بیرونی و داخلی، و نیز مقاوم بودن در مقابل وسوسه هم‌رنگ جماعت شدن را دارند.
۶. محیط: افراد خلاق معمولاً در محیط‌های حمایتی بیشتر امکان ظهور می‌یابند.

### سطوح خلاقیت

۱. خلاقیت فردی: توانایی خلاقیت هر شخص، تابعی از توانایی‌های فکری، دانش، شیوه تفکر، شخصیت، انگیزه، و محیط زندگی اوست. مهم‌ترین توانایی‌های فکری برای تفکر خلاق، عبارت‌اند از: توانایی برخورد با مسائل به شیوه‌ای غیرمتعارف، توانایی تجزیه و تحلیل این امر که کدام ایده‌ها ارزش دنبال کردن دارند و کدام ندارند، و توانایی تبیین این ایده‌ها برای دیگران و متقاعد کردن دیگران در مورد ارزشمند بودن آن‌ها.

درباره تفکر خلاق باید گفت، خلاق‌ترین افراد ترجیح می‌دهند به شیوه خاص خودشان بیندیشند. آن‌ها می‌توانند میان مسائل مهم و غیرمهم تمیز دهند. خصوصیات شخصی که برای خلاقیت با اهمیت‌ترند، عبارت‌اند از: اعتقاد به توانایی‌ها، تحمل ابهام‌ها، تمایل به غلبه کردن بر موانع و مشکلات و پذیرش ریسک‌های معقول. اثبات شده است که انگیزش ذاتی برای خلاقیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در نهایت برای این که استعداد خلاقیت هر فرد به طور کامل بروز کند، غالباً محیطی لازم است که از ایده‌های خلاق حمایت و به آن‌ها پاداش دهد.

بنابراین، محیط مساعد چه در زمینه جغرافیایی و چه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، در رشد و پرورش قوه ابتکار در افکار تأثیر فراوان دارد. عوامل محیطی نه تنها سبب پرورش استعداد‌های افراد می‌شوند، بلکه موجباتی برای تحریک و تشویق افراد به خلق اندیشه‌های تازه فراهم می‌سازند. در اجتماعاتی که رشد فردی و رفاه اجتماعی از طریق روش علمی در وضع رضایت‌آمیزی توافق و سازگاری پیدا کرده‌اند، معمولاً مجال پرورش افکار و خلق اندیشه‌های تازه بیشتر فراهم می‌شود.

**۲. خلاقیت سازمانی:** خلاقیت سازمانی تابعی است از خلاقیت کارکنان هر سازمان و طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی و عوامل زمینه‌ای که نحوه تعامل افراد با یکدیگر و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. بنابراین، سطح کلی خلاقیت هر سازمان، جمع ساده خلاقیت فردی افرادی که به استخدام درآورده‌اند، نیست. ساختار سازمان، روش کار آن و مشوق‌ها می‌توانند خلاقیت افراد را خنثا یا آن را تشدید کنند. متداول‌ترین روشی که هر شرکت می‌تواند برای استفاده از خلاقیت کارکنانش به کار برد، صندوق پیشنهادات است. اجرای نظام‌های جمع‌آوری ایده (نظیر صندوق پیشنهادات) نسبتاً ساده و کم هزینه است، اما این نظام‌ها تنها اولین گام در آزاد کردن خلاقیت کارکنان محسوب می‌شوند. امروزه شرکت‌هایی نظیر اینتل، موتورولا، تری‌ام و هلیوت پاکارد، برای بهره‌گیری از قابلیت‌های خلاقیتی نهفته در وجود کارکنان خود، از سازوکارهای پرتول و تفصیلی استفاده می‌کنند؛ از جمله سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزش خلاقیت. این گونه برنامه‌ها مدیران را تشویق می‌کنند که با استفاده از تمهیدات کلامی و غیر کلامی، به کارکنان نشان دهند که تفکر و استدلال آن‌ها مورد احترام و استفاده شرکت قرار دارد.

### تعریف نوآوری

نوآوری، به کارگیری ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت است. نوآوری می‌تواند محصول، خدمت یا راهی جدید برای انجام کاری باشد. **اشترین برگ، پرتز و کافمن**، نوآوری را سکوی هدایت‌کننده خلاقیت برای خلق ایده و یا محصولات جدید که افراد آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند، معرفی می‌کنند.







● کاهش بوروکراسی اداری، کاهش پشت میزنشینی و استقبال از عمل‌گرایی؛

● تحرک و مهیا کردن عوامل تولید.

## ویژگی‌های افراد خلاق

استیاز ویژگی‌های زیر را برای افراد خلاق بیان داشته است:

۱. سلامت روانی و ادراکی: توانایی ایجاد تعداد زیادی ایده به‌طور سریع.

۲. انعطاف‌پذیری ادراک: توانایی دست کشیدن از قاعده و چارچوبی ذهنی.

۳. ابتکار: توانایی ایجاد و ارائه پیشنهادهاى جدید.

۴. ترجیح پیچیدگی به سادگی: توجه کردن و در نظر گرفتن چالش‌های جدید مسائل پیچیده.

۵. استقلال رأی و داوری: متفاوت بودن از همکاران در ارائه نظرات و اندیشه‌های نو.

## ویژگی‌های سازمان‌های خلاق

۱. وجود رقابت کامل و فشرده: در هر سازمان، در صورتی خلاقیت صورت می‌پذیرد که رقابت کامل در آن حاکم باشد.

۲. برخورداری از فرهنگ: یکی از عوامل عمده‌ای که به بالندگی مدیریت کمک می‌کند، فرهنگ مردم است. برپایه فرهنگ خوب، ائتلاف وقت گناه محسوب می‌شود. بدیهی است در چنین بستر مناسبی برای رقابت، خلاقیت و پویایی بهتر شکل می‌گیرد.

۳. دست‌رسی آسان به مدیران: سازمان‌های خلاق بر این اعتقاد هستند که دانش در سطح سازمان به وفور پراکنده شده است و مدیران به راحتی می‌توانند افکار و نظرات دیگران را مستقیم و بدون واسطه دریافت کنند.

۴. محترم دانستن اعضا: ویژگی دیگر سازمان خلاق، احترام به افراد است؛ طوری که آن‌ها باور می‌کنند می‌توانند هم‌گام با نیازهای سازمان رشد کنند.

۵. ارائه خدمات مردمی: هدف نهایی در این سازمان‌ها، توجه به نیازمندی‌های جامعه و جلب رضایت آحاد مردم است.

۶. یک تخصص نبودن اعضا: در سازمان خلاق افراد دارای یک تخصص ویژه نیستند و این امکان را دارند که برای قرار گرفتن در جایگاه مناسب، گردش شغلی داشته باشند.

## فنون خلاقیت

۱. فن تحرک مغزی (طوفان فکری): یکی از فنون‌های متداول

در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه‌ها به صورت گروهی، فن «تحرک مغزی» است. در این فن، مسئله‌ای به یک گروه کوچک ارائه

هم‌چنین، جرد و تیسری نوآوری را، جست‌وجو و کشف، توسعه، بهبود، پذیرش و تجاری‌سازی فرایندهای جدید، محصولات جدید و ساختارهای سازمانی و شیوه‌های جدید تعریف می‌کنند.

پیتر دراگر نوآوری را این‌گونه تعریف می‌کند: «نوآوری ابزاری است که کارآفرین با آن ثروتی تازه می‌آفریند، منابع تولید ایجاد می‌کند و یا به منابع موجود موهبت ثروت‌آفرینی می‌بخشد.» وی به نوآوری از حیث کارآفرینی آن و ایجاد سرمایه و ثروتی جدید نگاه می‌کند و در تعریف خود، نقش کارآفرین را برجسته می‌سازد. در واقع کارآفرین را عامل تبدیل ایده و دانشی جدید به ثروت و سرمایه‌ای جدید می‌داند.

کنتر تعریف دیگری از نوآوری ارائه می‌دهد: «نوآوری فرایند گردآوری هر نوع ایده جدید و مفید برای حل مسئله است و شامل شکل گرفتن ایده، پذیرش و اجرای ایده‌های جدید در فرایند، محصولات و خدمات می‌شود.» در این تعریف، به‌وضوح می‌توان دید که کنتر به نوآوری از منظر حل مسئله، یعنی شناخت مشکلات و ارائه ایده‌های جدید برای حل آن‌ها نگاه می‌کند.

ون دوون نوآوری را این‌گونه تعریف می‌کند: «نوآوری، توسعه و اجرای ایده‌های جدید توسط افرادی است که در یک زمینه نهادی با هم در ارتباط متقابل هستند.» در این نظریه، ون دوون بر این عقیده است که هر ایده جدید ممکن است از نظر افراد درگیر در آن جدید تلقی شود؛ اگرچه در جای دیگری مورد استفاده قرار گرفته باشد.

در تعریف دیگری، گوین نوآوری را این‌گونه بیان می‌کند: «نوآوری اولین تحویل و تبدیل یک ایده به عمل در یک فرهنگ است.» براساس این دو تعریف اخیر می‌توان گفت، نوآوری لزوماً به معنی به‌کارگیری ایده‌های کاملاً جدید نیست که در جای دیگری استفاده نشده است، بلکه حتی اگر در یک فرهنگ و یا مجموعه‌ای از افراد که یک نهاد را تشکیل می‌دهند، ایده‌ای برای اولین بار به عمل تبدیل شود، نوآوری اتفاق افتاده است.

## \* اهمیت خلاقیت و نوآوری

خلاقیت و نوآوری تحقق موارد زیر را در پی دارد:

- رشد و شکوفایی استعدادها و حرکت به سوی خودشکوفایی؛
- موفقیت فردی، شغلی و اجتماعی؛
- پیدایش سازمان، تولیدات و خدمات؛
- افزایش کمیت، تنوع تولیدات و خدمات؛
- کاهش هزینه‌ها، ضایعات و اتلاف منابع؛
- افزایش انگیزش کاری کارکنان سازمان و موفقیت در رقابت؛
- ارتقای سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان؛
- موفقیت مجموعه مدیریت و ارتقای بهره‌وری سازمان؛
- تحریک و تشویق حس رقابت، رشد و بالندگی سازمان؛

و از آنان خواسته می‌شود فی‌البداهه و به سرعت، به آن واکنش نشان دهند و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ‌ها روی تخته‌ای نوشته می‌شوند؛ به طوری که همه اعضای جلسه می‌توانند آن‌ها را ببینند. این امر باعث می‌شود ذهن اعضا به فعالیت بیشتری بپردازد و جرقه‌ای از یک ذهن، باعث روشنی ذهن دیگری شود. اولین دلیل اثربخشی تحرک مغزی، افزایش قدرت خلاقیت در گروه است. افراد در حالت گروهی بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق را بروز می‌دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی باعث افزایش اثربخشی می‌شود. هم‌چنین، نبود انتقاد و یا ارزیابی‌های سریع، باعث می‌شود اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهار نظر بپردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد شود نکته دیگری که در مؤثر بودن تحرک مغزی قابل ذکر است، فی‌البداهه بودن نظرات است.

**۲. گردش تخیلی:** در سال ۱۶۹۱، روان‌شناسی به نام **گوردون**<sup>۱</sup> نتایج پژوهش‌های ۱۰ ساله خود را در مورد افراد خلاق منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت که ذهن آدمی به هنگام بروز خلاقیت و ابتکار، در حالت روانی خاصی است که اگر بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم، خلاقیت امکان وجود می‌یابد. او در گروه‌های ایجاد خلاقیت، اعضای گروه را از طریق به‌کارگیری جریانی تمثیلی و استعاری، به گردش تخیلی ترغیب می‌کرد و در این حالت، ایده‌ها و نظرات بدیعی را کشف می‌کرد. ذهن افراد در این گردش خیالی با دستاویز استعاره‌ها، به نکاتی نو که هدف جلسه خلاقیت بود، می‌رسید و روابط تازه‌ای را بین پدیده‌ها پیدا می‌کرد. آنان پدیده‌هایی را که چندان تجانس با هم نداشتند، تلفیق و ترکیب می‌کردند و به ایده‌های جدیدی دست می‌یافتند. در جلسات خلاقیت، به کمک استعاره و تخیل، کار تلفیق و ترکیب در ذهن افراد انجام می‌گرفت. از این‌رو روش گوردون را شیوه تلفیق نام‌تجانس‌ها<sup>۲</sup> نیز نامیده‌اند.

تهیه‌ی ذهنی یا تکنیک گوردون روشی است بسیار مناسب برای رسیدن به راه‌حل‌های جدید و نیز اکتشافات علمی و فنی. این روش، فرایندی خاص و منحصر به فرد و در عین حال مؤثر دارد. فرایند به‌کارگیری این رویکرد دارای مراحل زیر است:

الف) شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکل به منظور رسیدن به ماهیت و جوهره آن؛

ب) کشف راه‌حلی برای آن جوهره از طریق دیدگاه غیرمرتبط با موضوع؛

ج) تلاش برای تبدیل راه‌حل‌های به‌دست آمده به راه‌حل نهایی. در جلساتی که از این روش استفاده می‌شود، فقط رهبر گروه از اصل موضوع اطلاع دارد و موضوعی که مطرح می‌شود، دقیقاً اصل موضوع نیست، بلکه نزدیک به آن است.

**۳. تفکر موازی:** واضع این شیوه ادوارد دوبونو، روش معمول تفکر را به حفر گودالی همانند می‌کند که فرد با افزایش اطلاعات،

گودال را عمیق‌تر می‌سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند، در حالی که تفکر موازی، نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شوند، بلکه آن‌ها را تغییر می‌دهند و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کنند.

یکی از راه‌های تحقق تفکر موازی، ایجاد یک اندیشه «واسطه» غیرممکن<sup>۳</sup> است. این اندیشه موجب طیران فکر و ذهن می‌شود و با تعدیل آن می‌توان به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی، پیوند تصادفی است. فرض کنید کتاب فرهنگ لغت را می‌گشایید و لغاتی را می‌خوانید و می‌کوشید تا آن‌ها را با موضوع مورد نظر پیوند دهید و به نتیجه‌ای برسید. در این کار شما از روش پیوند تصادفی استفاده کرده‌اید.

**۴. ارتباط اجباری:** یکی دیگر از شیوه‌های آشکار ساختن خلاقیت‌ها و ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی موجود در افراد، شیوه ارتباط اجباری است. در این شیوه همان‌طور که از نام آن استفاده می‌شود، باید بین دو گروه از پدیده‌ها ارتباطی اجباری ایجاد کرد. از دیگر فنون خلاقیت می‌توان به فن الگوبرداری از طبیعت، تکنیک ۵-۳-۶ گروه اسمی، پرسش‌های ایده برانگیز و تکنیک تجزیه و تحلیل مورفولوژیک اشاره کرد.

### نقش مدیر در پرورش خلاقیت

نقش مدیریت در مجموعه‌هایی که خلاقیت و نوآوری از ضروریات و عوامل اصلی آن‌ها محسوب می‌شود، بسیار مهم و حساس است. زیرا مدیریت می‌تواند توانایی و استعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند و با رفتار و عملکرد آن‌ها می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن‌های خلاق. مدیر خلاق باید فضایی بیافریند که خود بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را هم نیز برای خلاقیت تحریک کند. این فضا، فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نحوی تفویض اختیار می‌کند تا هر کسی خود مشکل خود را حل کند.

برای این‌که افراد در سازمان به تفکر بپردازند، باید محیطی ایجاد شود که در آن به نظریات و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه پرورش خلاقیت انسان‌ها و همین‌طور خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی، «مشورت» است. بدون تردید افرادی که اهل مشورت هستند از عقل و فکر بیشتری برخوردارند و آنان که اهل مشورت نیستند از این امتیاز بهره‌ای ندارند. سازمان خلاق تا اندازه زیادی به «خودکنترلی» کارکنانش وابسته است. خودکنترلی خود را در خواستن و تمایل برای ارائه ابتکار و خلاقیت به نمایش می‌گذارد.





## نتیجه گیری

گسترش و سرعت تغییرات در جهان باعث شده است که خلاقیت بیش از پیش اهمیت یابد. کشورها فقط با ابتکار و نوآوری می‌توانند خود را با شرایط جدید وفق دهند و هم‌گام با دگرگونی‌ها به پیش روند. بدیهی است در دنیای پیچیده کنونی، سازمان‌هایی در رقابت با سایرین موفق‌ترند که بتوانند از فرصت‌های پیش‌رو، به بهترین نحو استفاده کنند. این امر جز با افزایش خلاقیت و نوآوری امکان‌پذیر نیست.

از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد و افزایش خلاقیت در کارکنان که باید توسط مدیران به کار بسته شود، افزایش انگیزش در میان کارکنان است. انتصاب افراد متناسب با تخصص آن‌ها، عدم اجبار افراد به تصدی شغل نامناسب، ایجاد هماهنگی مناسب با کارکنان، دادن آزادی عمل و تفویض اختیار از عوامل افزایش انگیزش درونی به‌شمار می‌روند. همچنین، در اختیار قرار دادن منابع مهمی چون زمان و تخصیص منابع مالی نیز انگیزش را در افراد افزایش می‌دهد. ایجاد گروه‌های کاری و حمایت متقابل اعضای گروه و نیز ترکیب اندیشه‌های متفاوت، می‌تواند اشتیاق افراد را به کار و دستیابی به هدف افزایش دهد و در نتیجه، تجربیات و مهارت‌های تفکر خلاق را ارتقا می‌بخشد.

پاداش و تشویق، ارتقای شغلی، اعتنا و اعتماد، عدم ارزیابی‌های بی‌مورد و وقت‌گیر، ایجاد فضای کاری آرام و بدون ترس و بیم، حمایت سازمانی، تقویت همکاری‌های متقابل و احساس وجود هدف مشترک بین کارکنان و مدیران، و ایجاد جذابیت کاری برای کارکنان، همه از جمله عوامل مهمی هستند که مدیران با تأثیر بر آن‌ها و نیز اثرگذاری بر روی دو مؤلفه دیگر، یعنی تخصص و تفکر خلاق، می‌توانند به ارتقا و پیشرفت سازمان خود و در نتیجه ترقی جامعه کمک کنند.

## پی‌نوشت

1. W.J.Gordon
2. Synectics
3. Intermediate impossible

## منابع

۱. نصر اصفهانی، محسن. مدیریت نوآوری. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۹.
۲. محمدی، ناهید. خلاقیت در مدیریت. ۱۳۸۴.
۳. الوانی، سیدمهدی. مدیریت عمومی. انتشارات نی. ۱۳۸۹.
۴. مویدنیا، فریبا. «مدیریت و رهبری تحول». ماهنامه تدبیر. شماره ۱۶۷.
۵. محمدی، حامد، طبری، مجتبی. «نهادینه کردن خلاقیت و نوآوری در سازمان». ماهنامه تدبیر. سال بیستم. شماره ۲۰۲.
۶. روزنامه هم‌شهری. «خلاقیت و نوآوری: تعاریف و راهکارها (۱)». شماره ۳۷۳۰.
۷. طالب بیدختی، عباس. خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان‌ها. ۱۳۸۳.

8. <http://www.tmat.ir/link/>
9. [www.iranpm.com/article-topic](http://www.iranpm.com/article-topic)

مدیران می‌توانند هر سه مؤلفه خلاقیت، یعنی تخصص، مهارت‌های تفکر خلاق و انگیزش را تحت تأثیر قرار دهند. اما واقعیت آن است که تأثیرگذاری بر دو مؤلفه اول بسیار دشوارتر و وقت‌گیرتر از انگیزش است انگیزش درونی را می‌توان حتی با تغییرات جزئی در محیط سازمان به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. این بدان معنا نیست که مدیران باید به‌بود تخصص و مهارت‌های تفکر خلاق را فراموش کنند. اما زمانی که اولویت‌بندی در اقدام مطرح می‌شود، آن‌ها باید بدانند که اقدامات مؤثر بر انگیزش درونی، نتایج فوری‌تری را موجب خواهند شد. رابینز، ضمن تأکید بر نقش و تأثیر فرهنگ سازمانی در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در سازمان، بر این باور است که اگر فرهنگ سازمانی دارای مشخصات زیر باشد، می‌تواند زمینه ایجاد خلاقیت را در سازمان فراهم کند:

● **پذیرش ابهام:** تأکید بسیار زیاد بر عینیت و شرح جزئیات، خلاقیت را محدود می‌کند.

● **تحمل غیر عملی بودن:** افرادی که برای مسائل مختلف راه‌حل‌های غیرعملی و حتی احمقانه می‌یابند، سرکوب نمی‌شوند، زیرا آن‌چه ابتدا نشدنی به نظر می‌آید، ممکن است سازمان را به راه‌حل‌های نو رهنمون شود.

● **نظارت‌های خارجی کم:** میزان قوانین، مقررات، خط‌مشی‌ها و سایر نظارت‌های مشابه، بسیار کم است.

● **تحمل مخاطره:** کارکنان برای تجربه کردن تشویق می‌شوند، بدون آن‌که نگران شکست در تجربه‌های خود باشند. اشتباه‌ها به عنوان فرصت‌های آموزشی تلقی می‌شوند.

● **تحمل تعارض:** پراکندگی عقاید تشویق می‌شود. هماهنگی و توافق بین افراد و واحدها، نشانه موفقیت تلقی نمی‌شود.

● **تأکید بر هدف به جای وسیله:** هدف‌های روشنی وضع می‌شوند و افراد تشویق می‌شوند برای دست‌یابی به هدف‌های خودشان راه‌حل‌های جای‌گزین بیابند. تأکید بر هدف نشان‌دهنده امکان وجود پاسخ‌های درست متعدد برای هر مسئله است.

● **تأکید بر نظام باز:** سازمان از نزدیک محیط را می‌بیند و در برابر دگرگونی‌های محیطی به سرعت واکنش نشان می‌دهد.

در واقع، وقتی خلاقیت و نوآوری مورد انتظار کارکنان و مدیران باشد، این انتظار بر فرهنگ سازمانی حکم‌فرما می‌شود و فضایی سرشار از تغییرات ایجاد می‌کند. شایسته است برای تشویق خلاقیت و نوآوری، سازمان‌ها با فرهنگ تیمی شکل گیرند، زیرا در این نوع سازمان‌ها تأکید بر اختراع، اکتشاف، نوآوری، ریسک‌پذیری و آزادی عمل است و نمونه بارز این‌گونه سازمان‌ها، سازمان‌های حسابداری، مشاوران حقوقی، بانک‌ها، سازمان‌های مشاوره‌ای، سازمان‌های تبلیغاتی، و سازمان‌های تولید نرم‌افزار و تحقیقات بیولوژیکی هستند.



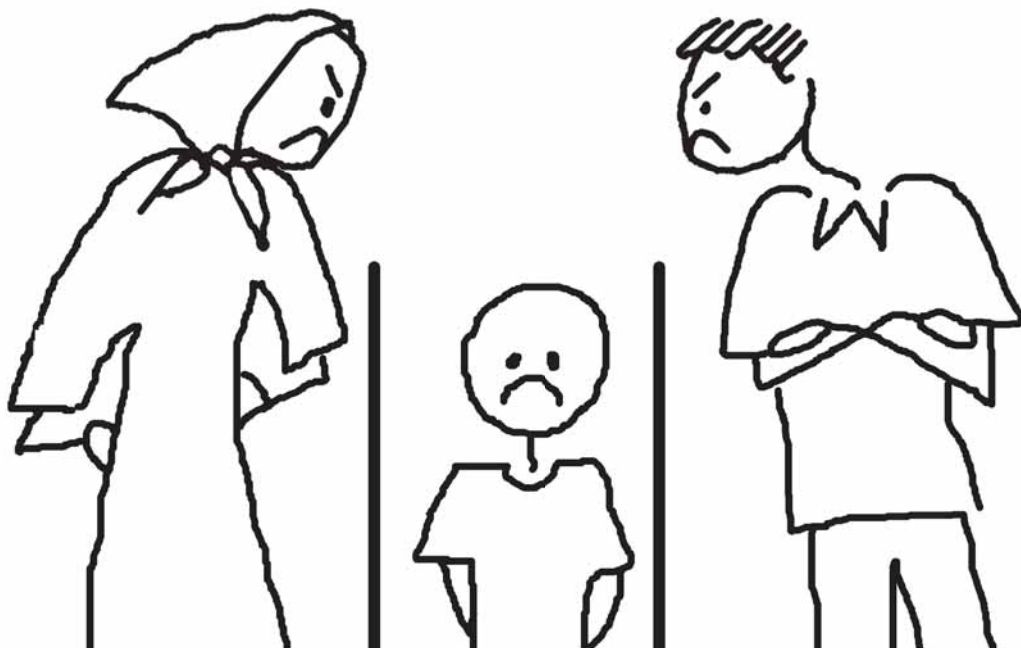
# والدین سنگ‌سورچیه‌ها نیستند

کندوکاوی در رابطهٔ افراد خانواده با یکدیگر در گفت‌وگو با مشاور و کارشناس جوانان آموزش و پرورش استان ایلام

گفت‌وگو: محمود همدانی

## اشاره

ایلام از استان‌های محرومی است که از گذشته‌های دور پاره‌ای مشکلات آموزشی و تربیتی در آن دیده می‌شد. دفاع مقدس باعث شد که این مشکلات رو به کاهش بگذارند، اما پس از آن دوران، با شتاب‌گیری توسعهٔ جهانی، مشکلات دوباره رو به فزونی رفته‌اند. مطلع شدیم که ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان ایلام پست جدیدی را تحت عنوان «کارشناس، جوانان» در نظر گرفته است تا با مشاوره با کارشناسان جوان بتواند با شناخت بیشتر این نسل، دغدغه‌های آنان را پاسخ گوید. برای آگاهی از چند و چون و کم و کیف این پست سازمانی به این ادارهٔ کل رفتیم و با علی بازدار، کارشناس جوانان ادارهٔ مذکور به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را ملاحظه می‌کنید.



مشکلی که ما الان در استان ایلام و شاید در بسیاری جاهای دیگر هم داریم، این است که والدین نمی‌توانند آن طوری که باید با بچه‌هایشان ارتباط برقرار کنند و در کنار آن‌ها باشند. والدین سنگ‌صبور بچه‌ها نیستند. به نظر من مشکل اصلی، عدم ارتباط مناسب و دوسویه بین والدین و فرزندان است. در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان داشتیم، می‌گفتند با والدین راحت نیستند. در واقع والدین فضایی را به‌وجود نیاورده‌اند که بچه‌ها با آن‌ها راحت ارتباط برقرار کنند

## ○ تاکنون درباره نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی

دانش‌آموزان در استان ایلام چه بررسی‌هایی شده است؟

● خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان دارد و این امری کاملاً روشن و بدیهی است. اما بحث این که این نقش به چه اندازه و به چه نحو است. اگر کم‌رنگ یا پررنگ شده، چه چیزی جای‌گزين این ایفای نقش خانواده شده است و چرا. به نظر من در حال حاضر این بحث خیلی مهم است. گروه دوستان و یک‌سلسله از فناوری‌ها و رسانه‌های جمعی به نوعی نقش خانواده را بازی می‌کنند و ایفای نقش را از خانواده گرفته‌اند. در استان ایلام، حرف‌شنوی و الگوگیری جوان و دانش‌آموزان از دوستان و رسانه‌های جمعی بیشتر است تا خانواده! و این به معضلی تبدیل شده است. خانواده‌ها نمی‌توانند بچه‌هایشان را کنترل و هدایت کنند و بچه‌ها حرف‌شنوی ندارند.

## ○ آیا این شرایط را ناشی از اقتضای سنی جوانان نمی‌دانید؟

● بخشی از آن اقتضای سنی است، اما چه قدر؟ اوایل بلوغ شاید بگویم اقتضای سنی است، اما تا کجا؟ آن‌ها براساس چیزهایی که در ذهنشان دارند، می‌پوشند، می‌گردند و انتظارشان شکل می‌گیرد و در وجودشان نهادینه می‌شود. و وقتی آن‌ها را مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم کمتر سختی با ارزش‌ها و آن چیزهایی که از نظر والدین و خانواده‌ها هنجار و ارزش محسوب می‌شود، دارا هستند اما بی‌تردید شرایط جدید فرهنگ جهانی و تهاجم فرهنگ‌های وارداتی نقش مؤثری دارند.

## ○ نقش آموزش و پرورش در این وضعیت چیست؟

● مشکلی که ما الان در استان ایلام و شاید جاهای دیگر هم داریم، این است که والدین نمی‌توانند آن‌طور که باید با بچه‌هایشان ارتباط برقرار کنند و در کنار آن‌ها باشند. والدین سنگ‌سبور بچه‌ها نیستند. به نظر من مشکل اصلی، عدم ارتباط مناسب و دوسویه بین والدین و فرزندان است. در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان داشتیم، می‌گفتند با والدین راحت نیستند. در واقع والدین فضایی را به‌وجود نیاورده‌اند که بچه‌ها با آن‌ها راحت ارتباط برقرار کنند. این مشکل در جامعه ایلام ما هم هست. حالا نقش آموزش و پرورش، تا چه حد است، جای بحث دارد. معضل فقدان ارتباط بین والدین و دانش‌آموزان جدی است. به نظر من آموزش و پرورش در این زمینه ضعیف عمل کرده و آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان و والدین نداده است البته کم‌لطفی از خانواده‌ها هم بوده است ما امیدواریم

نهادهای فرهنگی آموزش خانواده را در استان در اولویت قرار داده و ما را یاری رسانند.

## ○ نقش والدین (خانواده) در انتقال فرهنگ در جامعه ایلام

چگونه و چه اندازه است؟

● اگر بگویم ضعیف است، اشتباه نکرده‌ام. هر چند که خانواده نقش اساسی را در انتقال فرهنگ جامعه به فرزندان دارد، اما ما در این کار موفق نبوده‌ایم. لذا می‌بینیم که تعامل موفقی بین فرزند و والدین وجود ندارد. در ایلام ما، بسیاری از بچه‌ها آن مقدار زمانی را که با رایانه می‌گذرانند با پدر و مادر نمی‌گذرانند. حتی دور یک سفره نمی‌نشینند که شاید در آن حال و هوا گفت‌وگویی با هم داشته باشند و تبادل نظری کنند.

## ○ می‌فرمایید خانواده‌ها در استان ایلام اهمیت خاصی برای

استفاده فرزندان‌شان از فناوری قائل هستند؟

● به نظر من اهمیت می‌دهند، ولی این اجازه و آزادی استفاده از امکانات را باید کنترل و نظارت کنند که متأسفانه این‌طور نیست.

## ○ منظور شما از کنترل چیست؟

● یعنی در کنار فرزندان باشند. ما به زبان ساده می‌گوییم اینترنت می‌تواند نقش کارد آشپزخانه را داشته باشد؛ هم میوه پوست می‌کند هم آدمی را از پای درمی‌آورد. خانواده باید در کنار فرزند باشد و آموزش‌های لازم را به او بدهد. تا وقتی در فضای مجازی قرار می‌گیرد، از آن استفاده مطلوب داشته باشد.

## ○ شما این ظرفیت را خصوصاً در خانواده‌های ایلامی

می‌بینید؟

● یکی از دلایلی که گفتم فرهنگ استفاده درست از اینترنت ضعیف است، ناآگاهی والدین است. وقتی پای‌بند به مسائل مذهبی و اعتقادی و عرف جامعه باشیم و از این امکانات استفاده کنیم، هیچ مشکلی بروز نمی‌کند. چون به نظر من در این صورت در خانواده ارتباط خوب بین والدین و فرزندان وجود دارد.

## ○ تعریف شما که کارشناس امور جوانان اداره کل آموزش

و پرورش استان ایلام هستید، از جوان و نوجوان در استان

چیست؟

● بنده شش‌هفت ماه است که این عنوان را دارم و هیچ برنامه مشخصی هنوز نداریم. شاید به خاطر اتفاق‌های بسیاری که افتاد این پست را ایجاد کردند. در واقع می‌شود گفت هنوز برنامه خاصی نداریم.



اهداف و وظایفی که برای ما تعریف کرده‌اند، به تصمیم‌گیری در اداره کل کمک می‌کند؛ مخصوصاً در تصمیمات شورای معاونین که مشاور جوان هم باید حضور داشته باشد.

### ○ تعریف و نظر شما در مورد جوان چیست؟

● جوان ایلامی جوانی است که از بعضی چیزها رنج می‌برد؛ از بی‌کاری و از نبود سرمایه اجتماعی که در جامعه بیداد می‌کند. آن طوری که باید سرمایه اجتماعی و این اعتماد جا نیفتاده و روی آن کار نشده است. جوان ایلامی از محدودیت‌های دست‌وپاگیر برخی رسوم اجتماعی شکایت دارد، در عین این که بسیار با استعداد و با انرژی است.

### ○ نظر تان در مورد تأثیر خانواده بر دانش‌آموزان چیست؟

● مطمئناً تأثیر دارد. اعتقاد دارم که مهم‌ترین شرط برای ادامه تحصیل و مطالعه آرامش ذهنی و روحی است و یکی از مسائلی که در ایجاد این آرامش در فرزندان نقش اساسی دارد، استطاعت مالی خانواده است که باید او را پشتیبانی کنند تا در این مورد دغدغه نداشته باشد.

### ○ خواسته‌های جوانان ایلام چیست و آیا شما به عنوان مشاور و کارشناس جوانان خواسته‌های آن‌ها را به مسئولین انتقال می‌دهید؟

● خواسته‌های جوانان ایلامی برمی‌گردد به معلمان و فضاهای آموزشی. ما بیشتر این خواسته‌ها را به بخش‌های مربوطه منتقل کرده‌ایم که در بعضی موارد با اقبال خوبی مواجه شده‌ایم و بعضی موضوعات را هم اصلاً قبول نکرده‌اند.

### ○ نظر شما در مورد دانش‌آموز، خانواده، آموزش و پرورش و دفاع مقدس در استان ایلام چیست؟

● در این مورد انتظاری که می‌رود، تأثیرگذاری است که بیشترین تأثیر را در خانواده و آموزش و پرورش باید دید. دفاع مقدس بخشی از فرهنگ جامعه ماست و فرهنگ از طریق خانواده و آموزش و پرورش به نسل جوان ما منتقل می‌شود. من احساس می‌کنم در این امر مهم آموزش و پرورش کم کار بوده و چندان موفق نبوده است، اما خانواده‌ها نسبت به آموزش و پرورش بهتر و راضی‌کننده‌تر عمل کرده‌اند.

### ○ دغدغه‌های شما در امر آموزش و پرورش چیست؟

● در نحوه ارزش‌یابی معلمان باید تجدیدنظری شود. چون بنده به‌عنوان یک معلم جوان، به‌دلیل نداشتن سابقه، هر قدر هم کار خوب انجام دهم، به چشم نمی‌آید. چون جوانم و سنوات خدمتی‌ام پایین است، هیچ جایی در این امر ندارم. این نوع نگاه باعث می‌شود که انگیزه‌ها در جوانان از بین برود. به نظر من، بیشترین شاخصه‌ای که

باید به عنوان امتیاز مورد توجه قرار بگیرد، تغییر و تحول یا انقلابی است که یک معلم نمونه در کلاس درس ایجاد می‌کند. این‌ها ربطی به ۱۰ سال بیتوته کردن در منطقه محروم ندارد. کار شاخص امتیاز دارد، در حالی که با بیتوته کردن در منطقه‌ای محروم، من ممکن است فوق‌لیسانس هم داشته باشم و جانباز هم باشم، ولی کار معلمی‌ام را آن طور که باید انجام ندهم.

دغدغه دیگر تأمین معیشت است که مشکل معلمان ما در همه کشور به شمار می‌رود. این موضوع در همه کشورها هم اهمیت دارد. در کشوری مثل فرانسه، وقتی رییس‌جمهور سابق آقای ژاک شیراک با نمایندگان مجلس چالش پیدا می‌کند، معلم بودن خودش را به رخ می‌کشد و به آن‌ها می‌گوید فکر نکنید که من مثل شماها از «سوربن» فرانسه فارغ‌التحصیل شده‌ام (هرچند این دانشگاه خیلی معتبر است). او افتخار می‌کند من یک معلم هستم، چرا که جایگاه معلمی در جامعه حفظ شده است. حداقل از لحاظ معیشتی و اقتصادی در معلمان اعتماد به نفس وجود دارد حفظ شأن و منزلت اجتماعی آن‌ها حفظ شده است. این یک مسئله و عامل است و از عامل‌های مهم و تعیین‌کننده هم می‌باشد.

وقتی به کلاس می‌روم و از دانش‌آموزان می‌پرسم دوست دارید در آینده چه شغلی داشته باشید، از ۱۰ دانش‌آموز، ۹ نفر می‌گویند مهندس و دکتر. می‌پرسم چرا معلمی نه، می‌گویند معلم وضعیت خوب نیست. وقتی به آن‌ها می‌گویم معلمی شغل انبیاست و کار انبیا هدایت و ساختن انسان‌هاست تا انسان تکامل پیدا کند، به خدا برسد و مقرب درگاه شود، جذابیتی برای آن‌ها ندارد. معلم با مشکلات مالی و شکم گرسنه نمی‌تواند به اهدافی که برایش تعیین کرده‌ایم برسد.

### ○ برای کم شدن دغدغه‌های دانش‌آموزان دختر و پسر در استان ایلام فکر می‌کنید آموزش و پرورش چه باید انجام دهد؟

● مدیر کارشناس استانی باید برود در دل مدارس من می‌گویم آموزش و پرورش بیشتر اداره است. در حالی که باید برود در لایه‌های زیرپوستی آموزش و تربیت جاری در کلاس‌ها و مدارس. امروزه متأسفانه، بین معلم و دانش‌آموز، بین معلم و مدیر، و بین مدیر و اداره فاصله افتاده است که این فاصله باید کم شود. باید بنشینند، با بچه‌ها حرف بزنند و دغدغه‌هایشان را از نزدیک ببینند؛ بدون هیچ ترس و واهمه‌ای. بین اولیا و دانش‌آموزان هم ارتباط صادقانه‌ای وجود ندارد. بین اولیا و مدرسه، و بین معلمان و مدیران باید فاصله کم شود و ارتباط بهتری برقرار شود.

# پژوهش در عمل

## راه‌های تقویت احترام به قوانین با مشارکت دانش‌آموزان

بهروز انصاری  
دبیر مدرسه نمونه شهید فهمیده اراک

### چکیده

پس از چند هفته تدریس، رفتار نامناسب و عدم رعایت قوانین توسط بعضی از دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزی به نام محمد-آ را مشاهده کردم؛ مواردی از قبیل تأخیر در ورود به کلاس، بی‌نظمی در کلاس و در حیاط مدرسه، انجام ندادن تکالیف، درگیری با دانش‌آموزان، و... موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم و اطلاعاتی در این زمینه از معاون، نماینده کلاس، دبیران و معلم پرورشی جمع‌آوری کردم. سپس فرم شماره ۱ را تهیه کردم و بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات آن و با استفاده از نظرات همکاران و اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه، تصمیم گرفتم که این مشکل را که تقریباً در اکثر مدارس دیده می‌شود، به نحوی مطلوب و بدون اعمال زور و به روش مشارکتی و با تنظیم یک قانون مکتوب (به‌نام منشور اخلاقی و انضباطی) توسط خود دانش‌آموزان کاهش دهم. راه‌حل را به اجرا درآوردم و در نهایت پس از شش ماه، بی‌نظمی و عدم رعایت قوانین و مقررات به‌طور چشم‌گیری تقلیل یافت. به‌طوری که در جلسه دبیران، اکثر همکاران و معاونت آموزشگاه متقاضی اجرای طرح در سایر کلاس‌ها شدند و از دانش‌آموزان کلاس من رضایت کامل داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** انضباط، مشارکت، منشور اخلاقی

#### مقدمه

امام علی (ع) هنگامی که در بستر شهادت آرمیده بود، در یکی از حساس‌ترین توصیه‌های خود به فرزندانش، بر «نظم و انضباط» با جمله بسیار کوتاهی چنین تأکید کرد: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». یعنی هر مسلمانی باید در جمیع شئون زندگی خود نظم و انضباط، و مقررات را رعایت کند.

رعایت مقررات در محیط خانواده، مدرسه یا اجتماع را انضباط می‌گویند. کودکی که به گفتار پدر و مادر عمل می‌کند، شاگردی که به قوانین آموزشگاه توجه دارد، و انسانی که قوانین اجتماعی را رعایت می‌کند، افرادی منظم خواهند بود. شاید برخی تصور کنند که اصول انضباطی با آزادی انسان سازگار نیست، ولی چنین نیست. انضباط به خاطر محدود یا کم کردن آزادی دانش‌آموز نیست، بلکه بیشتر برای آن است که بیاموزد از آزادی خود چگونه و بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران استفاده کند. معلم باید بداند که سازگاری و توافق یا همدلی، نه به معنای سرگرم کردن دانش‌آموزان است و نه به معنای دوست بودن با آن‌ها. به‌رغم حرف‌هایی که دانش‌آموزان بر زبان می‌آورند، آن‌ها به معلمی احتیاج دارند که به ایشان احترام بگذارد؛ نه کسی که در کلاس با آن‌ها مزاح کند. به بیان دیگر، همدلی با دانش‌آموزان و درک آن‌ها به معنای ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری در کلاس است. وظیفه اصلی معلم استقرار و ایجاد چنین موقعیتی برای یادگیری است.

چند هفته اول سال تحصیلی در ایجاد جو مورد انتظار معلم در کلاس، اهمیت خاصی دارد. طی این مدت معلم باید تمامی مشکلات انضباطی را قبل از این که به صورت عادت درآیند، از بین ببرد.



ردیف	نام و نام خانوادگی دانش آموز	موارد بی انضباطی	گزارش توسط
۱	رضا- ط	تأخیر ورود به کلاس- بی انضباطی در کلاس	نماینده کلاس و معاون
۲	حسین- ن	درگیری با یکی از دانش آموزان- تأخیر در ورود به کلاس	نماینده کلاس
۳	مجید- ن	درگیری با نماینده کلاس	نماینده کلاس
۴	محمد- پ	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
۵	احسان- ا	تأخیر در ورود به کلاس- بی انضباطی در صف	معاون
۶	علی- ا	اجازه گرفتن بی مورد و خروج از کلاس	مشاهده خودم
۷	حسن- ش	درگیری با دانش آموز	سرگروه
۸	محمد- ر	بی نظمی در حیاط مدرسه	معاون
۹	محمد- آ	انجام ندادن تکالیف- بی انضباطی در کلاس و درگیری با یکی از دانش آموزان	سرگروه و نماینده کلاس
۱۰	علی- ح	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
۱۱	محمد- ص	غیبت روزانه	معاون
۱۲	احسان- ی	درگیری با یکی از دانش آموزان	نماینده کلاس
۱۳	مسعود- ا	اخراج از کلاس	نماینده کلاس و معاون
۱۴	محمدرضا- ع	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
۱۵	حسین- ت	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
	جمع کل دانش آموزان کلاس: ۳۵ نفر	موارد عدم رعایت قوانین و مقررات: ۲۰ مورد	حدود ۵۷ درصد

جدول ۱. دانش آموزان بی انضباط و موارد بی انضباطی آن‌ها

### بیان مسئله و نحوه برخورد با آن

بعد از چند هفته تدریس تعلیمات اجتماعی در کلاس دوم مدرسه راهنمایی که تعداد دانش آموزان آن ۳۵ نفر بود، متوجه شدم که بعضی از دانش آموزان با تأخیر به کلاس می آیند. هم چنین بعضی به عناوین متفاوت اجازه خروج از کلاس را دارند. تعدادی هم از مزاحمت به بغل دستی‌های خود ابراز شکایت می کردند. به مرور متوجه شدم بعضی از آن‌هایی که اجازه می گیرند و برای آب خوردن و غیره بیرون می روند، برای دانش آموزان دیگر در حیاط مدرسه مزاحمت ایجاد می کنند یا به در و دیوار آسیب وارد می کنند یا دیر به کلاس برمی گردند. بعضی دانش آموزان هم در انجام تکالیف کوتاهی می کنند (خصوصاً دانش آموزی به نام محمد- آ).

این مسائل برای من اهمیت بسزایی داشتند، زیرا نبودن نظم و انضباط در کلاس و مدرسه، علاوه بر آشفتگی روحی برای معلمان و سایر دانش آموزان، باعث می شود که دانش آموزان نتوانند حواسشان را برای آموختن کاملاً جمع کنند. همین‌طور نبود نظم در مدرسه باعث می شود که فضای نامطلوبی از مدرسه، درس و یادگیری در ذهن بچه‌ها به وجود آید و شاید این خود عاملی برای بی علاقه‌گی و دلزدگی آن‌ها نسبت به مدرسه شود. دانش آموزان اگر یاد نگیرند که زباله‌ها را داخل سطل آشغال بریزند یا قوانین مدرسه را رعایت نکنند، مسلماً در آینده فرد مفیدی در جامعه نخواهد بود. حتی اگر بخواهند از خیابان عبور کنند، نظم و مقررات را نمی‌توانند به نحو احسن رعایت کنند.

به این فکر افتادم که کاری کنم تا دانش آموزان خود میل و رغبت داشته باشند نظم را رعایت کنند. بدون اهرم زور یا تنبیه، دانش آموزان به‌طور خودخواسته نظم و مقررات را رعایت کنند تا این مشکل که تقریباً در اکثر مدارس وجود دارد، به نحوی مطلوب حل شود. باید می فهمیدم:

۱. آیا با استفاده از روش مشارکتی می‌توان نظم‌پذیری و رعایت قوانین توسط دانش آموزان را تقویت کرد؟
۲. آیا دانش آموزان به قوانین اخلاقی که خود تنظیم می‌کنند پای‌بند هستند؟

### گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

پس از هماهنگی با معاون آموزشگاه، معلم پرورشی و نماینده معلمان، فرمی را تهیه کردم (فرم شماره ۱ پیوست) که ابتدای سال باید توسط دانش آموزان و اولیا مطالعه و تکمیل می‌شد. بعد از مدت دو ماه اطلاعاتی از آن به شرح جدول ۱ استخراج کردم. جای جدول

البته بعضی دانش آموزان دو مورد تخلف داشتند. ضمناً با هر مورد تشویق، دو مورد از بی‌انضباطی آن‌ها حذف می‌شد. از محاسن دیگر این فرم آشنایی اولیا و دانش آموزان با آئین‌نامه انضباطی و آسان‌تر شدن کار معاون آموزشگاه در ثبت موارد اخلاقی و تربیتی دانش آموزان بود.

## انتخاب راه حل جدید

پس از بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده، سعی کردم برای رفع مشکل موجود راه‌حلی پیدا کنم. بدین منظور از معاون مدرسه کمک خواستم و ایشان روش تنبیه و تشویق و ارتباط با اولیا را پیشنهاد کردند. با معلم راهنما (مشاور) مشورت کردم که ایشان گفتند این دانش‌آموزان را معرفی کن تا با آن‌ها صحبت کنم. موضوع را در شورای دبیران مطرح کردم و هر کدام از دبیران نظرات متفاوتی ارائه کردند. با بعضی خانواده‌ها که بچه‌های منضبطی داشتند، تلفنی و حضوری صحبت کردم که اغلب ایشان داشتن برنامه و آموزش غیرمستقیم را از عوامل موفقیت خود می‌دانستند. با مدیریت آموزشگاه مشورت کردم و ایشان فرمودند هر کاری از دست من برآید حاضرم انجام دهم. حتی اگر صلاح می‌دانید، با هدایایی دانش‌آموزان منظم را تشویق کنیم تا برای دیگران انگیزه ایجاد شود و آن‌ها هم به قوانین و مقررات احترام بگذارند. راه‌حل ابتکاری خودم این بود که کاری کنم تا دانش‌آموزان برای تغییر نگرش خود میل و رغبت پیدا کنند و خود خواسته و بدون نظارت و کنترل، موارد انضباطی و قوانین و مقررات آموزشگاه را رعایت کنند. یعنی رعایت مقررات به ارزشی مستمر و پایدار تبدیل شود (ساختن شهروندی ایده‌آل و تابع قوانین و مقررات)؛ بدون آن که بدین منظور نه فشار و زور که موقتی است بر افراد حاکم شود و نه از تشویق استفاده شود که ممکن است به مرور ارزش خود را از دست بدهد.

## راه حل اصلی

راه‌حل بدین صورت بود که فرمی (فرم شماره ۲) تهیه کردم که از دو قسمت تشکیل شده بود. عنوان قسمت سمت راست «حقوق من» و عنوان قسمت سمت چپ «وظایف و مسئولیت‌ها در برابر آن

حق» بود. فرم‌ها را به تعداد دانش‌آموزان کلاس تکثیر کردم و در اختیار آن‌ها گذاشتم. از آن‌ها خواستم حقوق خود را نسبت به معلم، مدیر، معاون، آموزشگاه و... در سمت راست بنویسند و در برابر آن در سمت چپ، وظایف خود را در برابر هر حق یادداشت کنند. بعد از ۲۰ دقیقه فرم‌ها کامل شدند و آن‌ها را گروه‌بندی کردم. کوشیدم دانش‌آموزان بی‌نظم را در یک گروه قرار ندهم. گفتم اعضای گروه‌ها کنار هم بنشینند. یک فرم سفید تحویل سرگروه دادم و از اعضای گروه‌ها خواستم با اتفاق نظر خودشان مواردی را که لازم می‌دانند، داخل فرم اصلی بنویسند. سعی کنند موارد تکراری نباشد و از نظر تعداد هم محدودیت ندارند.

حدود نیم ساعت طول کشید و هر گروه فرم‌های خود را تحویل من دادند. از دانش‌آموز، محمد-آ که مشکل انضباطی و رفتاری داشت، خواستم پای تخته کلاس بیاید و موارد مربوط به گروه را یکی از دانش‌آموزان قرائت کرد و او روی تابلو نوشت. از کل دانش‌آموزان نظرخواهی کردیم. اگر در موردی به توضیح نیاز بود، نماینده هر گروه توضیح می‌داد تا دیگران متقاعد شوند. هر موردی اکثریت به آن رأی می‌داد، به صورت یک قانون تصویب و ثبت می‌شد (فرم شماره ۳). اگر هم مخالفت می‌کردند، می‌باید دلایل خود را می‌گفتند.

در نهایت موارد تصویری و مورد توافق پس از امضای همه دانش‌آموزان کلاس، تایپ و در گوشه کلاس نصب شد. تذکر دادم که این قوانین را خود تصویب کرده‌اید و امیدوارم به آن پای‌بند باشید و آن‌ها را به کار ببندید. اکثریت دانش‌آموزان احساس رضایت می‌کردند.

## حقوق کودک

### منشور اخلاقی و انضباطی کلاس دوم شهید هاشمی نژاد

حقوق من:	مسئولیت‌های من:
۱. اگر گاهی اوقات دیر به مدرسه رسیدم، معلم زیاد سخت‌گیری نکند.	۱. سعی می‌کنم به موقع به مدرسه برسم
۲. من حق دارم در بحث‌های گروهی شرکت و از معلم خود انتقاد کنم.	۲. انتقاد باید به‌جا و سازنده و در ارتباط با درس باشد. من در گروه باید فعال باشم.
۳. معلم بین من و دیگر دانش‌آموزان تبعیض قائل نشود.	۳. سعی می‌کنم مانند دانش‌آموزان خوب، قوانین را رعایت کنم.
۴. اگر مشکل خاصی برایم پیش آمد، یا هوا سرد بود، حق دارم زنگ تفریح در کلاس بمانم.	۴. وقتی در کلاس می‌مانم: بی‌نظمی نکنم و به وسایل دیگران دست نزنم.
۵. در مسائل انضباطی یا کسب نمره کم، در جمع سرزنش نشوم	۵. سعی می‌کنم کمبود نمره‌ام را جبران کنم و مشکل انضباطی را رفع کنم.
۶. حجم تکالیف در یک روز زیاد نباشد و همه معلم‌ها در یک روز ارزش‌یابی نکنند	۶. تکالیف را کامل انجام دهم و نمرات خوبی کسب کنم.
۷. فقط در مواقع ضروری از کلاس خارج شوم.	۷. وقتی از کلاس خارج می‌شوم، سوءاستفاده نکنم و برای سایر کلاس‌ها مزاحمت به‌وجود نیآورم.
۸. در صورت عدم حضور معلم در کلاس، از امکانات ورزشی، کتاب‌خانه و... استفاده کنم.	۸. باعث بی‌نظمی نشوم، به وسایل آسیب نرسانم، و با مدیر و ناظم همکاری کنم.
۹. اگر نمرات مستمر من رو به رشد باشد، معلم نمرات ضعیف مرا در نظر نگیرد.	۹. نمرات بهتری کسب کنم و به تحقیق و پژوهش و فعالیت خارج از کلاس بپردازم.

## اجرای طرح جدید نظارت بر آن

از راه‌حل‌هایی که به دست آوردم، بعضی‌ها هزینه بر بودند، اجرای بعضی مشکل بود، بعضی اثربخشی چندانی نداشتند، و بعضی راه‌حل‌ها هم دانش‌آموزان خاصی را مخاطب قرار می‌دادند. تصمیم گرفتم از تجربیات همکاران و اولیا استفاده کنم و راه‌حل ابتکاری خودم را با تلفیقی از سایر راه‌حل‌ها به اجر در آورم. ابتدا اهمیت موضوع را برای دانش‌آموزان به صورت شفاهی توضیح دادم

برای برقراری نظم در مدرسه می‌کوشید و حتی دیگران را به اجرای نظم دعوت می‌کرد.

پس از گذشت پنج ماه از اجرای طرح اصلی، اطلاعات جدول ۲ جمع‌آوری شد که با شواهد دوره اول متفاوت بود. دانش‌آموز مورد نظر (محمد-آ) نیز بسیار متعادل تر شده بود. جای جدول به این ترتیب، موارد بی‌انضباطی بسیار تقلیل یافت. اکنون معاون آموزشگاه اظهار رضایت می‌کرد و دانش‌آموزان کلاس دوم

ردیف	نام و نام‌خانوادگی دانش‌آموز	موارد انضباطی	گزارش توسط
۱	رضا-ط	بی‌انضباطی در کلاس	نماینده کلاس
۲	حسین-ن	تأخیر در ورود به کلاس	معاون آموزشگاه
۳	محمد-آ	بی‌انضباطی در کلاس	نماینده کلاس
۴	محمدرضا-ع	انجام ندادن تکالیف	مشاهده خودم
۵	محمد-ص	تأخیر در ورود به کلاس	مشاهده خودم
۶	مسعود-د	بی‌انضباطی در صف	معاون
۷	حسن-ش	انجام ندادن تکالیف	سرگروه
	جمع کل دانش‌آموزان کلاس: ۳۵ نفر	موارد عدم رعایت قوانین و مقررات: ۷ مورد	حدود ۲۰ درصد

و گفتم من نمی‌خواهم به صورت تئوری نظم را در درس اجتماعی حفظ کنند، بلکه دوست دارم عملاً نظم و مقررات را انجام دهند و به آن پای‌بند باشند. ضمناً رعایت نظم فقط در مدرسه نباشد، بلکه در خانه و جامعه نیز آن را رعایت کنند (البته برای اطلاع از عملکرد دانش‌آموز در خارج از مدرسه، فرمی تهیه کردم که قرار شد خانواده آن‌را تأیید کنند و نمونه‌ای از آن به پیوست همین پژوهش است). سرانجام راه‌حل را اجرا کردم، البته کمی صبر و حوصله لازم داشت. حدود دو هفته بعد دانش‌آموزان خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی می‌دانستند و حتی مانع قانون‌شکنی سایرین می‌شدند. اگر دانش‌آموزی ناخودآگاه موردی را فراموش می‌کرد، بقیه با اشاره به قانون‌نامه نصب شده در کلاس، مورد را به او یادآوری می‌کردند. از نظر درسی هم کلاس رشد چشم‌گیری داشت و علاقه نسبت به درس من بسیار زیاد شده بود. از آزادی که به آن‌ها داده شده بود ابراز رضایت می‌کردند، در صورتی که خیلی از موارد انضباطی را رعایت می‌کردند (کنترل غیرمستقیم توسط خودشان صورت می‌گرفت).

شهید هاشمی‌نژاد سر صف صبحگاهی تشویق می‌شدند. حتی به دانش‌آموزان مورد نظر (محمد-آ) هدیه‌ای داده شد. وی به‌طور بسیار چشم‌گیری تغییر یافته بود. روز معلم پدرش با حضور در آموزشگاه از من تشکر کرد. در شورای دبیران، معاون آموزشگاه در موارد اجرای طرح من و نتایج مثبت آن توضیحاتی داد. سایر دبیران چون تأثیر را تا حدودی درک کرده بودند، درخواست کردند در سال آینده در تمام پایه‌های تحصیلی آموزشگاه طرح اجرا شود و قول همکاری دادند. در بررسی فرم‌های مخصوص ارتباط با خانواده دریافتیم که اکثر آن‌ها از داشتن برنامه منظم فرزندشان خشنودند.

### نتیجه‌گیری

هدف اساسی تربیت دانش‌آموز این است که اصول انضباطی در او تثبیت شود و فردی منظم گردد. در این روش، انضباط به معنای اطاعت محض و فرمان‌برداری نیست. به‌جای فرمان دادن و گفتم بکن و نکن، سعی می‌شود با حفظ شخصیت کودک به او تفهیم شود که زندگی بهتر در رعایت اصول انضباطی است. هرچه با نظم و مقررات آشنایی بیشتری داشته باشد، لذت و بهره کامل‌تری از زندگی خواهد برد. بدیهی است که میان عمل به قوانینی که خود دانش‌آموز به دست خود وضع کند یا در وضع آن‌ها شرکت داشته باشد، با مقرراتی که دیگران برایش وضع کرده‌اند، اختلاف آشکاری وجود دارد. روی این اصل اگر بخواهیم دانش‌آموز با اولین اشاره، هم‌چون ابزاری در چنگ قدرت ما اسیر باشد، باید با او از راه اعمال قدرت و زور رفتار کنیم. ولی اگر بخواهیم او شخصیتی دارای فکر مستقل و با ابتکار شود و زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشد، باید به او اجازه دهیم که به اصول انضباطی براساس فکر خودش برسد.

### گردآوری اطلاعات (شواهد)

رفتار و نوع عملکرد آن‌ها را کاملاً زیر نظر داشتیم و می‌دیدم که رفتار و حرکات آن‌ها معتدل تر شده است. کمتر با دانش‌آموزان دیگر درگیر می‌شوند، کمتر سر و صدا می‌کنند، و در اجرای نظم در کلاس فوق‌العاده حساس هستند. برعکس قبل که با سر و صدای بچه‌های به طرف کلاس می‌رفتم، اکنون فقط صدای زمزمه آن‌ها شنیده می‌شد. سر صف بسیار مرتب می‌ایستادند و بیشتر از سایر کلاس‌ها به دستورات مدیر، من و معلمان توجه داشتند. دانش‌آموزی که تا دیروز خود عامل بی‌نظمی بود، حالا

با اجرای این پژوهش توانستم به‌طور غیرمستقیم مشکلات انضباطی (رفتارهای نامطلوب) دانش‌آموزان را به حداقل برسانم و جوی مناسب برای یادگیری مؤثری به‌وجود آورم. مسلماً کودکی که به قوانین آموزشگاه احترام بگذارد، در آینده شهروندی ایده‌آل و جامعه‌پذیری خواهد شد که نتیجه آن بر همهٔ امور اجتماعی و انسانی تأثیر گذار خواهد بود.

## پیشنهادها

۱. یادگیری و رشد خود به خود اتفاق نمی‌افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلائی ممکن پاسخ داده شود.

۲. به هر طریق که ممکن است سعی کنید در ذهن دانش‌آموزانتان نگرش مثبتی نسبت به درس خود به‌وجود آورید، زیرا علل بسیاری از رفتارهای نامناسب، نگرش منفی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس است.

۳. سوء رفتار ممکن است ارتباطی به مسائل داخل کلاس نداشته باشد. موقعیت اجتماعی و اقتصادی، رشد و سلامت بدنی، توانایی روحی، مسائل خانه، شرایط جامعه و دیگر شرایط دانش‌آموز همه می‌توانند بر رفتار کلاسی آن‌ها اثر بگذارند. بنابراین، شناسایی، صحبت و مشاورهٔ خصوصی با دانش‌آموز بی‌انضباط ممکن است در پی بردن به مشکل او و بهبود رفتارش در کلاس کمک کند.

۴. همکاران محترم باید توجه داشته باشند که مقررات انضباطی که به منظور زندگی با دیگران، دنیای دانش‌آموز را احاطه کرده‌اند، باید به نظر و تصویب آن‌ها برسند. و دانش‌آموز هم در آن‌ها به هر عنوانی شده دخالت داشته باشد.

۵. پدران، مادران و مربیان باید توجه داشته باشند، گرچه انضباط به معنایی که اشاره شد برای دانش‌آموز ضرورت دارد و جزو اصول اساسی زندگی او به‌شمار می‌آید، ولی هرگاه برای دانش‌آموز طاقت‌فرسا باشد، جای تعجب نخواهد بود اگر کودک از زیر بار آن‌ها شانه خالی کند. چون دانش‌آموز وقتی خود را در حصار قانون دید، برای حفظ شخصیتش چاره‌ای به‌جز دریدن پردهٔ مقررات نخواهد داشت.

۶. سعی کنیم بین خانه و مدرسه ارتباط مستمر وجود داشته باشد، چراکه دانش‌آموزان اگر از جانب خانواده نیز تشویق و ترغیب شوند، خیلی از مقررات و موارد انضباطی را رعایت می‌کنند.

## منابع

۱. فضلی‌خانی، منوچهر. راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس. انتشارات فرهنگی منادی تربیت. تهران. ۱۳۸۱.
۲. حوری‌زاد، بهمن و جبلی، پرچهره. روش‌های نوین یاددهی-یادگیری.
۳. قلی‌قورچیان، نادر. فرایند برنامه‌ریزی تکالیف درسی دانش‌آموزان. انتشارات منادی تربیت. ۱۳۸۱.
۴. مریل، ام دیوید. عمل کردن به‌جای گفتن. ترجمهٔ فرهاد سراجی.
۵. مجلهٔ پیوند، شمارهٔ ۲۹۶، خرداد ۱۳۸۳.
۶. گلاور، جان‌ای. روان‌شناسی تربیتی و اصول آن. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۸۱.
۷. اسماعیل‌نسب، مریم. «شیوه‌های مدیریت کلاس». مجلهٔ رشد معلم. دورهٔ ۲۳.





# جهان‌های ممکن پیش‌اروی نسل‌ها! آینده

# مسئله‌های محور

پای صحبت غلامرضا خیری،  
دبیر بازنشسته آموزش و پرورش ایلام

هر استان با توجه به بافت فرهنگی خود می‌تواند برنامه‌ریزی کند. مطالب آموزشی که در مرکز تبیین می‌شود در تمام اقلیم ایران به یک شکل اجرا می‌شود، درحالی‌که باید تفاوت‌های فرهنگی، مسائل قومی و قبیله‌ای و حتی خانوادگی هر استان در نظر گرفته شود. نظام آموزشی ما خیلی متمرکز است.

○ این موضوع در آموزش و پرورش دانش‌آموزان چه اثری داشته است؟

● همان‌طور که گفتیم، خانواده‌هایی که با مسائل تربیتی آشنایی دارند، مشکلی ندارند. آن‌هایی که کمتر آشنایی دارند یا در خانواده‌هایی والدین بی‌سوادند، مشکل وجود دارد.

○ پس مشکل روی متمرکز بودن یا نبودن آموزش و پرورش نیست، مشکل سطح آگاهی خانواده است.

● چرا موضوع تمرکز هم مؤثر است. در نظام آموزشی متمرکز نقاط کور وجود دارد که همان‌ها مشکل در برنامه‌ریزی ایجاد می‌کنند.

○ به نظر شما در انتقال هنجارها، ارزش‌ها، میراث اجتماعی و فرهنگ، خانواده در ایلام چه نقشی دارد؟

● نقش خانواده بسیار مهم است. شخصیت کودک در خانواده شکل می‌گیرد و در مدرسه تکمیل می‌شود. آموزه‌های فرهنگی دانش‌آموزان ما، نشئت گرفته از خانواده است.

○ منظور تان از نظر ژنتیکی است یا تربیتی و آموزشی؟

● هر دو مؤثرند. مسائل حافظه و آی‌کیو مطرح هستند که خوب نشئت گرفته از ژنتیک‌اند. مسائل محیطی و فرهنگی هم تأثیر می‌گذارند. باید دید نوع فرهنگ خانواده و نقش والدین چیست. اگر بین محیط خانواده و مدرسه دوگانگی به‌وجود بیاید، والدین باید بتوانند برای رفع این دوگانگی راه‌حل پیدا کنند.

## اشاره

خانواده‌ها بی‌تردید در آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. تجربیات کارشناسان و دبیران آموزش و پرورش در این زمینه بسیار راه‌گشاست در فرصتی که به دست آوردیم به سراغ غلامرضا قدم‌خیری، دبیر بازنشسته ایلامی رفتیم او که از عنوان بازنشسته دل‌خوشی نداشت، سرشار از تجربیات شیرین و تلخ آموزشی و پرورشی بود. با او به گفت‌وگو نشستیم و از دغدغه‌های فراوانش گفت و گفت و گفت...

○ در مورد نقش خانواده در انتقال فرهنگ در استان ایلام و مشکلاتی که امروز در نظام آموزشی با آن مواجه هستیم، نظرتان را بفرمایید.

● اولین کانونی که بچه‌ها در آن تربیت می‌شوند، خانواده است که نقش بسیار مهمی در تربیت دانش‌آموزان دارد. کودک در سن سه‌چهار سالگی با هم‌سالانش برخورد می‌کند و بعد با محیط جدیدی به نام مدرسه آشنا می‌شود. خانواده و مدرسه لازم و ملزوم هم هستند. یعنی اگر خانواده کودک را درست تربیت کند، مدرسه هم نقشش را درست ایفا می‌کند.

در استان ایلام، با توجه به بافت فرهنگی که دارد، ممکن است آن‌هایی که فرهنگی و باسواد هستند و در بحث مسائل تربیتی تجربه دارند، در تربیت فرزندان با موفقیت عمل کنند. اما در خانواده‌هایی که به اصطلاح با مسائل تربیتی کمتر آشنایی دارند و در همان بافت فرهنگی خود عمل می‌کنند، ممکن است بین مدرسه و خانواده ناهماهنگی به‌وجود آید و باید هماهنگی را به‌وجود آورد.

یکی دیگر از مشکلاتی که در آموزش و پرورش می‌بینیم بحث تمرکز است. در حال حاضر آموزش و پرورش متمرکز است، درحالی‌که

اول باید معلم به خوبی تربیت شود. معلم آگاه می‌داند چگونه بین کسی که از نظر مالی قوی است با آن که ضعیف است، هماهنگی ایجاد کند. خیلی اوقات موجب می‌شود که به دلیل هماهنگی، این دو با هم رفیق شوند

البته جایگاه آموزش و پرورش اول پرورش است بعد آموزش، اما پرورش زیرساخت‌هایی نیاز دارد. علاوه بر این، معلم وقتی به کلاس می‌رود با شخصیت‌ها و استعداد‌های متفاوتی روبرو می‌شود و باید خودش را با همه این‌ها هماهنگ کند. خوب این کار خیلی سخت است. هماهنگی با سی‌چهل دانش‌آموز کار راحتی نیست. یکی با استعداد است یکی بی‌استعداد، یکی در خانواده مرفه تربیت شده است و دیگری در خانواده‌ای ضعیف. به این ترتیب، دوگانگی‌هایی به وجود می‌آید که ممکن است روی شخص ضعیف تأثیر منفی بگذارد. معلم باید طوری آموزش ببیند که بتواند بین دانش‌آموزان در کلاس و در سطح خانواده هماهنگی به وجود آورد.

با توجه به تجربه خود در امر آموزش می‌دانید که در کلاس و مدرسه، دانش‌آموزانی از هر تیپ فکری، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی حضور دارند و به قول معروف آموزش پنهان و تربیت پنهان هم در مدارس نقش گذارند از طرفی همه آن تیپ‌های یادشده هم به آموزش و پرورش نیازمندند. همه خانواده‌ها توقع آموزش و پرورش خوب و مناسب را دارند. در این جا نقش آموزش و پرورش چیست؟ خصوصاً در استان ایلام؟

نقش معلم در این زمینه بسیار مؤثر است. در کنار آن، پشتیبانی مسئولان و برنامه‌ریزی از طرف افرادی که در مسائل تربیتی خبره‌اند، بحث آموزش معلمان، توان و آگاهی معلمان در مسائل روان‌شناسی و مسائل تعلیم و تربیت دینی خیلی اهمیت دارد. در واقع اول باید معلم به خوبی تربیت شود. معلم آگاه می‌داند چگونه بین کسی که از نظر مالی قوی است با آن که ضعیف است، هماهنگی ایجاد کند. خیلی اوقات موجب می‌شود که به دلیل هماهنگی، این دو با هم رفیق شوند.

در دوره‌ای که بازنشسته نبودید و فعالیت آموزشی داشتید، جامعه ایلام را در این رابطه چگونه دیدید؟

من نقش اولیا را کم‌رنگ دیدم. مسائل زیادی هم وجود داشتند که تأثیرگذار بودند.

ممکن است چند نمونه از این مسائل را بفرمایید تا بیشتر آشنا شویم؟

مصادق‌هایش، مشغله کاری و نوع شغل والدین، تعداد زیاد فرزندان، مسائل اقتصادی و مسئله اعتماد خانواده به مدرسه بود.

خانواده‌ها به مدرسه اعتماد دارند یا ندارند؟

اعتماد دارند که می‌گویند بچه ما به محیطی می‌رود که سروکارش با مسائل دینی و مذهبی است و بیشترین آموزش را در آن جا می‌بینند. در حالی که مدرسه نقش کمی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز دارد. من این موضوع را تجربه کرده‌ام. گاهی اولیای دانش‌آموزان ایراد می‌گرفتند که: خوب پس شما معلم چه بودید؟! به فرزندشان می‌گفتند: مگر معلم نداشتید؟ مگر مدرسه نمی‌روید؟ مدرسه برای شما چه کار کرده؟ یعنی انتظار تربیتی زیادی از مدرسه در استان وجود دارد.

به نظر شما این انتظار بدی است؟

ببینید، بعضی جاها این انتظار بجاست، بعضی جاها هم به دلیل وجود رسانه‌ها، ماهواره و مسائلی که خودتان بهتر می‌دانید، اگر خانواده بخواهد خودش را کنار بکشد، ممکن است دانش‌آموز به دام بیفتد. دانش‌آموز چهار تا پنج ساعت با مدرسه سروکار دارد و بقیه لحظه‌های زندگی‌اش در خانواده می‌گذرد. والدین انتظار دارند که همه مسائل حل شود، اما کی حل کند؟! آن‌ها انتظار دارند مدرسه همه مسائل را حل کند.

درواقع این یکی از مزایای کلاس محوری است که در آموزش و پرورش اتفاق می افتد. دانش آموز محوری هم یعنی این که دانش آموزان خودشان کنترل کنند و خود یادگیرنده و خود راهبر باشند و معلم هم به عنوان راهنما عمل کند.

### ○ با توجه به تجاربی که دارید، تأثیر در آمد خانواده را بر تحصیل دانش آموزان در ایلام چه قدر می دانید؟

● خیلی مهم است. من تجربه های تلخ و شیرین در دوران خدمت زیاد داشته ام. گاهی پیش آمده که دانش آموز مداد مناسب نداشته یا دفتر و یا پول کافی برای خرید کتاب نداشته است و ما از بعضی منابع و نهایتاً کمک خود معلمان، برای این ها خرید کرده ایم. خب این دانش آموز نگاه می کند به آن دانش آموزی که سر و وضع مناسبی دارد و هر چه پول از او می خواهند، می دهد. اما این دانش آموز برای هزار تومان بیمه، باید از معلم چهار پنج بار تذکر بشنود و شخصیتش خورد می شود. این جور مشکلات در جامعه ما وجود دارند. نقش اقتصاد خیلی مهم است تا رشد مالی نداشته باشیم، نمی توانیم مسائل فرعی را پیش ببریم تا امکانات نباشد، شما نمی توانید برنامه ریزی کنید

به نظر من باید شیوه آموزش را تغییر داد. چه قدر برنامه های خشک و بی روح، و چه قدر درس های سر کلاس و سر و کار نداشتن با طبیعت؟! ما می توانیم خیلی از نکات مهم تربیتی و آموزشی را در اردوها و در بازی ها به دانش آموز انتقال دهیم. بحث مشارکت دانش آموزان و بحث مسائل آموزشی به روز اصلاً مطرح نیست. شما توی کلاس نشستن و درباره سنگ ها صحبت کردن را با یاد دادن در مورد سنگ ها در طبیعت مقایسه کنید. خیلی از این درس ها را می توان در طبیعت، در اردوها و آزمایشگاه ها آموزش داد. و نیازی هم به هزینه از طرف خانواده ها ندارد.

### ○ به عنوان یک بازنشسته آموزش و پرورش، دغدغه های پتان را در این حوزه بفرمایید؟

● عدم ثبات مدیریت. از کلان تا خرد، عدم اجرای سیستم غیرمتمرکز در آموزش و پرورش، به خصوص در ایلام، بحث مسائل اقتصادی معلمان، و عموم استفاده از تجربیات بازنشستگان. من به کلمه بازنشستگی کمی حساس هستم، چون بازنشسته یعنی دیگر رفت و تمام شد. این ها دغدغه های من هستند. متأسفانه در استخدام نیروهای تجربی و کاردان انتخاب نمی شوند. مثلاً سال گذشته ما آزمونی داشتیم که می باید در خود منطقه اجرا می شد. این آزمون خیلی بهتر از آزمون متمرکز بود. وزیر محترم آمد این آزمون را متمرکز برگزار کرد.

در حالی که این اتفاق در استان ما نباید می افتاد، چون مشکلاتی را برای مدیرکل ما به وجود آورد. بافت این جا بیشتر قبیله ای و آشنابازی است. افراد ضعیف پذیرفته و افراد قوی مردود شدند. یعنی به این روش، نیروهای خوب و مستعد متأسفانه مورد استفاده قرار نمی گیرند. اگر آزمون ها، گزینش ها و جذب نیرو در استان انجام شوند

و به کمک تجربیات بفهمند افراد چه مقدار بار علمی و کاری دارند، مسلماً کارها بهتر پیش می روند.

### ○ شما این موارد را ناشی از عدم استفاده از تجربه افراد می دانید؟

● بله، تجربه و استعداد واقعاً وجود دارد. یکی از اشتباهات، برگزاری آزمون استخدامی متمرکز است. ببینید بزرگوار، ما دیگر بازنشسته شده و رفته ایم. سر برج می رویم بانک و حقوقمان را می گیریم. متأسفانه آموزش و پرورش برنامه ای برای بازنشسته ها ندارد و از تجربیات هیچ گونه استفاده ای نمی کند. بنده ۲۵ تا ۳۰ سال خدمت کرده ام. نقاط کور آموزشی را من و امثال بنده خوب می دانیم، ولی هیچ کمیته و گروهی وجود ندارد که از ما استفاده کند. فقط یک مرکز بازنشستگی در استان وجود دارد که مربوط به کارهای اداری است. امثال بنده، در طول ۳۰ سال سابقه کاری ۳۰ مدرسه را تجربه کرده ایم و با ده پانزده مدیر کار کرده ایم. با شخصیت های مختلف معلمان سروکار داشته ایم. برای برنامه ریزی ها تجربه های خیلی بیشتری داریم.

ما از نظر مالی توقعی نداریم و آموزش و پرورش می تواند از نظرات کاربردی ما استفاده کند. طرح کاد را چون سیستم قدیم جواب گو نبود، مطرح کردند. بعد این طرح با شکست مواجه شد. باید ببینید نیاز دانش آموزان ما در آینده چیست و آن را برآورده کنند. این جاست که اگر از تجربیات استفاده شود، مناسب تر است.

### ○ تعریف شما از رابطه دفاع مقدس، آموزش و پرورش، دانش آموز، و خانواده در ایلام چیست؟

● به قول حضرت امام، دانشگاه ما جبهه و جنگ و دفاع مقدس بود. ما هر چه داریم از دفاع مقدس داریم. به نظر من اگر رشد اقتصادی، رشد نظامی، رشد فرهنگی، و رشد علمی داریم، همه نشئت گرفته از دفاع مقدس است. ما تحریم ها را پشت سر گذاشتیم. با توجه به همه تحریم ها، پیشرفت های بزرگ و چشم گیری در عرصه های گوناگون داشته ایم که هنگی به برکت دفاع مقدس است، دفاع مقدس نقش بسیار کلیدی در پیشرفت ما داشته و دارد.

مردم ایلام در میان آتش دشمن به سر می بردند. روزی نبود که بمب و موشک و صدای انفجار در ایلام وجود نداشته باشد. اما دفاع مقدس فرهنگ ما را شکل داد. اگر دفاع مقدس نبود از لحاظ فرهنگی خیلی زود شکست می خوردیم. اگر این پشتوانه محکم و آن تربیت های جبهه و جنگ نبود، ما خیلی زود شکست می خوردیم.

### ○ و صحبت های پایانی شما؟

● انتظار دارم بیشتر به آموزش و پرورش توجه شود. بچه های ما سرمایه های این مملکت هستند. آموزش و پرورش همیشه باید مورد توجه باشد؛ چه از نظر مسائل آموزشی و چه از نظر مالی. همه امکانات باید فراهم شود تا آموزش و پرورش خوبی داشته باشیم. زمانی امکانات به سمت جبهه ها می رفت، امروز باید به بحث مقابله با فرهنگ دشمن توجه شود. باید آموزش و پرورش را قوی، پویا و متحول کنیم. باید از تجربیات استفاده شود تا بچه ها واکسینه شوند.

# مسلم و فرهنگ اسلام

حامد سبزی پور  
کارشناس ارشد علوم سیاسی

## مقدمه

نشان داده‌اند. امروزه اکثر جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی بر این باورند که موضوع انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل‌های بعدی در اصل همان فرایند یا پروسه جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن است که ریشه‌هایی از آن را می‌توان در آرا و عقاید جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم، اسپنسر، پارسنز، میدوکولی مشاهده کرد.

به اعتقاد جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری به معنای هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است که در قالب فرایندی تعاملی بین فرد و جامعه تحقق پیدا می‌کند. جامعه‌پذیری از یک سو موجب می‌شود که فرد با یادگیری شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه خویش را اخذ کند و ضمن آموزش‌ها و یادگیری مطالب، خصوصیات فرهنگی جامعه را جزو شخصیت و هویت خویش سازد، و از سوی دیگر با ایجاد بستری مناسب برای وفاق اجتماعی یا توافق جمعی میان اعضای جامعه،

فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، یا نهادینه کردن الگوها و عناصر فرهنگی از طریق تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان، از موضوعات بسیار مهمی است که از دیرباز و در طول سیر تحولات فرهنگی و علمی جوامع متمدن، ذهن و اندیشه متفکران و اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول داشته است. علاوه بر پیامبران و اولیای الهی که مریبان بزرگ نفوس بشری بوده‌اند اندیشمندانی نظیر سقراط، افلاطون و ارسطو در یونان کنفوسیوس در چین، فارابی و ابن‌خلدون در جوامع اسلامی، نیز هر کدام به نوعی آرزوی تربیت افراد جامعه را به بهترین نحو به‌ویژه کودکان و نوجوانان را در سر می‌پروراندند. اینان با ارائه نظریات خود تحت عنوان «جامعه ایده‌آل» یا «مدینه فاضله، علاقه خود را به تربیت و پرورش اعضای جامعه براساس ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه زمانه خویش





موجب انسجام و یگانگی آن‌ها در مسائل گوناگون ارزشی و فرهنگی جامعه شود. به عبارت دیگر، برای تقویت فرهنگ جامعه، وجود فرایند جامعه‌پذیری یا انتقال ارزش‌ها، باورها و هنجارها از جمله ضروریات و بدیهیات اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، تا آن جامعه نه تنها در نهادینه کردن عناصر و الگوهای فرهنگی خویش موفق شود، بلکه با تمام توان و توانایی‌های خویش بتواند به حیات اجتماعی خود ادامه دهد.

به اعتقاد اکثر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، فرایند جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر، در یک فضای کاملاً تعاملی میان انسان‌ها یا کنشگران اجتماعی اتفاق می‌افتد. لذا برای تحقق این فرایند، جامعه نیازمند مجریان و کارگزاری اجتماعی است تا بتواند ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را به نونهالان و نوجوانان خویش منتقل سازد. به اعتقاد جامعه‌شناسان، عواملی نظیر خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های جمعی، از جمله مهم‌ترین این کارگزاران اجتماعی محسوب می‌شوند. در این میان، معلمان و مربیان مدارس در محیط آموزشی به‌خاطر ارتباط نزدیک و تنگاتنگی که با کودکان و نوجوانان دارند، از جایگاه ویژه‌ای

برخوردار هستند. زیرا معلمان و مربیان مدارس در محیط‌های آموزشی می‌توانند در قالب آموزش‌ها و تعالیم اخلاقی و اجتماعی، چه به‌صورت رسمی یا غیررسمی، و مستقیم یا غیرمستقیم، نگرش‌ها عقاید و الگوهای فرهنگی جامعه را تأیید و تقویت کنند، یا برعکس رفتار و سکناتی نظیر کنایه، ایما و اشاره و نگاه بدبینانه، ارزش‌ها و باورهای جامعه را بی‌اهمیت و بی‌ارزش جلوه دهند.

از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان نیز به‌خاطر تلاش، حساسیت و توجه فراوانشان در جست‌وجوی هویت و شخصیت آرمانی خویش، رفتارها، نگرش‌ها و عقاید معلمان خویش را زیر نظر دارند. آن‌ها را به عنوان گروه‌های مرجع خویش برای قضاوت و سنجش رفتار خود با آن‌ها انتخاب می‌کنند و می‌کوشند رفتارها و تمنیات مربیان و معلمان را در تمام امور زندگی نصب‌العین خود قرار دهند. به نظر نگارنده، اگر جامعه‌ای بخواهد نسلی خودباور با هویت و متعلق و متعهد نسبت به فرهنگ ملی خویش بار آورد، باید از مربیان و معلمان توانمند، دلسوز و متعهد نسبت به فرهنگ ملی جامعه برخوردار باشد تا بتواند شهروندانی علاقه‌مند، متعهد و متعلق به فرهنگ جامعه خویش تربیت کند؛ شهروندانی که از حداکثر تلاش و فعالیت خود برای





**علی شریعتمداری** اعتقاد دارد، فرهنگ به معنای راه‌های زندگی یک جامعه است که اعضای جامعه در تمام شئون زندگی اجتماعی اتخاذ می‌کنند. به اعتقاد وی، فرهنگ اسلامی به فرهنگی گفته می‌شود که مبتنی بر وحی است و از تعالیم الهی نشئت می‌گیرد [شریعتمداری ۱۳۷۹: ۱۴].

**امام خمینی (ره)** بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ را مهم‌ترین وسیله اصلاح جامعه و مملکت دانسته است و فرهنگ اسلامی را امری جدا از فرهنگ اجنبی و بیگانه می‌داند. به اعتقاد وی، فرهنگ اسلامی فرهنگی مستقل و متکی بر انسان‌سازی و عدل‌پروری است که راه ترقی و پیشرفت را به جوانان جامعه اسلامی و ایرانی می‌آموزد [مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۰].

به نظر نگارنده، فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای جامعه. به عبارت دیگر، مجموعه داشته‌های مادی و معنوی افراد جامعه است که طی فرایند تربیت یا اجتماعی شدن، از نسل‌های قبلی به نسل‌های جوان تر انتقال می‌یابد. بنابراین، هنگامی که مربیان و معلمان در مدارس، اولیا در خانواده و رسانه‌های جمعی با پخش فیلم و برنامه‌های آموزنده، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی جامعه را به کودکان و نوجوانان انتقال می‌دهند، در واقع

پیشرفت و تعالی جامعه خود و جامعه بشری فروگذار نکنند و در برابر همه انسان‌ها احساس مسئولیت داشته باشند.

پژوهش حاضر درصدد بوده است که برای سؤالات و فرضیات پیرامون تقویت فرهنگ اسلامی جواب‌های منطقی و قانع‌کننده‌ای بیابد و راهکارهای مناسبی برای انجام بهتر و آسان‌تر این امر مهم ارائه دهد. امید است نتایج آن مورد توجه صاحب‌نظران فرهنگی و دست‌اندرکاران جامعه قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** فطرت، کرامت، تربیت طبیعی، وفاق اجتماعی، همانندسازی، گروه مرجع، خودباوری، هویت ملی

### تعریف و بیان مسئله

در «فرهنگ عمید»، واژه «فرهنگ» معادل «فرهنگ» آمده و علم، دانش، ادب، معرفت و تعلیم و تربیت معنا شده است. هم‌چنین این واژه از دو جزء «فر» به معنی جلو، بالا و پیش آمد و «هنگ» از ریشه اوستایی تنگا به معنی کشیدن و سنگینی وزن تشکیل شده است [روح‌الامینی ۱۳۶۵: ۱۱].

**ادوارد تایلور**، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به‌طور خلاصه تمامی آموخته‌ها و عاداتی می‌داند که انسان به عنوان عضوی از جامعه اخذ می‌کند [عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۸: ۲۳۶].

**ساموئل کنیک**، جامعه‌شناس آمریکایی، فرهنگ را مجموعه مساعی بشر برای تطبیق یافتن با محیط خودش و اصلاح طرز زندگی‌اش تعریف می‌کند [اصناعی، ۱۳۴۷: ۱۱۶].

**گی‌روش**، جامعه‌شناس فرانسوی، فرهنگ را عبارت می‌داند از مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها، احساسات و اعمال کم‌وبیش صریح که به‌وسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است. چون این افراد گروهی معین و مشخص را تشکیل می‌دهند، لازم است که آن مجموعه به هم پیوسته به نحوی در عین حال عینی و نمادین مراعات شود [روح‌الامینی ۱۳۶۵: ۱۸].

**منوچهر محسنی** اعتقاد دارد فرهنگ مجموعه‌ای از کردارها و رویه‌های اجتماعی است که در جامعه به‌وجود می‌آیند و انتقال می‌یابند. وی هم‌چنین فرهنگ را میراث اجتماعی می‌داند که در ترکیب آن، عواملی چون اطلاعات، دانش‌های موجود در جامعه، تحولات و تغییرات اجتماعی، روابط اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی مداخله دارند.

۳. برای هرچه بهتر اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان، مربیان و معلمان و دیگر دست‌اندرکاران نظام فرهنگی جامعه باید از کدام شیوه‌ها استفاده کنند؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان کودکان و نوجوانان را با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه آشنا ساخت؛ به گونه‌ای که عناصر و الگوهای فرهنگی جامعه در وجودشان نهادینه و جزو شخصیت و هویتشان شود.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

اغلب پژوهش‌های انجام شده پیرامون اجتماعی شدن و تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان نشان می‌دهند که در میان عوامل متعدد جامعه‌پذیری، یعنی خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، گروه‌های دوستان و گروه‌های غیررسمی جامعه، نقش و تأثیر نظام آموزشی یا مدرسه بسیار پررنگ و غیرقابل انکار است. زیرا مدرسه به عنوان نماینده نظام سیاسی و فرهنگی جامعه، اولین نظام و سازمان رسمی است که دانش‌آموزان را با عقاید، افکار، باورها و ارزش‌های جامعه آشنا می‌سازد. در محیط مدرسه، مربیان و معلمان به عنوان کارگزاران نظام سیاسی جامعه وظیفه دارند نونهالان و نوجوانان را با اهداف و آرمان‌های متعالی نظام فرهنگی جامعه آشنا سازند و آن‌ها را به واسطه آموزش‌های رسمی و غیررسمی یا برنامه پنهان و براساس الگوها و ساختارهای پذیرفته شده، افرادی مسئولیت‌پذیر، متعهد و وفادار به میهن و الگوی فرهنگی بومی جامعه خویش بار آورند.

کودکان و نوجوانان را با عناصر و الگوهای فرهنگی و هنجارهای جامعه آشنا می‌سازند. آن‌ها را به عنوان شهروند مسلمان و ایرانی، تربیت و جامعه‌پذیر می‌کنند تا بتوانند نقش‌های اجتماعی خود را در آینده به خوبی ایفا کنند و در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی جامعه خویش تلاش و فعالیت مستمری داشته باشند. به اعتقاد نگارنده، انتقال و تقویت فرهنگ جامعه اسلامی ایران به دانش‌آموزان، در واقع به نوعی همان فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری است. مربیان مدارس و دیگر دست‌اندرکاران نظام فرهنگی جامعه، باید در نهادینه کردن یا درونی کردن این ارزش‌ها و هنجارها جامعه از بهترین روش‌ها و شیوه‌های تربیتی بهره بگیرند و این مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهند تا در آینده جامعه ملی و اسلامی مان از بی‌هویتی و بحران‌های فرهنگی رنج نکشد و به حیات مادی و معنوی خود در عرصه جامعه جهانی ادامه دهد.

### سوالات تحقیق

۱. چرا آشنایی اعضای یک جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان آن با فرهنگ جامعه ضروری است؟ به عبارت دیگر، فلسفه انتقال فرهنگ و الگوهای فرهنگی به نسل‌های جوان‌تر جامعه چیست؟
۲. کدام افراد یا اعضای جامعه در فرایند انتقال فرهنگ یا اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان و نسل‌های آینده نقش کلیدی و مهمی دارند؟







انزوا و گوشه‌گیری در صحنه اجتماعی پذیرفتنی نیست، می‌بایست با دیگران ارتباط اجتماعی قوی داشت

درونی بین اعضای خود هستند. وی به سیستم درونی سیستم، «خرده سیستم» می‌گوید. خرده سیستم‌ها وظیفه دارند با همکاری یکدیگر حیات کل سیستم را که همان ارگانیزم موجود زنده است، حفظ کنند. از نظر پارسنز، مهم‌ترین خرده سیستم‌های درون جامعه عبارت‌اند از خرده سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه‌پذیری یا نظام فرهنگی که هر کدام داری «کارکرد»<sup>۲</sup> یا وظیفه‌ای هستند. هر نظام اجتماعی برای این‌که بتواند در عملکرد خود توفیق یابد، نیازمند لوازم کارکردی به‌خصوصی است که شرط ثبات و تداوم آن نظام یا جامعه محسوب می‌شوند. به اعتقاد پارسنز، چهار تکلیف کارکردی خرده نظام اجتماعی در جامعه از این قرارند:

۱. **کارکرد انطباق یا سازگاری با محیط:** که برعهده خرده نظام اقتصادی است.
۲. **کارکرد هدف‌جویی:** که برعهده خرده نظام سیاسی است و مقرر می‌دارد هر سیستم چه کاری را باید انجام دهد.
۳. **کارکرد وحدت و هماهنگی:** که برعهده هنجارها و قراردادهای اجتماعی مانند نهاد دین و نظام قانونی است.
۴. **کارکرد موجودیت الگویی (حفظ الگو):** مجموعه وظایفی است که توسط فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری تحقق می‌یابد.

از دیدگاه پارسنز از طریق جامعه‌پذیری است که فرهنگ جامعه به اعضای جامعه انتقال می‌یابد و توسط آن‌ها درونی و به عامل مهمی در انگیزش و رفتار اجتماعی افراد جامعه تبدیل می‌شود. نظام آموزش و پرورش و خانواده مهم‌ترین نهادهایی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم این کارکرد را برعهده دارند [توسلی ۱۳۶۹: ۱۸۷-۱۸۶].

اما به‌راستی چرا بعد از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی - فرهنگی در کشور ما، علی‌رغم صرف هزینه‌های گزاف مادی و معنوی و مخارج نجومی، نظام آموزشی جامعه هنوز به‌خوبی نتوانسته است انسان‌های قانونمند، وفادار و متعهد به فرهنگ بومی خویش تربیت کند و نوجوانان ما بعداز پایان دوره تحصیلی خویش دچار بحران هویت و یا از خودبیگانگی فرهنگی می‌شوند. انسان‌هایی که نه‌تنها با الگوها و ارزش‌های فرهنگ جامعه خود بیگانه‌اند، بلکه به عنوان انسانی مسخ شده و استحال شده در فرهنگ بیگانه، حتی نمی‌توانند گلیم خود را در پیچ و خم‌های زندگی از آب بیرون آورند و به افرادی وابسته، طفیلی و سربار جامعه تبدیل می‌شوند. پژوهش حاضر درصدد است به نحو شایسته و قابل قبولی جوابی قانع‌کننده برای این مشکل پیدا کند و در پایان راهکارهای مناسبی ارائه دهد.

## مبانی نظری تحقیق

### نظریه جامعه‌پذیری و ثبات نظام اجتماعی

یکی از مکاتب معروف در جامعه‌شناسی، مکتب «کارکردگرایی - ساختاری» است که توسط **تالکوت پارسنز** (۱۹۷۰-۱۹۰۲) صاحب کتاب معروف «نظام اجتماعی» (۱۹۵۱) به‌وجود آمده است. پارسنز گرایش شدیدی به تأکید بر ساختارهای جامعه دارد و در کتاب خود جامعه را به پیکر موجود زنده (سیستم) تشبیه می‌کند که مدام در حال تبادل با محیط اطراف خویش است. به اعتقاد پارسنز، موجودات زنده برای زنده ماندن نیازمند مبادله مرتب و دائمی در درون خود یا تبادلات



## نظریه توسعه و نوسازی

یکی از مفاهیم رایج که پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه به کار رفته، مفهوم توسعه سیاسی است. «توسعه سیاسی»<sup>۳</sup> فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن و تشکیل مشارکت سیاسی اعضای جامعه فراهم می‌آورد و حاصل آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است [ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۰].

**لوسین پای**، یکی از صاحب‌نظران توسعه سیاسی که دیدگاه‌های خود را پیرامون توسعه و نوسازی سیاسی جامعه در چارچوب «نظریه بحران»<sup>۴</sup> مطرح کرده است، اعتقاد دارد: برای تحقق فرایند توسعه مطلوب در جوامع، نظام سیاسی آن می‌باید از یک سلسله بحران یا چالش بگذرد. مهم‌ترین بحران‌ها از نظر پای عبارت‌اند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحران یکپارچگی و بحران مشارکت. به نظر پای\* بحران هویت به فرهنگ نخبگان یا فرهیختگان جامعه (معلمان، استادان، رهبران و مدیران جامعه) و توده مردم به صورت احساسات ملی در مورد سرزمین خویش ارتباط می‌یابد. این فرهنگ رفته‌رفته بستر تعارض و دوگانگی ارزشی را میان وفاداری‌های قومی و ملی جوامع تشدید می‌کند و مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی نظام سیاسی پدید می‌آورد.

به نظر پای، راه عبور از این بحران تنها تلاش برای کسب هویت ملی است که طی آن، افراد جامعه سعی می‌کنند در سرزمین معینی

تمامی افراد را در خصوصیات فرهنگی خویش سهیم و شریک سازند. به عبارت دیگر، تنها از طریق جامعه‌پذیری یا انتقال ارزش‌ها و ایستارها به کودکان و نوجوانان است که می‌توان به حل بحران هویت و ایجاد و تقویت هویت ملی در جوانان و آینده‌سازان جامعه کمک کرد و آن‌ها را از یک آسیب مهم اجتماعی به نام از «خودبیگانگی» نجات داد [کلاتتری و طاهری ۱۳۸۱: ۱۴].

**مک کل‌لند** نیز که از صاحب‌نظران توسعه‌یافتگی است، عقیده دارد: «میل و نیاز به پیشرفت کلید اصلی توسعه و نوسازی جوامع تلقی می‌شود. این نیاز با درونی ساختن آن از طریق فرایند جامعه‌پذیری یا انتقال ارزش‌ها و ایستارها از طریق آموزش‌ها و تعلیمات لازم آموزش و پرورش، مطبوعات و سایر نوشته‌ها امکان‌پذیر است» [گی‌روشه، ۱۳۶۶: ۱۹۰].

## نظریه سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی از جمله نظریات مهم جامعه‌شناسی است که توسط جامعه‌شناسانی نظیر **کلمن**، **پوتنام**، **فوکویاما** و **بورديو** وارد حوزه علوم سیاسی شده است. به اعتقاد این جامعه‌شناسان، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که با پدیده‌ها و متغیرهایی چون: اعتماد، آگاهی، مشارکت حزبی و هم‌بستگی اجتماعی یا وفاق اجتماعی ارتباط نسبتاً نزدیکی دارد.

کلمن، از جمله صاحب‌نظران مهم نظریه سرمایه اجتماعی، در تعریف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماع است که به کنشگر (افراد جامعه) اجازه می‌دهد، با استفاده از آن به منابع خود دست یابد.» به نظر وی، ساختار اجتماعی شامل تکالیف، انتظارات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت است که انواع خاصی از رفتار را تشویق می‌کنند یا مانع می‌شوند. به اعتقاد کلمن از راه‌های متفاوت و گوناگونی نظیر گسترش روابط معلمان و بزرگ‌سالان یا دانش‌آموزان می‌توان سرمایه اجتماعی را تقویت کرد. هم‌چنین از طریق ترویج و تقویت هنجارها، ارزش‌ها، پیوندهای اجتماعی و ضمانت اجرایی می‌توان میزان جرائم اجتماعی را در جامعه کاهش داد.

پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی می‌داند که از طریق روابط میان افراد، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل و اعتماد تولید می‌شوند. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی اساس و پایه هویت و شناسایی اعضای جامعه است که مردم جامعه را به تعاملات و تعلقات اجتماعی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشخص تر ترغیب و تشویق می‌کند. به نظر پوتنام، عناصر انسانی سرمایه اجتماعی



عبارت‌اند از: تعهد، اعتماد متقابل، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، احساس تعلق، صداقت و تعاملات اجتماعی.

### نظریه کنش متقابل نمادی

«نظریه کنش متقابل نمادی» از جمله مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناسی است که در سال ۱۹۳۷ توسط **هربرت بلومر** مطرح شد. از جمله مشهورترین صاحب‌نظران این نظریه عبارت‌اند از: **هربرت مید**، **چارلز هورتن کولی**، **جان دیویسی** و **بالدوین**. به اعتقاد صاحب‌نظران مکتب کنش متقابل نمادی، جامعه، اقلیت‌ها و روابط با دیگری را به صورت تصویری از خودشان همراه با تعبیر و تفسیرهایی از نوع بازخورد، به صورت نمادین نشان می‌دهد و در راستای این بازخوردهاست که مبادلات و تعاملات پدید می‌آیند. این مبادلات و تعاملات مجموعه‌ای از عملکردهای اجتماعی به‌شمار می‌روند و بر نمادهایی تأکید دارند که مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات اعضای گروه یا جامعه هستند. به اعتقاد جامعه‌شناسان، نظریه کنش متقابل نمادی، مطالعه پویای سیستم‌های فرهنگی جامعه محسوب می‌شود، زیرا این نظریه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان هنجارها، سنت‌ها و ارزش‌های جامعه را به عنوان نفوذ اجتماعی در رفتارها به کار برد. به اعتقاد صاحب‌نظران نظریه کنش متقابل نمادی، فرایندهای اجتماعی همان نقش‌های نمادینی هستند که تفسیر اعتقادات و ارزش‌های جامعه را امکان‌پذیر می‌سازند [ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۲۴].

یکی از مهم‌ترین صاحب‌نظران نظریه کنش متقابل نمادی **هربرت مید** است که نظریه اجتماعی شدن افراد را در قالب نظریه شکل‌گیری شخصیت کودک بیان می‌کند. مید اعتقاد دارد که خود کودک یا شخصیت او از طریق همانندسازی با اشخاص دیگر و در نقش‌هایی که ایفا می‌کند و به‌خصوص از طریق درونی کردن «دگر عام» رشد می‌یابد. به عبارت دیگر، کودک خود خویش را به‌وسیله تمییز یا تشخیص نقش خودش و دیگری فراهم می‌کند و می‌سازد. از دیدگاه مید، دگرعام، در واقع همان انگاره‌های فرهنگی جامعه است که شامل شیوه‌های قومی، رسوم اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای یک فرهنگ می‌شود که کنترل خود را بر رفتار و اعضای جامعه اعمال می‌کنند [آفراتی‌مقدم، ۱۳۷۲: ۲۰].

یکی از نظریه‌پردازان روان‌شناسی اجتماعی که تحت تأثیر دیدگاه «مکتب کنش متقابل» قرار دارد، **اریکسسون** است. اریکسون یکی از روان‌شناسان اجتماعی است که اعتقاد دارد: «هویت در شرایطی تحقق می‌یابد که هنجارهای اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن شخصیت فرد درونی شوند.» به نظر وی، مفهوم

هویت با شناخت خود از طریق منش‌های فردی تعریف می‌شود که دارای چهار جنبه اساسی، یعنی باور داشتن خویشتن، خصوصیات ثابت فردی، وحدت و انسجام من، و سازمان‌دهی ارزش‌های گروه و هویت گروهی است. به عبارت دیگر، هویت ترکیبی از مفاهیم پیچیده عناصر مربوط به خصوصیات فردی و ارزش‌های اجتماعی است و براساس فرایند جامعه‌پذیری در شخصیت و در متن جامعه شکل می‌گیرد. به‌طوری که در این فرایند، بستر هویت‌یابی فرد در یادگیری و به‌وسیله درونی کردن ارزش‌ها نزد افراد حاصل می‌شود که گاهی ممکن است موجب ناسازگاری اجتماعی و گسیختگی هویت فرد شود. زیرا در فرایند شکل‌گیری هویت ممکن است اختلاف کنشی نیز روی دهد [ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۳۱ و ۳۲].

### نظریه مهندسی فرهنگی

«مهندسی فرهنگی» یعنی طراحی نظام جدید تغییردهنده فرهنگ موجود یا ایجاد تغییراتی گسترده‌تر از نظام‌های موجود فرهنگ‌ساز جامعه که بتواند تحولات و تغییرات تدریجی جامعه را به سمت تحقق اهداف از پیش تعریف شده هدایت کند [آبقری، ۱۳۸۶: ۱۸]. دیدگاه مهندسی فرهنگی برگرفته از دیدگاه مقام معظم رهبری، **آیت‌الله خامنه‌ای** است که اعتقاد دارد: فرهنگ جامعه اساس هویت آن است و اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن اعضای آن حاکم است. هم‌چنین وی معتقد است که فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیمات کلان کشور، حتی در تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید جامعه نیز نقش دارد. لذا یکی از مهم‌ترین تکالیف (مسئولان جامعه)، مهندسی کشور است که برای پیاده کردن آن نیازمند شرایط و اقدامات مهم زیر در جامعه هستیم: تلاش در جهت گفتمان فرهنگ اسلامی در جامعه و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی و سپس مبنا قرار دادن آموزه‌های اسلامی در شکل‌گیری فرهنگ جامعه و نوسازی و تحول آن و ایجاد هماهنگی و انسجام در برنامه‌های فرهنگی کشور و تأکید بر نقش نخبگان دینی و علما در تقویت فرهنگ اسلامی ایران.

شناخت صحیح تحولات جهانی به‌ویژه غرب‌شناسی و برنامه‌ریزی برای مقابله با استعمار فرهنگی، تقویت هویت کشور در همه نقاط به‌ویژه استان‌های مرزی، ایجاد تناسب و سازگاری بین شرایط قومی و نژادی با فرهنگ کلان ملی، جلوگیری از حساسیت‌های فرهنگی در میان اقوام مختلف کشور از طریق ایجاد پیوند عمیق میان نخبگان جامعه با نهاد‌های فرهنگی، و مسئولیت‌پذیری همه مردم، نهادها و مدیران و وحدت و انسجام میان آن‌ها [آغیائوند، ۱۳۸۷: ۵].

مقاله

جو حاکم بر خانواده

# زندگی در کلاس

ایمان روحی دهکردی  
کارشناس ارشد علوم حدیث و قرآن

بخش سوم



## اشاره

در دو شماره گذشته تلاش شد تا با ترسیم روابط خانواده و کلاس درس، راهی برای موفقیت در تحصیلات آینده دانش‌آموزان گشوده شود. نویسندگان با نگاهی پژوهشی و با رویکردی نظری به این رابطه پرداخته است و در این نوبت به عنوان یک حرکت آسیب‌شناسانه آموزشی، افت تحصیلی را در ارتباط با خانواده مطرح کرده و چند پیشنهاد حاصل از پژوهش را ارائه کرده است. باشد که این پیشنهادها راهی روشن‌تر به سوی آینده مدرسه و کلاس و درس بگشاید.

کلیدواژه‌ها: افت تحصیلی، محیط خانواده، بهداشت روانی

۵۰

رشد آموزش عالی  
دوره ۱۵  
شماره ۴  
تابستان ۱۳۹۱

## خانواده و افت تحصیلی

محیط غم‌آلود اختلاف، بگو مگو و حتی سکوت ناشی از قهر، برای کودکان و حتی نوجوانان دردآور و خردکننده است و نتایج اسفباری به دنبال دارد که غالباً سبب افت تحصیلی دانش‌آموز می‌شود. علل و عوامل افت تحصیلی دانش‌آموزان را می‌توان از ابعاد متفاوت طبقه‌بندی کرد که بررسی تمامی این ابعاد در قلمرو یک مقاله نمی‌گنجد، اما برای سهولت بحث شاید بتوان این عوامل را به چهار مقوله تقسیم کرد: ویژگی‌های فردی دانش‌آموز؛ محیط آموزشی و مدرسه؛ ویژگی‌های خانواده دانش‌آموزان؛ عوامل اجتماعی.

در این جا علل و عوامل خانوادگی مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان، نظیر محیط خانواده، جو عاطفی و روانی خانواده، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، تغییر محل سکونت خانواده، ناکافی بودن امکانات داخل خانه، بیماری جسمی و روانی والدین، ناآگاهی والدین از شیوه‌های مطالعه، و فقر اقتصادی خانواده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

## تعریف افت تحصیلی

کاربرد اصطلاح «افت تحصیلی» یا «تلاف»<sup>۱</sup> در آموزش و پرورش، از زبان اقتصاددانان گرفته شده است. آنان آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می‌کنند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه را که باید به محصول نهایی تبدیل می‌شود، تلف کرده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است. شاید این تشبیه چندان خوشایند نباشد و اصطلاح «فقدان در تحصیل» یا «واماندگی در تحصیل» از آن مطلوب‌تر باشد.

وقتی صحبت از افت تحصیلی می‌شود، منظور تکرار پایه تحصیلی در یک دوره و ترک تحصیل پیش از پایان دوره است. به عبارت دیگر، افت تحصیلی جنبه‌های متفاوت شکست تحصیلی، چون غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، نسبت میان سنوات تحصیلی دانش‌آموزان و سال‌های مقرر آموزش، کیفیت نازل تحصیلات دانش‌آموزان در مقایسه با آنچه باید باشد و کسب محفوظات به‌جای معلومات را شامل می‌شود.

بدون تردید هیچ نظام آموزشی نمی‌تواند صد در صد به اهداف آموزشی خود برسد، ولی موفق بودن هر نظام آموزشی، به نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر به اهداف تعیین شده بستگی دارد. برای نزدیک‌تر

شدن به اهداف نظام آموزشی حتماً می‌باید عوامل مؤثر بر افت تحصیلی را شناخت و اثرهای آن را کاهش داد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، ویژگی‌های خانوادگی است که سبب بروز و ظهور افت تحصیلی می‌شود. زیرا خانواده یک نهاد اجتماعی کوچک است که اولین کانون تربیتی به حساب می‌آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می‌گذراند.

## محیط خانواده

صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را «سازمان خانواده» می‌دانند. زیرا محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، عقلانی و عاطفی آنان است. علاوه بر این، اهمیت خانواده و نقش آن در تربیت کودکان تقریباً در تمامی کتاب‌های روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و... به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و طبعاً در هر نوشته‌ای این موضوع از بعد یا ابعاد خاصی مطرح شده است. برای مثال، در کتاب «روان‌شناسی تربیتی» دکتر شریعتمداری آمده است: «اگر انتظارات والدین از کودکان معقول و با واقع‌بینی همراه باشد، اختلالی در رفتار آن‌ها ایجاد نمی‌شود. اما در برابر انتظارات ناروا، گاه کودک خودسر و بی‌پروا می‌شود و قوانین و مقررات را زیر پا می‌گذارد. کودک از مشاهده، رفتار والدین به تدریج آن‌ها را می‌شناسد و راه و رسم زندگی را نیز با تقلید از اعمال آن‌ها فرا می‌گیرد و آنچه درباره، پدر و مادر درک می‌کند، به دیگران تعمیم می‌دهد.»

کودک آداب معاشرت را از مشاهده، رفتار افراد خانواده در موارد و مواقع گوناگون یاد می‌گیرد. برای مثال، وقتی پدر و مادر یا سایر افراد خانواده‌اش را می‌بیند که زیاد می‌گویند و کم‌تر عمل می‌کنند، یا از دروغ‌گویی و چالپوسگی باکی ندارند، او نیز همین صفتهای زشت اجتماعی را خواهد داشت. برعکس، اگر افراد خانواده‌اش همیشه از کمک به مردم و راست‌گویی و صداقت لذت ببرند، کودک نیز به احتمال زیاد دارای همین صفتهای پسندیده خواهد بود و... هم‌چنین، ارزش‌های اجتماعی در دوران زندگی فرد غالباً همان ارزش‌هایی خواهند بود که او از خانواده‌اش آموخته است. پایه عقاید و افکار اجتماعی کودک از قبیل علاقه به تسامح یا تعصب یا طرفداری از حق نیز در خانه و خانواده پی‌ریزی می‌شود.



یکی از عواملی که در افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین است. زیرا بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین هم از نظر عدم درک وظایف مدرسه، برنامه‌های آن و تداوم حضور مرتب دانش‌آموزان در مدرسه، مشکلاتی برای تحصیل آنان فراهم می‌کند، و هم از نظر ناتوانی آنان در کمک فکری و عملی به امور برنامه‌درسی دانش‌آموزان در منزل، از پیشرفت مناسب تحصیلی فرزندان می‌کاهد.

با مطالعه وضعیت تحصیلی و اجتماعی کودکان می‌توان به این نتیجه دست یافت که ۷۰ درصد رشد کودکان تحت تأثیر واقعیت‌های زندگی خانواده (رفتار، نگرش‌ها، خصوصیات شخصیتی، توانایی‌های ذهنی، مقام و موقعیت اجتماعی و محیط زندگی اولیا) قرار دارد. دوپن و همکاران او، اثر محیط خانوادگی بر رشد کلامی کودک را مورد تحلیل قرار دادند و بر تأثیر مهم خانواده در ایجاد مهارت‌های کلامی تأکید داشتند.

### جو عاطفی و روانی در خانواده

منظور از جو عاطفی خانواده، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم است. نظر افراد خانواده نسبت به هم و علاقه، آن‌ها به یکدیگر و چگونگی دخالت آن‌ها در کارهای هم و همکاری یا رقابت آن‌ها با یکدیگر، نحوه ارتباط ایشان را نشان می‌دهد. هر خانواده‌ای برخوردار از شکل خاصی از فضای روانی-عاطفی است که تعیین‌کننده، نوع رفتارها و روابط بین اعضای آن است که ممکن است به سه صورت زیر ظاهر گردد:

۱. فضای پذیرنده و احترام متقابل به یکدیگر؛

۲. عدم دخالت در کار یکدیگر و آزادی مطلق؛

۳. دیکتاتوری یا حاکمیت یک نفر بر اعمال و رفتار دیگران.

نحوه ارتباط والدین با یکدیگر و با دیگر اعضای خانواده و امنیت یا عدم امنیت در خانه، اثر مستقیم بر کودکان دارد. چنانچه والدین نتوانند محیطی آکنده از صفا و صمیمیت به وجود آورند، محیط خانواده به کانون تشنج، بگو مگو، اختلافات ریشه‌دار و درگیری مکرر والدین تبدیل می‌شود. در نتیجه بچه‌ها شدیداً احساس عدم امنیت می‌کنند و می‌کوشند از خانه و خانواده بگریزند. به دنبال این شرایط،

دانش‌آموز دچار افت تحصیلی خواهد شد. وقتی محیط خانواده آکنده از محبت و احترام باشد، دانش‌آموز از آن احساس رضایت می‌کند، از تشویق و دلگرمی والدین خود برخوردار می‌شود، از بودن با اولیای خود لذت می‌برد، محیط خانه را به محیط بیرون از خانه ترجیح می‌دهد و از کمک و راهنمایی والدین خود بهره‌مند می‌شود. اگر والدین نیاز فرزندان را بر نیآورند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیت‌ها یا افراد جدید، از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نیستند.

والدین باید با اطلاع از وضعیت روحی و جسمانی و وضعیت تحصیلی فرزند خود و نیز آگاهی از چگونه توجه و کمک به او که در سایه همکاری و هماهنگی با مربیان انجام خواهد گرفت، بستر و فضای لازم برای پیشرفت تحصیلی فرزند خود فراهم و او را راهنمایی کنند و به جای دخالت یا انجام تکالیف فرزند خود، فقط نظارت و مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند.

### بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین

یکی از عواملی که در افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین است. زیرا بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین هم از نظر عدم درک وظایف مدرسه، برنامه‌های آن و تداوم حضور مرتب دانش‌آموزان در مدرسه، مشکلاتی برای تحصیل آنان فراهم می‌کند، و هم از نظر ناتوانی آنان در کمک فکری و عملی به امور برنامه‌درسی دانش‌آموزان در منزل، از پیشرفت مناسب تحصیلی فرزندان می‌کاهد. زیرا برخی از دانش‌آموزان در امور تحصیلی خود نیازمند ساعات آموزشی خارج از اوقات رسمی کلاس و مدرسه‌اند. برای این قبیل دانش‌آموزان، به علل متعدد، آموزش در مدرسه کافی نیست و لازم است پس از خروج از مدرسه کمک‌های آموزشی اضافی از منابع دیگر دریافت کنند.

والدین باسواد، علاوه بر نقش کمک‌رسانی در آموزش فرزندان خود، الگوی مجسمی از یک فرد باسواد نیز به شمار می‌آیند. سواد والدین در تحصیل فرزندان نقش دوجانبه‌ای دارد؛ از یک سو برای آنان جنبه کمک آموزشی دارد و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای درس خواندن آنان می‌شود. بی‌سوادی والدین نیز آسیب دوجانبه‌ای دارد. این قبیل والدین نه تنها نمی‌توانند از نظر آموزشی و تحصیلی به فرزندان خود کمک کنند، بلکه الگوی تقلیدی نامناسبی برای فرزندان خود هستند.

## تغییر محل سکونت خانواده

گاهی علت افت تحصیلی، تغییر محل سکونت دانش آموز و به تبع آن، انتقال از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر است. زیرا ممکن است فرد نتواند به سهولت خود را با محیط جدید، دانش آموزان و معلمان جدید وفق دهد. مدت زمان زیادی طول می کشد تا فرد تغییر وضع موجود را بپذیرد و بتواند با هم‌کلاسان خود ارتباط برقرار کند و به جمع آنان بپیوندد. اغلب دانش آموزانی که به شهر و مدرسه‌ای خاص انس گرفته‌اند، وقتی مهاجرت می‌کنند و به شهر و مدرسه دیگری می‌روند، ابتدا نسبت به محیط جدید استرس و نگرانی دارند و مدت زمان زیادی طول می کشد تا خود را با محیط جدید سازگار کنند. همین امر ممکن است باعث افت تحصیلی آنان شود.

## ناکافی بودن امکانات داخل خانه

فراهم کردن میز و صندلی و اتاق مخصوص مطالعه برای خانواده‌هایی که در یک اتاق زندگی می‌کنند، بسی دشوار است. برخی از دانش آموزان جای مناسبی برای درس خواندن در خانه ندارند و مجبور می‌شوند برای پیدا کردن مکانی آرام بدون سر و صدا برای مطالعه به کتابخانه یا مدرسه بروند.

بیرون رفتن دانش آموزان از خانه به هر نیتی که باشد ممکن است مشکلاتی را برای آنان و خانواده‌هایشان به وجود آورد. برخی از دانش آموزان عادت دارند شبها مطالعه کنند و شلوغ بودن خانه و نداشتن مکانی مناسب باعث می‌شود که آنان نتوانند به خوبی از عهده انجام تکالیف خود برآیند و در نتیجه دچار افت تحصیلی می‌شوند. دانش آموزی که در خانواده، مثلاً هشت نفری، در تنها اتاق مجبور به درس خواندن می‌شود، فرصت محدود درس خواندن در محیط خانه را از دست می‌دهد؛ زیرا یکی از افراد خانه می‌خواهد تلویزیون تماشا کند، دیگری قصد استراحت دارد، سومی می‌خواهد درس خود را با صدای بلند تکرار کند و آن دیگری سکوت محض را طلب می‌کند.

## بیماری جسمی و روانی والدین

بیماری جسمی یا روانی یکی از والدین باعث می‌شود که دانش آموز دچار افسردگی و ناامیدی از درس و مدرسه شود و مدام در این فکر باشد که چگونه پدر و مادر خود را معالجه کند. گاهی کانون گرم خانواده دچار تزلزل و به محیطی سرد و بی‌روح تبدیل می‌شود. بیماری والدین گاهی مانع نظارت صحیح بر درس و رفتار فرزندان می‌شود و ممکن است دانش آموز نسبت به مدرسه و کلاس

درس بی تفاوت شود. علاقه و انگیزه خود را به ادامه تحصیل از دست بدهد و زمینه برای افت تحصیلی او فراهم شود. برای مثال، پدری که دچار ناراحتی جسمی و روانی باشد، نمی‌تواند نظارتی بر رفت و آمد فرزند خود داشته باشد و لذا ممکن است دانش آموز به جای آن که به مدرسه برود، به مکان‌های دیگری رفت و آمد کند و همین امر زمینه را برای سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی فراهم آورد. بدین ترتیب، دانش آموز کم‌کم از ادامه تحصیل منصرف می‌شود، به جمع ترک تحصیل کنندگان می‌پیوندد.

## ناآگاهی والدین از شیوه‌های مطالعه

ممکن است دانش آموز شیوه‌های صحیح مطالعه را نیاموخته باشد و نداند چه موقع، کجا و چگونه باید مطالعه کند. والدین نیز ممکن است زمینه‌های مناسب مطالعه را برای او فراهم نکرده باشند. یا به علت ناآگاهی از شیوه‌های صحیح مطالعه، دانش آموز یاد نگرفته باشد که پس از بازگشت از مدرسه باید مدتی استراحت کند و سپس به مطالعه درسی خود بنشیند. به علاوه، پس از یک ساعت مطالعه، حداکثر نیم ساعت استراحت کند. برخی از والدین به‌طور مداوم به فرزندان خود می‌گویند درس بخوانید و مطالعه کنید، ولی هرگز نمی‌گویند چگونه مطالعه کنید و روش‌های صحیح مطالعه را نمی‌دانند.

## فقدان یا عدم حضور والدین

فقدان یا غیبت پدر و مادر یا یکی از آن‌ها (در اثر طلاق یا مرگ)، موجب اختلال در شکل‌گیری شخصیت سالم می‌شود. فضای عاطفی ضعیف و فقیری را در خانه ایجاد می‌کند که نتیجه‌اش در رشد روانی و سازش ناکافی در محیط خانواده و محیط‌های دیگر، ایجاد مسائل و مشکلات عاطفی فراوان در دانش آموزان و به دنبال آن، افت تحصیلی اوست. افت تحصیلی ممکن است افسردگی و آشفتگی‌های فراوانی نیز در خانواده ایجاد کند.

## فقر اقتصادی خانواده

فقر اقتصادی خانواده توان اولیا را در تأمین بهداشت، خوراک و پوشاک مناسب، کتب و وسایل کمک‌آموزشی به صفر می‌رساند. دانش آموز گاه از تأمین لوازمی هم‌چون پرگار، خط‌کش و گونیا که جزو لوازم درجه دوم آموزش‌اند، ناتوان است. گاهی نیز بدون داشتن قلم و دفتر و با لباس کهنه و مندرس و با رنگی پریده و چشمانی گود رفته در کلاس درس حاضر می‌شود. این دانش آموز

معلمان به جای این که از دانش آموزان بپرسند چرا درس نمی خوانند، به دنبال ریشه ها و علل درس نخواندن آن ها باشند. پس از پیدا کردن علل افت تحصیلی هم راه حل مناسبی ارائه دهند. هرگز و در هیچ شرایطی دانش آموز سهل انگار و تنبل را از کلاس درس اخراج نکنند، زیرا ممکن است کلاس درس را دوست داشته باشد و با بیرون رفتن از کلاس رفتار نامطلوبی از خود نشان دهد.

در صورت با سواد بودن و برای این که الگوی مناسبی برای فرزند خود باشند. نیز در شبانه روز حداقل یک ساعت به مطالعه بنشینند.

● معلمان به جای این که از دانش آموزان بپرسند چرا درس نمی خوانند، به دنبال ریشه ها و علل درس نخواندن آن ها باشند. پس از پیدا کردن علل افت تحصیلی هم راه حل مناسبی ارائه دهند. هرگز و در هیچ شرایطی دانش آموز سهل انگار و تنبل را از کلاس درس اخراج نکنند، زیرا ممکن است کلاس درس را دوست داشته باشد و او با بیرون رفتن از کلاس رفتار نامطلوبی از خود نشان دهد. معلم باید در کلاس درس مدیری توانمند و روان شناسی آگاه باشد و متناسب با رفتار دانش آموز از روش های متفاوت تغییر رفتار استفاده کند.

● والدین و اولیای مدرسه هرگز از تنبیه بدنی استفاده نکنند، چرا که تنبیه بدنی اثرهای زیان باری در رفتار دانش آموز به جای می گذارد. از طریق تنبیه بدنی نمی توان دانش آموز را به درس خواندن علاقه مند کرد، بلکه برعکس در او نفرت و انزجار از مدرسه ایجاد می شود.

● والدین با فرزندان خود رفتاری منطقی و متناسب با سن و سال آن ها باشند و آنان را آن گونه که هستند، پذیرا باشند. به آن ها احترام بگذارند، موقعیت و فرصت اظهار نظر برای آنان ایجاد کنند و آن ها را با دیگران مقایسه نکنند که این خود مانع رشد اعتماد به نفس در آنان می شود.

### نقش خانواده در بهداشت روانی دانش آموزان

خانواده به عنوان اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی، تأثیر زیادی بر تحول و شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. این تأثیرگذاری بسیار چشم گیر است و می تواند بهداشت روانی دانش آموزان را تحت الشعاع خود قرار دهد. برخی روانکاوان عقیده دارند بهداشت روانی افراد در پنج سال اول زندگی در خانواده پایه ریزی می شود.

نمی تواند آمادگی لازم را که (رکن اساسی یادگیری است) برای یادگیری و فعالیت کلاسی داشته باشد. در نتیجه انگیزه و رغبت برای یادگیری را از دست می دهد و دچار افت تحصیلی می شود. در بعضی مواقع فقر اقتصادی دانش آموز را مجبور می کند که برای جبران کمبودهای خود و خانواده اش، ساعاتی از روز به کار مشغول شود و در نتیجه فرصت کافی برای انجام تکالیف نداشته باشد. گاهی نیز به دلیل نداشتن لوازم التحریر، تکالیف خود را انجام نمی دهد و وقتی معلم از او سؤال می کند که چرا تکلیف خود را انجام نداده ای، مجبور است برای حفظ شخصیت و حرمت خود و خانواده اش، به دروغ گویی متوسل شود و از گفتن حقیقت که همانا ناتوانی خانواده در تهیه قلم و دفتر است، طفره رود و سرانجام فردی دروغ گو شود.

### پیشنهادها

● پرسش نامهٔ محرمانه ای که حاوی اطلاعات لازم از قبیل وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین، شمار اعضای خانواده، وضعیت جسمی و روحی والدین و سایر اعضای خانواده و... است، تهیه و تنظیم شود و به منظور آگاه کردن معلمان در اختیار آنان قرار گیرد.

● معلمان از طریق اولیای مدرسه و پرسش نامهٔ محرمانه، از جو حاکم بر خانوادهٔ دانش آموزان آگاه شوند. با هر یک از آن ها مطابق با وضعیت روحی و روانی و خانوادگی شان رفتار کنند.

● اولیای مدرسه در ابتدای سال استقبال خوبی از دانش آموزان داشته باشند و حداقل با هدیه کردن یک شاخهٔ گل به هر یک، نگرش مثبتی در آنان ایجاد کنند. زیرا خوش بینی به مدرسه مقدمهٔ علاقه مند شدن و میل و رغبت است که اصل اساسی در یادگیری است.

● معلم در کلاس درس تک تک شاگردان را مورد توجه قرار دهد و حتی نگاه خود را به طور مساوی بین آن ها تقسیم کند. عدالت را رعایت کند و از تبعیض قائل شدن بین دانش آموزان بپرهیزد. بکوشد آن ها را به صورت انفرادی بشناسد و سهمی از وقت و انرژی خود را در اختیار هر یک از آن ها قرار دهد. در تدریس از روش های متنوع استفاده کند. با اولیای دانش آموزان و خود آن ها برخوردی محبت آمیز و مثبت داشته باشد و در کارهای کلاسی شاگردان را به پیشرفت و به دست آوردن اطلاعات جدید تشویق کند.

● والدین ماهانه سهم ناچیزی از درآمد خود را به خرید روزنامه، مجله و کتاب های کمک درسی برای فرزندان خود اختصاص دهند.

محیط خانوادگی دارای متغیرهای فراوانی است که کارکردهای متعددی دارند. از مهم‌ترین این کارکردهای می‌توان به راهنمایی فرزندان و فراهم ساختن فرصت‌هایی برای آموزش و پرورش و گسترش روابط اجتماعی آنان و هم‌چنین، ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در آنان اشاره کرد.

امروزه در رویکرد جامع بهداشت روانی، دو گرایش وجود دارد که با عنوان گرایش «مدرسه‌محور» و گرایش «خانواده‌محور» شناخته می‌شوند. در گرایش خانواده‌محور تأکید بر این است که عوامل مخرب بهداشت روانی در محیط خانواده، شناسایی شوند تا خانواده بتواند کارکردهای مؤثر خود را بروز دهد. اگر خانواده کارکرد مطلوبی داشته باشد و بتواند فرصت‌های مناسبی برای تحول شخصیت کودک فراهم سازد، نه تنها عزت‌نفس کودک، بلکه دیگر جنبه‌های مثبت شخصیت او نیز ارتقا می‌یابد و پایه‌های بهداشت روانی‌اش استوار می‌شود. کودک با فراگیری مهارت‌های زندگی زیر نظر والدین و دیگر اعضای خانواده، می‌تواند سازگاری خود را در محیط‌های اجتماعی و به‌خصوص محیط‌های آموزشی افزایش دهد.

### نقش مدرسه در بهداشت روانی دانش‌آموزان

بعد از خانواده، مدرسه مهم‌ترین نهاد اجتماعی اثرگذار بر بهداشت روانی دانش‌آموزان است. امروزه تعامل بهداشت روانی دانش‌آموزان و محیط‌های آموزشی، در رشته «روان‌شناسی آموزشی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. روان‌شناسان آموزشی در زمینه‌هایی چون راهنمایی و مشاوره، شناسایی اختلالات روانی، اجرای آزمون‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی، و گاهی اوقات هم با ایجاد زمینه‌های مشاوره برای مدیران و معاونان مدرسه، ایفای نقش می‌کنند.

در ایران فعالیت روان‌شناسان آموزشی بسیار ضعیف است. به همین خاطر این مسئولیت خطیر به‌عهده معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مسئولان مرتبط با زمینه‌های آموزش و پرورش قرار گرفته است. لذا در راستای توسعه بهداشت روانی دانش‌آموزان، مسئولان مرتبط با محیط آموزشی و اعضای خانواده دانش‌آموز، باید آموزش‌های منظم و دامنه‌داری ببینند تا بتوانند اقدامات سودمندی برای کاهش اختلالات رفتاری و بهداشت روانی دانش‌آموز صورت دهند.

از آن‌جا که طیف خدمات بهداشت روانی مناسب و وسیع است، در حیطه بهداشت روانی اولیه، پیش‌گیری از بروز هر نوع اختلالی صورت می‌گیرد. این امر با فعالیت‌های نظام‌گونه و هماهنگ مدرسه و خانواده امکان‌پذیر است. در بهداشت روانی ثانویه، علائم

هشداردهنده و یا اختلالات روانی بسیار خفیف و زودگذر شناسایی و بررسی می‌شوند تا قبل از وخیم شدن این اختلالات روان‌شناختی، به درمان سریع آن‌ها پرداخته شود. در بهداشت روانی مرحله سوم هم اختلالات رفتاری ویژه و مشخص شناسایی می‌شوند و شخص مبتلا برای درمان به متخصصان ارجاع داده می‌شود. در این مرحله تأکید بر شیوه‌های درمان اختلالات است.

### پی‌نوشت

#### 1. wastage

#### منابع

۱. احمدی، احمد. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. انتشارات ترمه. تهران. ۱۳۷۱.
۲. امین‌فر، مرتضی. «افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش». فصل‌نامه تعلیم و تربیت. سال دوم. پاییز و زمستان ۱۳۶۵. شماره ۷ و ۸. تهران. ۱۳۶۵.
۳. بازرگان، زهرا. «نگاهی دیگر به مسئله افت تحصیلی و شیوه‌های مؤثر مقابله با آن». نشریه پیوند. دی‌ماه ۱۳۷۹.
۴. بیابان‌گرد، اسماعیل. روش‌های پیش‌گیری از افت تحصیلی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۷۸.
۵. بهرام‌زاده، هیبت‌الله. «رابطه خانواده و افت تحصیلی در کارزون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. ۱۳۷۲.
۶. حسین‌پور، شهره و کافیان، محمدرضا. آموزش مهارت‌های تخصصی. دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۷۹.
۷. مجله معرفت، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۶۲.
۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. مبانی روان‌شناختی تربیت. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۶.
۹. شفیع‌آبادی، عبدالله. فنون تربیت کودک. انتشارات چهره. تهران. ۱۳۷۱.
۱۰. نریسانی، محمد. «مروری بر عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان». نشریه پیوند. بهمن ۱۳۵۱.
۱۱. مرتضوی‌زاده، حشمت‌الله. «مقایسه شیوه‌ها و استراتژی مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین دوره متوسطه استان کهگیلویه و بویراحمد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
۱۲. موریش، ایور. درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. ترجمه غلامعلی سرمد. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۳.
۱۳. انجمن اولیا و مربیان. راهنمای آموزش و مشاوره خانواده. دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران. تهران. ۱۳۷۲.
۱۴. به پژه، احمد. اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان. نشر رویش. تهران. ۱۳۸۰.
۱۵. سجادی، سیدمجتبی. بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده در تغییر نگرش والدین شرکت‌کننده در کلاس‌ها نسبت به فرزندانشان در دوره ابتدایی شهرستان اراک. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی. اراک. ۱۳۸۰.
۱۶. شکوهی، غلامحسین. تعلیم و تربیت و مراحل آن. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۱.



# امنیت پیام در مراکز آموزشی

مقاله



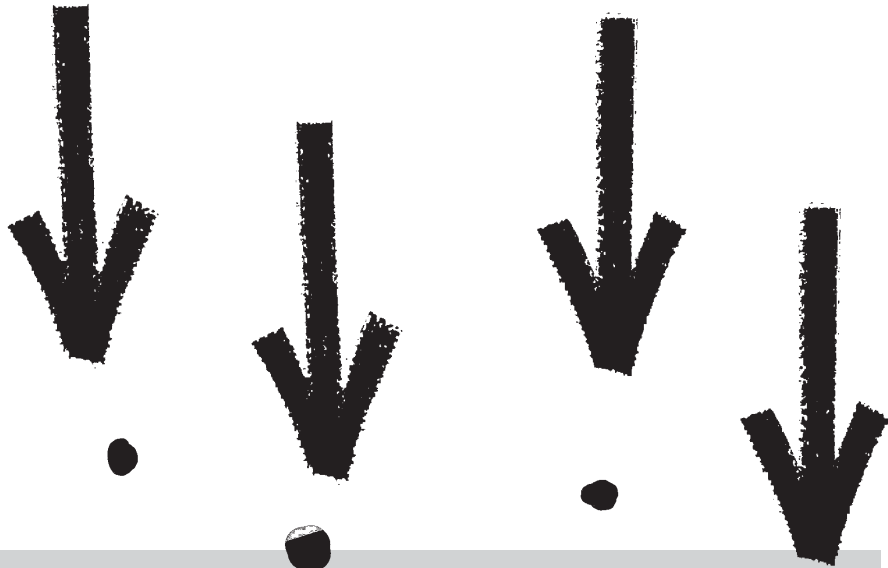
رضوان رضوی

مدیر دبیرستان

در استان

چهارمحال و بختیاری،

شهرستان شهرکرد



## مقدمه

«امنیت» را ایمن شدن، درمان شدن و بی‌بیمی (فرهنگ معین، ص ۳۵۲)، «ایمنی» را آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ص ۲۷۵)؛ «امن» را که مصور امنیت است، اطمینان و آرامش خاطر (المنجد، ص ۱۸) و «ایمنی» را آرامش قلب و خاطر جمع بودن (قریشی، ص ۱۲۲) معنی کرده‌اند. امنیت به «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری»، و نداشتن هراس و بیم در مورد حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها (عمید زنجانی، ص ۵۴۸) و علاوه بر آن، به مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد (ساعس، ص ۹ و ۱۰) نیز تعبیر شده است. امنیت را «به لحاظ محوریت انسان»، به انواع درونی (آرامش و آسودگی خاطری که در فکر، قلب و ذهن انسان و مثلاً با ایمان و توکل به خدا ایجاد می‌شود) و بیرونی (آرامش و آسودگی ناشی از عناصر بیرونی، مثل مسکن، منزلت و خانواده) و «به لحاظ جغرافیایی» به انواع داخلی (برقراری نظم، آرامش و ایمنی در داخل سرزمین و حوزه حاکمیت یک کشور) و خارجی (وجود آرامش و ایمنی و آسودگی خیال و مصونیت از خطر برای اتباع یک کشور در خارج از کشور خود) تقسیم کرده‌اند.

علاوه بر این تقسیم‌بندی‌ها، امنیت به انواع فردی و اجتماعی نیز تقسیم و تفکیک شده است. «امنیت فردی» آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه برای خود فراهم می‌سازد. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند. امنیت اجتماعی را غالباً به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی به شرح زیر تقسیم کرده‌اند [ساعس، ۱۴-۱۶].

۱. امنیت شغلی: یعنی ایجاد آرامش و آسایش برای انسان از طریق تأمین شغل در برابر تلاش عادلانه او.
۲. امنیت اقتصادی: یعنی ایجاد چنان نظمی در اجزا و بخش‌های اقتصادی جامعه که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد.
۳. امنیت سیاسی: یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این‌گونه امور بدون احساس بیم و هراس، و خطر و تهدید.
۴. امنیت قضایی: یعنی ایمنی افراد از هر نوع تعرض، تجاوز و ارباب، و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل و مسکن و به‌طور کلی تمام حقوق قانونی و مشروع آنان.

کلیدواژه‌ها: احساس ناایمنی، آسایش، عدل و انصاف، انواع امنیت

## امنیت و سازمان

اصولاً امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان یک جامعه به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، وجود امنیت لازم و ضروری است، اما تعیین درجه و مرتبه‌ای برای تثبیت چنین امنیتی، شاید امکان‌پذیر نباشد. به همین دلیل است که گفته می‌شود: امنیت، یک وضعیت نسبی است. یعنی هرگز، یک فرد در معیار فرد و کشور در مقیاس کلان، نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت صددرصد باشد؛ حال حتی اگر تمام عوامل، امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی نیز در این طریق به کار گرفته شوند.

امنیت، هم یک فرایند است و هم یک وضعیت نهایی. بدین معنی که وقتی تمهیدات لازم برای دستیابی به یک حداقل امنیت به کار گرفته می‌شود، فقط همین احساس کافی است که ما دریابیم برای حفظ، بقا و صیانت و مصون‌سازی سازمان در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی، کوشش‌هایی وجود دارد. بی‌شک این احساس اطمینان برای تداوم و استمرار حیات و فعالیت ضروری است، چرا که به نوعی آرامش، امید و اعتماد به نفس را القا می‌کند. به‌طور کلی باید گفت که در جهان واقعی، دستیابی به امنیت مطلق غیرممکن است. امنیت، ارزش و موقعیتی است که یک سازمان به میزان کمتر یا بیشتر می‌تواند از آن برخوردار باشد، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند از اهمیت تام بهره‌مند شود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که:

آیا امنیت ارزشی است که به خودی خود مطلوب محسوب می‌شود، یا وسیله‌ای است که برای رسیدن به مطلوب‌های دیگر به آن نیاز داریم؟ پاسخ به این پرسش به یقین دشوار

خواهد بود. زیرا امنیت از یک سو وسیله است و از سوی دیگر هدف. وسیله است، چرا که می‌خواهیم با به‌دست آوردن آن، ارزش‌های دیگری را حفظ کنیم یا پیش ببریم، و هدف است، به این اعتبار که می‌خواهیم با یک سلسله اقدامات و تلاش‌های پیاپی به آن دست یابیم.

## امنیت روانی

احساس امنیت عبارت است از احساس دوری نسبی از خطر. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی است. ایمنی از احساسات و عواطف زیربنایی و حیاتی برای تأمین بهداشت روانی است. افراد نا امن، نامتعادل‌اند. شخصی که دائماً احساس عدم امنیت، ترس و خطر از بیرون و درون خود دارد، نمی‌تواند انسان سالمی باشد. او با پرخاشگری و یا اضطراب واکنش نشان می‌دهد و در دنیای ذهنی خود مدام در حال دفع کردن خطرات احتمالی است.

برای سالم بودن از نظر جسمی و روانی، وجود احساس امنیت ضروری است. احساس عدم امنیت دائم شخص را در حال بسیج مداوم قوا و تلاطم و به‌هم ریختگی متابولیسم بدن قرار می‌دهد و اگر ادامه یابد، او را به سوی بیماری‌های جسمی و روانی سوق خواهد داد. زیرا ساختمان بدن انسان قدرت تحمل تنش دائمی را که محصول این بسیج دائمی است، ندارد.

به‌طور کلی میل به احساس ایمنی از جانب افراد به علت ترس است؛ ترسی که از وجود یک محرک واقعی یا احتمالی در محیط بیرونی ارگانیزم ایجاد می‌شود. فروید از اولین کسانی بود که ترس از یک خطر واقعی را از ترس نوروتیک تمیز داد. به نظر او، خطر واقعی آن‌گونه خطری است که ما از ماهیت آن آگاه هستیم. اضطراب ما در مقابل چنین وضعی ترس واقعی است. اضطراب نوروتیک آن نوع ترسی است که خطر آن بر فرد شناخته نیست. فروید اضطراب واقعی را ترس و ترس نوروتیک را اضطراب خواند. البته مرز این دو همیشه روشن نیست و در موارد بسیاری خصوصیات اضطراب واقعی و نوروتیک درهم می‌آمیزند. مثلاً، خطر شناخته شده و از نوع واقعی است، لیکن اضطراب مربوط به آن بسیار زیادتر از خطر واقعی است. یعنی مقدار احساس اضطراب و ترس، با مقدار خطر بیرونی نامتناسب است. این پاسخ نامتناسب و شدید به محرکی که آن‌قدرها هم خطرناک نیست و غالباً به صورت اضطراب و تنش ظاهر می‌شود، اساس احساسی به نام نا ایمنی است.



## احساس ناایمنی اولیه و ثانوی

بعضی از روان‌شناسان معتقدند که احساس ناایمنی احساس خالص و محدودی نیست، بلکه احساس پیچیده و مرکبی است که باید به عنوان یکی از صفات اصلی کل شخصیت انسان محسوب شود. **ابراهام مزلو**، روان‌شناس معروف انسان‌گرا، از اولین کسانی بود که در این زمینه نظریات اساسی ارائه کرد. برای روشن شدن مفهوم ناایمنی او ۱۴ عنصر را به عنوان اجزای این احساس برشمرد که عبارتند از:

۱. احساس طرد شدن، مورد عشق و علاقه دیگران نبودن و این که دیگران به سردی و بدون محبت با او رفتار می‌کنند. اطمینان از این موضوع که مورد تنفر و خصومت دیگران واقع شده است.
۲. احساس تنهایی.
۳. احساس این که دائماً در معرض خطر قرار دارد (احساس ترس و اضطراب).

۴. احساس دنیا به عنوان مکانی تاریک، خصمانه و خطرناک؛ دنیایی که قانون جنگل در آن حکم فرماست.
۵. دیدن دیگران به عنوان افرادی بد، شیطانی، خودخواه و خطرناک.
۶. احساس عدم اعتماد، حسادت و بخل زیاد نسبت به دیگران.
۷. بدبینی.
۸. گرایش به ناخشنودی و نارضایتی شدید از خود و محیط.

۹. احساس تنش و فشار، و کشمکش درونی توأم با عوارض این حالات مانند عصبی و بی‌قرار بودن، خستگی، بی‌حوصلگی، ناراحتی و حساسیت معده و سایر اعضای بدن، داشتن کابوس، بی‌تصمیمی و بی‌ارادگی، و تغییر دائمی خلق و خو.
۱۰. گرایش به عیب‌جویی زیاد و خرده‌بینی و سواسی نسبت به خود و به‌خصوص عیوب و ضعف‌های خود.

۱۱. احساس گناه و شرمندگی شدید، ملامت زیاد، دل‌سردی، یأس و ناامیدی و تمایل به خودکشی.

۱۲. اختلال در سیستم احساس ارزش و پذیرش خود، مانند نیاز شدید به قدرت و مقام اجتماعی، کسب افتخارات، جاه‌طلبی، پیشرفت اجتماعی، پرخاشگری، ثروت، مالکیت، رقابت و یا برعکس، احساسات خودآزاری، حقارت، اتکای شدید و وابستگی زیاد به دیگران، احساس بیچارگی و درماندگی، و تسلیم شدن در برابر ناملایمات.

۱۳. میل دائمی و شدید برای یافتن امنیت به صورت هدف‌های مکرر، متغیر، کاذب و ناقص و گاه هدف‌هایی که توأم با هذیان و توهم است.

۱۴. خودخواهی، خودمداری، فردگرایی و اشتغال‌ذهنی بسیار شدید و مستمر [شاملو، ۱۳۷۲: ۱۴۵-۱۴۴].

**مزلو** معتقد است که از میان این نشانه‌ها، نشانه‌های اول تا سوم جزو نشانه‌های اولیه هستند، زیرا «علت» محسوب می‌شوند. بقیه جزو نشانه‌های ثانویه‌اند، زیرا معلول و با محصول سه عامل اول به

حساب می‌آیند. گروهی از روان‌شناسان براساس این تقسیم‌بندی معتقدند که می‌توان عناصر تشکیل‌دهنده احساس ناایمنی را طبقه‌بندی خاصی کرد. یعنی تعدادی را که منبع اصلی هستند و ریشه در کودکی دارند، نامی‌های اولیه و آن‌هایی را که از تجارب بزرگ‌سالی نشئت می‌گیرند، نامی‌های ثانوی بخوانیم.

## برای ایجاد امنیت خاطر معلمان، مدیر باید چه کارهایی را در سازمان انجام دهد؟

### احساس مورد توجه بودن

هرگاه معلمان احساس کنند که مدیران در مدرسه به کارشان علاقه نشان می‌دهند، و می‌کوشند که از کیفیت روحی آنان مطلع باشند، بر میزان کارایی آن‌ها افزوده خواهد شد.

### خاطر جمعی و آسایش در زندگی

معلمان در زندگی خواهان امنیت و رفاه هستند. رفاه شامل وسایل و لوازمی از زندگی است که معلم را به حفظ و ادامه زندگی راحت قادر خواهد ساخت. احساس خاطر جمعی و رفاه شغلی ناشی از وجود دستمزد و حقوق بازنشستگی کافی، بیمه درمانی، امتیازات لازم بهداشتی، بیمه سلامتی، مرخصی، و امتیازات دیگر صنفی است. البته در کشورهایی که به شیوه متمرکز اداره می‌شوند - از جمله ایران - شاید مدیر به تنهایی نتواند حتی از این موضوعات سخن به میان آورد، اما با دعوت از مسئولان و مدیران سطح بالا می‌تواند با حضور معلمان جلساتی ترتیب دهد تا صحبت‌ها و درد دل‌های معلمان به گوش آن‌ها برسد و حداقل با جواب‌های قانع‌کننده و امیددهنده‌ای روبه‌رو شوند.

### تشکر و تقدیر

یکی از دلایلی که افراد را به خدمت و انجام وظیفه وامی‌دارد، میل و علاقه به تشخیص و تمییز خدمات آنان است که از طرف مدیر، همکاران و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، صورت می‌پذیرد. زیرا باعث رضایت خاطر بیشتر و احساس امنیت در محیط کار می‌شود. تجربه نشان داده است، هرگاه برای افراد قدرت انتخاب میان چندین شغل با حقوق‌های متفاوت وجود داشته باشد، بیشتر افراد، شغلی را انتخاب می‌کنند که دارای اهمیت و ارزش باشد؛ گرچه دستمزد آن از سایر مشاغل کمتر باشد.

مدیر با کفایت می‌تواند با تقدیر از کارهای خوب آموزشی معلمان در مدرسه، و با گزارش آن‌ها به اولیا و سایر همکاران، موجبات آرامش خاطر و امنیت را برای همکارانش به‌وجود آورد. برای بسیاری از معلمان روزی که از کارشان تقدیر یا تمجید شود، روز سرور و شادی محسوب می‌شود. در حقیقت، تقدیر نمونه‌ای از راهکارهای تشخیص و تمییز خدمات است که همه انسان‌ها به آن نیازمندند.



- هرگز در مورد یاری‌هایی که از طرف کارکنان آموزشی صورت می‌گیرد، اظهارات نیش‌دار به زبان نیاورند.
  - مدیر مدرسه هرگز نباید رفتاری کند یا سخنی بگوید که مفهوم آن خشنودی از تغییر یکی از معلمان فعلی باشد.
- برنامه‌ها و کارهای جمعی در مدرسه سبب بالا رفتن درجهٔ تعلق و وابستگی معلم به مدرسه و کلاس خواهد شد.

### رفتار از روی عدل و انصاف

معلمان می‌خواهند که با آن‌ها از روی انصاف و عدل رفتار شود. آنان از تحمیل وظایف بیش از معمول و این‌که فرد دیگری پاداش مادی و معنوی بیشتری دریافت کند، متنفر هستند. از تبعیض منزجرند و هرگاه احساس کنند که مدیر به جانب‌داری و پارتی‌بازی متمایل شده است، از کار و کوشش خود می‌کاهند.

مدیر باید در کارهای فوق برنامه از همهٔ معلمان کمک بخواهد تا موجبات دلسردی کارکنان فراهم نشود. تعیین حقوق باید براساس ضوابط معین و مشخصی باشد تا به بی‌عدالتی نینجامد. نظام ارزش‌یابی صحیح یکی دیگر از موارد از بین بردن احساس ناامنی کارکنان است که معمولاً معتقدند ارزش‌یابی طبق رابطه تنظیم می‌شود و موجبات نارضایتی و در واقع ناامنی خاطرشان را فراهم می‌کند. برای رسیدگی به این موارد، تشکیل «شورای رفاه معلم» از نخبگان معلمان که دارای وظیفهٔ رسیدگی به شکایات و توصیهٔ اقداماتی برای رفع تبعیض و بی‌عدالتی باشد، بسیار مؤثر است.

### احساس موفقیت در کار و رشد صنفی

معلمان میل دارند که در کارشان موفقیت و پیشرفت احساس کنند و می‌خواهند مطمئن شوند که افرادی شایسته و با کفایت هستند. در انجام وظایف خود به خدمت واقعی مشغول‌اند، در مسیر پیشرفت قرار دارند، و در حرفه و کار خویش رشد می‌کنند.

اگر قرار باشد که معلمان از کفایت و شایستگی شغلی خود احساس امنیت کنند، مدرسه باید برنامهٔ بسیار قوی و مؤثری در باب آموزش ضمن خدمت داشته باشد تا از این طریق، هم‌گام با تغییراتی که در برنامه‌ها صورت می‌گیرند، مجهز و آماده شوند. مدیر مدرسه باید راه ترقی و پیشرفت همکاران آموزشی را فراهم سازد و به آن‌ها اطمینان دهد، زمانی که برای ادامهٔ تحصیل می‌روند، کلاس خود را از دست نمی‌دهند. به این منظور می‌تواند با تلفن زدن به آن‌ها، موجبات امنیت خاطرشان را فراهم سازد و به آن‌ها نوید دهد که در مدرسه جای خالی‌شان مشهود است.

### احساس اهمیت داشتن در وظایف محوله

معلمان میل دارند احساس کنند که وظیفه و کار آنان اهمیت دارد. تقریباً هر فردی علاقه‌مند است برای خود شخص مهمی باشد؛ حتی کمی بالاتر و بهتر از هر شخص دیگری. برای تعدادی از افراد،

اگر مدیر مدرسه علاقه‌مند است که معلمان از کارشان رضایت داشته باشند، باید نشان دهد که به آنان اطمینان و اعتماد دارد و به کاری که انجام می‌دهند، احترام می‌گذارد. او نباید از این که ممکن است معلمان بد عادت شوند و در کارشان سهل‌انگاری کنند و یا از او سوءاستفاده کنند، از این کار بترسد. شاید عدهٔ کمی از معلمان از این روحیه برخوردار باشند، اما همه چنین نیستند.

ایجاد شرایط مطلوب کار نیز که شامل فراهم ساختن لوازم و وسایل کافی برای کار است، ضرورت دارد. پولی که صرف خرید وسایل راحتی برای اتاق کار معلمان می‌شود، موجب تقویت روحیهٔ معلمان و افزایش رغبت به کار و افتخارشان به دستگاه آموزش و پرورش خواهد بود. لوازم کار معلمان باید با توجه به نیازهای جدید علمی و فناوری، و تغییراتی که همه ساله در کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد، تازه و نو باشد. مدیر اول سال تحصیلی مبلغی هر چند ناچیز به عنوان تنخواه‌گردان به معلمان بدهد تا وسایل مورد نیاز درشان را تهیه کنند. این امر باعث ایجاد محیط مطلوب خواهد شد.

مدیر مدرسه باید ترتیبی دهد که هرگاه معلمان به وجودش نیازمندند، حاضر باشد و احتیاجات آنان را رفع کند؛ مخصوصاً معلمان جدیدی که تجربه ندارند و ممکن است با مشکلات انضباطی روبه‌رو باشند. البته مدیر باید به گونه‌ای عمل کند که حضور او در کلاس درس فقط برای کمک به معلمان باشد، نه تهیهٔ مدارک و شواهدی که به ضرر و علیه آنان باشد یا باعث تحقیرشان نزد دانش‌آموزان و سایر همکاران شود.

مدیر مدرسه باید پشتیبان معلمان خود باشد. حمایت‌نکردن از گروه معلمان موجب شکست مدیر و تضعیف روحیهٔ کارکنان و در نتیجه باعث ایجاد ناامنی می‌شود. معلم نباید بیم آن داشته باشد که اگر اشتباهی از او سر زد، کارش را از دست خواهد داد. از طرف دیگر، نباید تصور کند هر تصمیم غیرمنطقی که بگیرد، مدیر حامی اوست.

### احساس علاقه و دل‌بستگی

معلمان احتیاج دارند به گروهی که با آن کار می‌کنند، وابسته باشند. علاقه و احتیاج به عضویت و مقبول بودن در گروه بیشتر از حقوق و پاداش مادی، در میزان کاری که فرد انجام می‌دهد، تأثیر دارد. تدابیری که مدیران می‌توانند در این مورد بیندیشند از این قرارند:

- تشکیل جلساتی که معلمان بتوانند گردهم جمع شوند.
- اختصاص روزهای آخر هفته به تفریحات و برنامه‌های جمعی.
- غیبت افراد را در پیشرفت کار گروهی محسوس نشان دهند.
- در انجام فعالیت‌ها از افراد مدد جویند.
- ارزش وجودی و استعداد‌های گوناگون کارکنان مدرسه را نمودار سازند.
- قدر و منزلت هر یک از افراد را بشناسند.

داشتن اتاق کار انفرادی، باعث ایجاد احساس اهمیت در وظایف محوله به آن‌ها می‌شود و به کیفیت کارشان بهبود می‌بخشد. میل به تشخیص و تمییز زحمات و خدمات انجام شده، قسمت دیگری از علاقه به احساس اهمیت داشتن در وظایف محوله است.

### شرکت در تعیین سیاست کلی کار

معلمان میل دارند احساس کنند که در هدایت و نظارت بر سرنوشت خود دخالت دارند. بیشتر افراد نوع زندگی مبتنی بر آزادی را مطلوب‌تر از زندگی تحت اصول از پیش تعیین شده از طرف دیگران می‌دانند. بنابراین، مدیران می‌توانند با شرکت دادن معلمان در شوراهای تعیین خط‌مشی مدرسه، بر امنیت در کارشان و همچنین رضایت شغلی آن‌ها بیفزایند. هرگاه افراد احساس کنند در تعیین خط‌مشی و سیاست‌های کار دخالت دارند، دو نوع رضایت‌خاطر به‌دست می‌آورند:

الف) احساس می‌کنند وجودشان اهمیت دارد، چون از نظریات و افکارشان در تصمیم‌گیری‌ها استفاده شده است.  
ب) منافع آن‌ها از طرف گروه مورد توجه قرار گرفته است و این خود کسب امتیازی برایشان محسوب خواهد شد.

علاوه بر موارد فوق، شرکت معلمان در تعیین خط‌مشی کلی سبب می‌شود آن‌ها خود را در قبال سازمان مسئول بدانند. به اجرای مصوبات آن علاقه‌مند شوند، در مقابل تغییرات مقاومت نکنند و خود را در سرنوشت سازمان شریک بدانند. این‌جاست که دیگر تصمیمات شخصی مدیر نمی‌تواند اعمال شود، بلکه معلمان مدیر را نماینده خود در اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها می‌دانند. البته در کشورهایی که به صورت متمرکز اداره می‌شوند، کارکنان مدارس اعم از مدیر و معلمان در تعیین خط‌مشی‌ها دخالت چندانی ندارند. اما مدیر می‌تواند کیفیت امور را با معلمان در میان بگذارد و از این موضوع برای تقویت روحیه آنان استفاده کند. به این ترتیب کارکنان آموزشی مدرسه فرصت خواهند داشت قبل از اجرای قوانین و مقررات جدید خود را با آن‌ها منطبق سازند و اگر قرار است اعتراضی شود، بدون هیچ‌گونه ترسی اعتراضات خود را تنظیم کنند و به مقامات بالا ارجاع دهند تا بدین صورت موجبات امنیت افراد سازمان فراهم آید.

### حفظ احترام خود

برای به‌دست آوردن احساس امنیت در کار، باید مشاغل محول شده چنان باشند که فرد از احساس احترام به خود برخوردار باشد. احترام به خود شامل احساس برابری با همکاران است. بنابراین حفظ احترام به‌خود با بله قربان گفتن و مطیع بی‌چون و چرای دیگران بودن، سازگار نیست. افراد میل دارند در محیطی کار کنند که احساس «با دیگران کار کردن»، نه «برای دیگران کار کردن» برایشان ایجاد شود.

مدیری که در قالب دستور خواسته‌های خود را دیکته می‌کند، در واقع به زبردستان خود به دید ماشین می‌نگرد و روحیه ابتکار و خلاقیت را از آن‌ها می‌گیرد. پس نحوه دستور دادن در پیدا شدن روحیه احترام به خود تأثیر دارد؛ هم می‌تواند در سرکوب حس احترام به خود مؤثر افتد، و هم با شرکت دادن معلمان در طرح و اجرای امور، احساس برابری را به‌وجود آورد. مدیران همین‌که احساس کردند افراد در کار خود توانایی لازم را کسب کرده‌اند، باید از امر و نهی پیاپی بکاهند.

برنامه کار باید دارای انعطاف و نرمش باشد تا کارکنان سازمان احساس برابری و همکاری کنند. اگر زمان اجرای برنامه‌ها به‌طور قطع از طرف مدیر ابلاغ شود و مشکلات و نیازهای زبردستان مطمح‌نظر قرار نگیرد، سبب برقراری روابط نامطلوب بین مدیر و معلمان می‌شود و احساس امنیت در فرد و در سازمان را مختل می‌سازد.

هم‌چنین، مدیر نباید باعث تحقیر افراد شود و آن‌ها را به اتخاذ حالت تدافعی وادار سازد. اظهارات او باید باعث تقویت شأن و اعتبار معلمان شود، نه این‌که آنان را تضعیف کند. رابطه معلمان با دانش‌آموزان نیز نباید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان احترام به خود را از دست بدهند. زیرا چه معلم و چه دانش‌آموز اگر حقوق و مقامشان تهدید شود، احساس امنیت خود را از دست می‌دهند.

### نتیجه

کار معلمی مانند سایر مشاغل به حداکثر امنیت نیاز دارد تا بتواند در محیطی دور از تبعیض، بی‌عدالتی، پارتی‌بازی و بی‌توجهی، امر تدریس را به صورت مطلوب اجرا کند. تدریس به معلم فرصت می‌دهد تا در موقعیت‌های شوق‌انگیز دست به ابتکار بزند. کار معلم امکان عملی کردن عقاید و نظریات تازه را به‌وجود می‌آورد و به معلم این احساس را می‌دهد که به اجتماع خدمتی پرارزش می‌کند. در کار آموزشی فرصت‌های بسیاری برای تشخیص زحمات معلم وجود دارد و موارد زیادی هست که معلم احساس کند وجود او مورد نیاز است.

مدیر مدرسه و مسئولان آموزش‌وپرورش نباید اهمیت احساس امنیت شغلی کارکنان مدرسه را نادیده بگیرند و لازم است هرچند گاه یک بار از احساس افراد اطلاع به‌دست آورند. به این منظور می‌توانند با تهیه پرسش‌نامه یا تشکیل جلساتی که در آن‌ها معلمان جرئت ابراز عقیده داشته باشند، از آن‌ها در مورد نوع اقدامات و روش‌های کاری که موجب برقراری امنیت در محیط می‌شود، سؤال کنند.

تمام ظواهر و نشانه‌هایی که درباره پایین بودن احساس امنیت شغلی کارکنان مدرسه از قبیل غیبت، تأخیر، ترس، تملق، اضطراب و ترک خدمت ذکر شد، نمونه‌هایی از رفتار معلمان است که مدیر مدرسه برای درک کیفیت امنیت در محیط باید همواره در نظر داشته باشد.

# استبداد بارورها

## هفت تیر، آغاز خیزش‌های جدید

هفتم تیرماه است. گروهی از مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان کشور، برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در محلی گرد هم آمده‌اند. عوامل استکبار نیز با اطلاع از وضعیت این‌گونه نشست‌ها، به مدیران کشور حمله می‌کنند. آن‌ها که با تبلیغات منفی علیه شخصیت مدیران کشور نتوانسته بودند خدشه‌ای به ایشان وارد کنند، این‌بار ترور فیزیکی و حذف آن‌ها را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

صدای مهیبی شهر را به لرزه درمی‌آورد. در مقر حزب جمهوری اسلامی، بیش از ۷۲ تن از مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان پیرو خط امام در این انفجار طراحی شده از طرف امپریالیسم، کمونیسم، صهیونیسم و ایادی داخل آن‌ها به شهادت می‌رسند. همه به دنبال مغز متفکر انقلاب و مرد تشکیلات و سازمان‌دهی کشور در میان آوارها می‌گردند. وامصیبتا، وامصیبتا! همه در دل و دیده فریاد «خدایا! خدایا! بهشتی؟ بهشتی؟» را ناله می‌کنند.

به مناسبت حادثه جانگداز ۷ تیر سال ۱۳۶۰، رادیوها و سیاستمداران پیر و کهنه‌کار استعمارگر می‌گویند با رفتن بهشتی تشکیلات ایران هم از بین رفت؛ امام ما فرمودند: «بهشتی یک ملت بود برای ملت ما.»

در تاریخ ۸ تیرماه، حضرت امام (قدس سره الشریف) می‌فرمایند: «البته این پیشامد برای همه ملت ما ناگوار بود. اشخاصی که برای خدمت خودشان را حاضر کرده بودند و خدمت‌گزار این کشور بودند، آن قدر که من از آن‌ها می‌شناسم، از ابرار بودند، از اشخاص متعهد بودند که در رأس آن‌ها مرحوم شهید بهشتی است. ایشان را من ۲۰ سال پیش تر است می‌شناختم. مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر

## تدوین: زهرا صادقی

### مروری بر وقایع

رخدادها و واقعه‌های بزرگ و تأثیرگذار در حرکت‌های ملی موجب شور و شعف بالنده می‌شود. گاهی نیز عزیز و عزیزانی را در اثر بحران‌ها از دست می‌دهیم که دل‌تنگی و سوگ ملی پدید می‌آورد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری داهیانه و سرنوشت‌ساز امام و مدیریتی بسیار قوی و کارآمد، و با همراهی علما و مبارزان تربیت شده در مکتب ایشان، حکومتی کاملاً وابسته را کنار زد و دنیای استکباری را شوکه کرد.

از همین‌رو، مثلث‌های شوم بین‌المللی و گاه مربع‌ها و لوزی‌های امپریالیسم، کمونیسم، صهیونیسم و ایادی دست دوم و سوم آن‌ها، در جغرافیای پیرامونی ایران و در داخل کشور، برای خنثا کردن روند انقلاب موج تبلیغاتی دامنه‌داری را علیه یاران و مدیران انقلاب و رهبری امام خمینی (ره) برپا داشتند و با هر عنوانی سعی کردند سواق چهره‌های کارآمد نظام اسلامی را خدشه‌دار کنند که با دانایی و فهم ملت انقلابی مواجه شدند و از قبل آن طرفی نبستند. آنان ناچار دست به اقدامات تروریستی و از بین بردن بدنه مدیریت و یاران امام زدند تا شاید با از کار انداختن برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تعیین شده توسط مدیران امام و انقلاب، حرکت عظیم ملت مسلمان را متوقف کنند؛ اما زهی خیال باطل!





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک	(برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
رشد نوجوان	(برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
رشد دانش‌آموز	(برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)
رشد نوجوان	(برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
رشد جوان	(برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دانشگاهی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود. و آن چه که من راجع به ایشان متأثر هستم و شهادت ایشان در مقابل آن ناچیز است، مظلومیت ایشان در کشور بود. مخالفین انقلاب، افرادی که متعهدتر و مؤثرتر در انقلاب‌اند، آن‌ها را بیشتر مورد هدف قرار داده‌اند. ایشان مورد هدف اجانب و وابستگان به آن‌ها در طول زندگی بود. تهمت‌ها، تهمت‌های ناگوار به ایشان می‌زدند. من او را یک فرد متعهد، مجتهد، متعهد، متدین علاقه‌مند به ملت و علاقه‌مند به اسلام و به دربخور برای جامعه خودمان می‌دانستم.

شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود. این جانب بار دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیه‌الله ارواحنا له الفدا و ملت‌های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم.»

### انفجارها و وحدت ملت ایران

این انفجار و ترور یاران امام موجب گسترش وحدت ملت برای ادامه انقلاب و برنامه‌های کشور شد. مدیران کشور نیز در این راستا با توان مضاعف ادامه راه را برنامه‌ریزی کردند.

### ترور آیت‌الله صدوقی

عالم فقیه و دانشمند و مدیری دیگر از یاران امام و انقلاب، چهارمین شهید محراب، آیت‌الله صدوقی به شهادت می‌رسد. امام در مورد شهادت ایشان می‌فرماید: «آن چه پیش ما مطرح است، هدف بزرگ و شخصیت‌های این بزرگ‌مردان شهید است که بحمدالله هدف نزدیک و شخصیت‌های اینان بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. این جانب دوستی عزیز که بیش از ۳۰ سال با او آشنایی داشتم و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم، از دست دادن و اسلام خدمت‌گزاری متعهد را و ایران فقیه‌ی فداکار و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد. برای ملت بزرگ به‌ویژه یزد متعهد صبر و اجر و برای خاندان محترم این بزرگوار، خصوصاً فرزند برومند عزیزش، صبر جمیل و اجر جلیل خواهانم.»

### شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر انقلابی

روز هشتم ماه شهریور ۱۳۶۰، محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور محبوب و محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر انقلابی مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرند و با صدای مهیب دیگری، فریاد وامصیبتای ملت بلند می‌شود. این بار شهید رجایی و شهید باهنر را باید لابه‌لای آوارها جست‌وجو می‌کردیم. درحالی‌که مدیران کشور با تهمت‌های ناجوانمردانه و ترورهای کور توسط ایادی استکبار مورد هجوم و حمله‌های ناجوانمردانه قرار می‌گیرند، خواسته درونی هر ایرانی این بود که: «خدایا باری‌مان کن!» اکنون باید امام و یاران و مدیران کارآمد و لایق برجا مانده را پاسداشت و حراست کرد. ملت دیگر تحمل از دست دادن یاران و مدیران خود و امام را ندارد. در حال جنگ محاصره



اقتصادی، قافله‌های غرب و جنوب و شمال، و... این ملت با اقتدار تحت رهبری امام و یارانش و مدیران خود پابرجا می‌ماند.  
حضرت امام دربارهٔ شهادت رجایی و باهنر می‌فرمایند: «در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، می‌دانم که آن‌ها به ملکوت اعلا متصل شده‌اند و برای آن‌ها آرامش هست. در عین حالی که مصائب این‌ها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند.»

### یوم‌الله هفده شهریور

روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷، کشتار مردم مسلمان و انقلابی در میدان شهدای تهران توسط مزدوران رژیم پهلوی رقم می‌خورد. امام خمینی (ره) دربارهٔ این روز می‌گویند: «۱۷ شهریور ۵۷ از ایام‌الله است که ملت ایران یاد آن را زنده نگه می‌دارد.»



### وفات آیت‌الله طالقانی

روز نوزدهم ماه شهریور سال ۵۸، آیت‌الله سید محمود طالقانی یار امام خمینی (ره) وفات یافت و این روز یکی دیگر از روزهای سخت ملی بود. امام در رحلت این مرد بزرگ می‌فرمایند: «آقای طالقانی یک عمر را در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراندند. او شخصیتی بود که از حبسی به حبس و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ‌گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت. او برای اسلام به منزلهٔ حضرت ابوذر بود. زبان گویای او هم‌چون شمشیر مالک اشتر برنده بود و کوبنده. او بازوی توانای اسلام بود.»

### شهادت آیت‌الله سید اسدالله مدنی

تابستان شد و شهادت یکی دیگر از یاران با وفا، عالم و فقیه امام این‌بار در استان آذربایجان رقم خورد. آیت‌الله سیداسدالله مدنی به دست ایادی ظلم و ستم التقاط امپریالیستی، کمونیستی و صهیونیستی به شهادت رسید.

این ملت بزرگ و انقلابی با رهبری‌های حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشریف) در کنار یاران و مدیران دلسوز نظام جمهوری اسلامی، همهٔ این بحران‌ها و مرارت‌ها را طی ماه‌ها و سال‌های متمادی از سر گذراندند و همهٔ تهمت‌ها و افتراها را تحمل کردند. امید است که اتهامات و بهتان‌هایی که از افکار مریض علیه یاران و مدیران انقلابی اسلامی امام و رهبری است، پایانی داشته باشد.



## برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوهٔ اشتراک:

شما می‌توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبهٔ سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:  
۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگهٔ اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واريزی.  
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شدهٔ اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....  
.....  
.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: ..... شهرستان: ..... خیابان: .....

.....

شمارهٔ فیش: ..... مبلغ پرداختی: .....

.....

پلاک: ..... شمارهٔ پستی: .....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شمارهٔ اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
♦ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
♦ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

♦ هزینهٔ اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال

♦ هزینهٔ اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال